جمهوری اسلامی ایران

ریاست جمهوری

سازمان برنامه و بودجه کشور

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان

مطالعات برنامه آمایش استان گلستان

تحلیل نظام شهری و روستایی

۱۳۹۵

پیشگفتار

طراحی نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مبتنی بر نتایج مطالعات آمایش سرزمین استان در آستانه تهیه برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فرصتی خواهد بود تا توسعه‌ی پایدار استان با مدیریتی جامع، همه سونگر و در چارچوب توسعه فضایی تحقق یابد.

در فرآیند مطالعات آمایش، توان‌های اقتصادی، اجتماعی، اکولوژیک و خط‌مشی‌های راهبردی توسعه کشور و استان با هم تلفیق می‌گردند و راهکاری مناسب برای تحقق توسعه متوازن، همه جانبه و پایدار در سطح سرزمین پیشنهاد می‌گردد.

بر این اساس، استان گلستان در قالب ساز و کار پیش بینی شده در شرح خدمات ابلاغی از سوی مرکز، مطالعات آمایش استان را در قالب ۲ بخش کلان (تحلیل و ساختار وضع موجود و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری) و ۸ فصل تهیه و تدوین نموده است.

امید است سند آمایش استان گلستان به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بالا دستی توسعه در اولویت برنامه‌ریزان، مدیران و تصمیم‌گیران استان قرار گیرد و اهداف پیش‌بینی شده از اجرای طرح مطالعات آمایش از جمله کارایی و بازدهی اقتصادی، گسترش عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت، وحدت و یکپارچگی سرزمین و نظیر آن محقق گردد.

در پایان از استاندار محترم و معاونین ایشان، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و کلیه دستگاه های اجرایی و همکاران معاونت برنامه و بودجه که در انجام این مطالعات نقش عمده‌ای داشته‌اند و همچنین از مجری طرح جناب آقای دکتر ماهینی و همکاران ایشان تشکر می‌نمایم.

حسین پیش قدم

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان

مقدمه

در یک تعریف آمایش به معنی تنظیم رابطه انسان، مکان و زمان است. انسان شامل مولفه‌های جمعیتی و هزینه و درآمد و بازار کسب و کار و سرمایه و صنعت است. مکان یعنی پهنه سرزمین و توان و هر آنچه به‌طور مستقیم و غیر مستقیم از آن مورد استفاده کنونی یا آینده انسان قرار می‌گیرد و زمان به عنصر پیشرفت در فناوری و زیرساخت‌ها و تغییر مولفه‌های جمعیتی و نیز تغییرات طبیعی اشاره دارد. عقیده بر این است که آراستن این رابطه به تضمین استفاده مستمر و پایدار و درخور از منابع طبیعی تجدید شونده در چارچوب ظرفیت‌های طبیعت و توسعه و پیشرفت انسان در عرصه‌های مختلف در میان مدت و دراز مدت می‌انجامد. این نگاه به آمایش بر اساس داده‌های بوم‌شناختی پایدار قرار دارد و فعالیتی پژوهشی است که نتایج آن در مقیاس منطقه‌ای قابل اجراست و در انتهای آن مکان و میزان کاربری‌های کلان مشخص می‌گردند تا با پیروی از نقشه بدست آمده آسیب‌های طبیعی به حداقل برسد و انسان در میان مدت و دراز مدت، به شرط سازوکارهای صحیح توزیع ثروت و بهره‌برداری بهینه از کلیه منابع به رفاه بالاتری دست یابد. در فرایند آمایش، توان اکولوژیک و توان‌های اقتصادی و اجتماعی و خط مشی‌های راهبردی توسعه کشور و استان همگی با هم متوازن می‌گردند.

مطالعات آمایش استان بر اساس شرح خدمات اصلاح شده و مصوب دفتر امور آمایش و برنامه ریزی منطقه‌ای معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور به تاریخ مرداد ۱۳۹۰ قرار دارد. این گزارش شامل به هنگام سازی و تصحیح و اضافات بر مطالعاتی است که در پیش توسط شرکت مشاور هامون یک و با استفاده از داده‌های موجود و بعضا استخراجی تهیه شده بوده است. مطالعات آمایش استان گلستان در سه فاز ۱) ارزیابی توان اکولوژیک، ۲) ارزیابی وضعیت اقتصادی و اجتماعی و ۳) سنتز مطالعات پیش‌بینی شده است و همکاران دانشگاهی و دانشجویان دکتری محیط زیست و سایر رشته‌ها و دانشجویان کارشناسی‌ارشد زیادی مجری را در اجرای این مهم یاری داده‌اند که در ادامه نام آن‌ها آورده می‌شود. بر خود لازم می‌دانم از استاندار محترم و معاونت‌های وقت استانداری آقایان غلامی و مرگدری که در مراحل آغازین اجرای طرح با حمایت‌های خویش موجبات پیشبرد اجرای طرح مطالعات سند آمایش استان را فراهم نمودند قدردانی نمایم. همچنین از رهنمودها و همکاری صمیمانه جناب آقای پیش قدم رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان و مدیران و

کارشناسان معاونت هماهنگی برنامه و بودجه به‌ویژه آقایان قدرت اله عابدی، محمد دودانگی، محمدرضا ناهیدی، تاج محمدحسن قاسمی، علی حاتمی و خانم‌ها فاطمه زهدقدس، ثمانه سادات ضیاحسینی و زهرا شرف پور تقدیر و تشکر می‌نمایم.

در پایان از ریاست محترم وقت دانشگاه جناب آقای دکتر رحمانی و ریاست محترم کنونی دانشگاه جناب آقای دکتر نجفی‌نژاد، معاونت پژوهشی دانشگاه جناب آقای دکتر خزاعیان و کارشناسان معاونت پژوهشی و معاونت مالی دانشگاه کمال تشکر و سپاسگزاری را می‌نمایم.

امید است با اجرای نتایج این طرح موجبات شکوفایی بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان در افق طرح گردد.

دکتر عبدالرسول سلمان ماهینی
مجری طرح آمایش استان گلستان

همکاران طرح در فاز دوم آمایش استان گلستان

ردیف	نام و نام خانوادگی	مسولیت
۱	دکتر حسن دلیری	ارزیابی اقتصادی
۲	دکتر امیر سعدالدین	نظرات مشورتی در خصوص ارزیابی اقتصادی و اجتماعی
۳	دکتر رامتین جولایی	ارزیابی اقتصادی
۴	دکتر محمدرضا محبوبی	ارزیابی اجتماعی
۵	دکتر غلامرضا خوشفر	ارزیابی اجتماعی
۶	دکتر حسینعلی سرگزی	ارزیابی اجتماعی
۷	مهندس علی اکبر محمدرضایی	ارزیابی اجتماعی
۸	دکتر بابک نعیمی	مدل سازی
۹	دکتر حسین بارانی	ارزیابی اجتماعی و اقتصادی
۱۰	دکتر سیدحامد میرکریمی	نظرات مشورتی در مورد ارزیابی اقتصادی و اجتماعی
۱۱	دکتر مجید اونق	نظرات مشورتی درمورد ارزیابی اقتصادی و اجتماعی
۱۲	دکتر عبدالرسول سلمان ماهینی	مجری طرح
۱۳	مهندس حمیدرضا کامیاب	مدل سازی و پایگاه داده
۱۴	مهندس آزاده مهری	داده، مدل سازی و نقشه سازی پایگاه
۱۵	مهندس زهرا اسداللهی	تحلیل‌های کامپیوتری- به روز رسانی

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

۱-۲-۲: تحلیل نظام شهری استان ۱

۱-۲-۲-۱: تحلیل روند شهرنشینی استان و جایگاه آن در کشور ۱

۱-۲-۲-۲: رتبه‌بندی شهرها براساس سلسله مراتب خدمات‌رسانی ۸

۱-۲-۲-۳: تحلیل عوامل موثر بر شکل‌گیری نظام شهری ۱۹

۱-۲-۲-۳-۱: عوامل جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹

۱-۲-۲-۳-۲: ساختار قومی، فرهنگی و سیاسی ۲۰

۱-۲-۲-۳-۳: تأثیر مرکز استان بر مناطق پیرامونی ۲۲

۱-۲-۳: تحلیل نظام روستانشینی و عشایری استان ۲۴

۱-۲-۳-۱: تحلیل روند روستانشینی استان و جایگاه آن در کشور ۲۴

۱-۲-۳-۲: تحلیل تحولات نظام اجتماعی و ساختار قومی، طایفه‌ای جامعه روستایی و عشایری ۳۰

۱-۲-۳-۳: تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای روستایی و عشایری توسعه یافته ۳۹

۱-۲-۳-۳-۱ : عوامل مؤثر در نظام استقرار ۳۹

۱-۲-۳-۴: تحلیل مناطق کارکردی روستایی ۴۳

۱-۲-۳-۴-۱: فضاهای روستایی حاشیه شهرها (حوزه نفوذ شهری) ۴۴

۱-۲-۳-۴-۲: فضاهای روستایی متراکم (دشت‌ها و دره‌های آباد) ۴۶

۱-۲-۳-۴-۳: فضاهای روستایی پراکنده و کم‌تراکم ۴۹

۱-۲-۳-۴-۴: فضاهای روستایی مستعد برای توسعه یکپارچه ۵۲

۱-۲-۳-۵: تحلیل زیست‌بوم‌ها و مناطق اسکان و قلمروهای کوچ عشایر ۵۲

فهرست شکل‌ها

عنوان **صفحه**

شکل ۱. سهم جمعیت شهری در هر یک از شهرستان‌های استان گلستان ۱۳۹۰ (درصد)..... ۴

شکل ۲. نقشه رتبه‌بندی شهرها در سال ۱۳۹۰..... ۱۰

شکل۳. تعیین نقش شهرستان آزادشهر براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۲

شکل ۴. تعیین نقش شهرستان اق قلا براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۲

شکل ۵. تعیین نقش شهرستان بندرگز براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۳

شکل ۶. تعیین نقش شهرستان ترکمن براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۳

شکل ۷. تعیین نقش شهرستان رامیان براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۴

شکل ۸. تعیین نقش شهرستان علی آباد براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۴

شکل ۹. تعیین نقش شهرستان کردکوی براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۵

شکل ۱۰. تعیین نقش شهرستان کلاله براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۵

شکل ۱۱. تعیین نقش شهرستان گرگان براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۶

شکل۱۲. تعیین نقش شهرستان گنبدکاووسکاووس براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۶

شکل ۱۳. تعیین نقش شهرستان مینودشت براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۷

شکل ۱۴. تعیین نقش شهرستان مراوه تپه براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۷

شکل ۱۵. تعیین نقش شهرستان گمیشان براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۸

شکل ۱۶. تعیین نقش شهرستان گالیکش براساس مثلث بوژوگارنیه ۱۸

شکل ۱۷. تعداد آبادی‌های واقع در هر یک از شهرستان‌های استان گلستان در سال ۱۳۹۰..... ۲۷

شکل ۱۸. روند تحولات روستانشینی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۳۵..... ۲۹

شکل ۱۹. نظام استقرار شهری و روستایی استان گلستان..... ۴۲

شکل ۲۰. استقرار فضاهای روستایی در حاشیه شهرها..... ۴۵

شکل ۲۱. فضاهای روستایی با تراکم زیاد و خیلی زیاد..... ۴۸

شکل ۲۲. فضاهای روستایی پراکنده و کم‌تراکم..... ۵۱

فهرست جدول‌ها

عنوان **صفحه**

جدول ۱. تراکم جمعیت شهرهای استان گلستان براساس سرشماری سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۵۵ ..... ۱

جدول ۲. سهم جمعیت شهرهای استان گلستان در سال ۱۳۹۰ ..... ۲

جدول ۳. ضریب شهرنشینی استان گلستان در مقایسه با کل کشور (درصد) ۳

جدول ۴. تحول جمعیت شهرهای استان گلستان، طی سالهای۷۵-۱۳۵۵ ..... ۴

جدول ۵. روند تحولات جمعیت شهری استان گلستان طی دهساله ۸۵-۱۳۷۵ ..... ۵

جدول ۶. جمعیت شهری در شهرستان‌های استان گلستان به تفکیک جنس سال ۱۳۹۰ ..... ۵

جدول ۷. مقدار و نرخ رشد جمعیت شهری استان گلستان برحسب گروه‌های سنی (۹۰-۱۳۶۵) ۶

جدول ۸. روند تغییرات شاخص شتاب گسترش شهرنشینی به تفکیک شهرستان ۷

جدول ۹. آبادی‌های مستعد شهر شدن ۸

جدول ۱۰. شهرهای استان گلستان برحسب جمعیت، سهم و سطح خدمات ارائه شده در سال ۱۳۹۰ ..... ۹

جدول ۱۱. نقش و کارکرد شهرستان‌های استان گلستان در سال ۱۳۹۰ طبق مدل بوژوگارنیه ۱۱

جدول ۱۲. فاصله نقطه جدایی شهر گرگان با سایر شهرهای استان ۲۳

جدول ۱۳. آبادی‌های دارای سکنه استان در مقاطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰ به تفکیک شهرستان ۲۸

جدول ۱۴. طبقه‌بندی جمعیتی آبادی‌های دارای سکنه ۲۹

جدول ۱۵. مقایسه نرخ رشدهای جمعیت شهری و روستایی استان با کل کشور ۳۰

جدول ۱۶. تحول جمعیت و الگوی زیست اجتماعی در استان گلستان ۳۰

جدول ۱۷. فضاهای روستایی متراکم (تراکم‌های خیلی‌زیاد و زیاد) ۴۷

جدول ۱۸. فضاهای روستایی پراکنده و کم‌تراکم ۵۰

جدول ۱۹. مشخصات زیست‌بوم‌های عشایری استان گلستان در سال ۱۳۸۲ ..... ۵۳

جدول ۲۰. مقایسه سهم جمعیت و خانوارهای عشایری استان گلستان با کل کشور ۵۴

مقدمه: این گزارش دربرگیرنده بندهای ۱-۲-۲ و ۱-۲-۳ و زیر بندهای آن است.

۱-۲-۲: تحلیل نظام شهری استان

۱-۲-۲-۱: تحلیل روند شهرنشینی استان و جایگاه آن در کشور

استان گلستان طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۱۴ شهرستان، ۲۷ شهر، ۲۵ بخش و ۶۰ دهستان می‌باشد. جمعیت استان طبق این سرشماری ۱۷۷۷۰۱۴ نفر می‌باشد که از این تعداد ۵۱ درصد در شهرها و ۴۹ درصد ساکن در مناطق روستایی هستند. تراکم نسبی استان به طور میانگین معادل ۴۳ نفر در هکتار است. در حالی که تراکم نسبی جمعیت کشور ۴۳/۲ نفر در کیلومترمربع می‌باشد. استان گلستان از نظر میزان تراکم نسبی جمعیت حائز رتبه ۶ کشوری می‌باشد (جدول ۱).

جدول ۱. تراکم جمعیت شهرهای استان گلستان براساس سرشماری سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۵۵

شهر	جمعیت						تراکم جمعیت آبان ۱۳۹۰ (نفر در هکتار)
	آبان ۱۳۵۵	مهر ۱۳۶۵	مهر ۱۳۷۰	آبان ۱۳۷۵	آبان ۱۳۸۵	آبان ۱۳۹۰	
کل استان	۲۷۰۵۷۱	۴۳۵۰۰۳	۵۲۴۸۶۱	۶۳۸۴۵۲	۷۹۵۱۲۶	۹۰۶۱۸۲	۴۳
آزادشهر	۸۷۶۱	۲۱۵۰۹	۲۷۰۱۱	۳۳۰۸۲	۳۸۵۸۲	۳۹۴۸۴	۵۰/۸۹
آق‌قلا	۶۹۶۰	۱۵۰۰۶	۲۰۰۴۷	۲۲۲۰۰	۲۷۶۱۶	۳۱۶۲۶	۲۳/۰۸
انبارالوم	...	...	...	۵۷۸۲	۵۸۷۴	۶۵۴۰	۱۴/۲۸
اینچه‌برون	...	...	...	۱۵۲۲	۱۹۴۱	۲۲۸۱	۲۰/۴۰
بندرترکمن	۱۷۳۳۹	۲۸۳۵۸	۳۴۶۳۵	۳۸۷۸۲	۴۵۲۴۹	۴۸۷۳۶	۳۷/۴۷
بندرگز	۷۳۴۶	۱۱۳۳۵	۱۴۱۰۰	۱۵۷۲۷	۱۷۹۵۹	۱۸۷۳۴	۲۱/۳۷
جلین	...	...	...	...	۷۰۷۱	۷۷۵۳	۲۹/۰۳
خان‌ببین	۶۳۵۲	۷۰۶۳	۸۶۶۰	۹۶۶۲	۱۰۵۸۳	۱۱۰۰۷	۳۷/۴۴
دلند	۴۱۹۳	۵۹۷۴	۱۱۸۳۱	۶۷۴۶	۷۷۵۲	۷۹۹۲	۳۱/۱۳
رامیان	۵۷۱۹	۷۵۳۸	۹۰۴۱	۱۱۰۰۱	۱۲۰۰۸	۱۲۲۶۳	۲۴/۰۲
سرخنکلاته	...	...	...	۶۳۰۴	۶۵۱۱	۶۶۸۸	۲۰/۵۷
سیمین‌شهر	...	...	...	۱۲۵۶۶	۱۳۶۸۰	۱۵۵۳۹	۱۴/۸۰
علی‌آباد	۱۷۹۱۸	۳۱۱۷۳	۳۶۹۵۰	۴۱۳۹۷	۴۶۸۲۲	۴۹۸۰۴	۴۱/۵۲
فاضل‌آباد	...	...	...	۱۰۳۵۷	۱۳۰۶۰	۱۴۵۴۸	۲۳/۱۰
کردکوی	۱۴۷۴۵	۲۱۰۱۴	۲۴۳۳۸	۲۶۴۹۲	۲۹۳۵۲	۳۸۲۴۶	۳۴/۷۷
کلاله	۶۵۵۹	۱۵۵۱۱	۱۹۳۱۵	۲۳۵۸۶	۲۸۰۳۵	۲۷۹۵۱	۴۴/۸۴
گالیکش	۵۱۵۰	۱۱۵۴۵	۱۴۱۹۹	۱۶۸۲۲	۲۰۰۵۸	۲۰۸۳۱	۵۰/۰۷
گرگان	۸۸۰۳۳	۱۳۹۴۳۰	۱۶۲۴۶۸	۱۸۸۷۱۰	۲۷۴۴۳۸	۳۲۹۵۳۶	۹۴/۱۵
گمیش‌تپه	۷۹۷۵	۱۱۷۰۴	۱۳۳۳۰	۱۴۱۷۵	۱۵۹۵۲	۱۷۶۴۸	۲۵/۷۱
گنبدکاووس	۶۰۷۲۱	۸۷۱۰۰	۱۰۲۷۶۸	۱۱۱۲۵۳	۱۲۹۱۶۷	۱۴۴۵۴۶	۵۰/۲۵
مراوه‌تپه	...	...	...	۴۳۲۱	۶۷۳۷	۷۹۰۶	۱۷/۸۴
مینودشت	۵۸۱۸	۱۳۹۰۷	۱۸۳۳۰	۲۱۰۱۱	۲۶۴۰۹	۲۸۴۷۸	۴۹/۷۶
نگین‌شهر	...	...	...	۶۵۳۳	۷۶۳۹	۷۸۵۸	۳۳/۳۹
نوده‌خاندوز	...	...	...	۲۰۸۲	۲۰۹۵	۳۰۳۲	۳۰/۳۲
نوکنده	۶۹۸۲	۶۸۳۶	۷۸۳۸	۸۳۳۹	۷۶۰۷	۷۱۵۵	۱۱/۱۸

ماخذ: مرکز آمار ایران

سهم جمعیت شهرهای استان در سال ۱۳۹۰ در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول۲. سهم جمعیت شهرهای استان گلستان در سال ۱۳۹۰

شـــــهر	جمعیت	نسبت
گرگان	۳۲۹۵۳۶	۳۶/۳۶
گنبدکاووس	۱۴۴۵۴۶	۱۵/۹۵
علی‌آباد	۴۹۸۰۴	۵/۴۹
بندرترکمن	۴۸۷۳۶	۵/۳۷
آزادشهر	۳۹۴۸۴	۴/۳۵
کردکوی	۳۸۲۴۶	۴/۲۲
آق‌قلا	۳۱۶۲۶	۳/۴۹
مینودشت	۲۸۴۷۸	۳/۱۴
کلاله	۲۷۹۵۱	۳/۰۸
گالیکش	۲۰۸۳۱	۲/۲۹
بندرگز	۱۸۷۳۴	۲/۰۶
گمیش‌تپه	۱۷۶۴۸	۱/۹۴
سیمین‌شهر	۱۵۵۳۹	۱/۷۱
فاضل‌آباد	۱۴۵۴۸	۱/۶۰
رامیان	۱۲۲۶۳	۱/۳۵
خان‌ببین	۱۱۰۰۷	۱/۲۱
دلند	۷۹۹۲	۰/۸۸
مراوه-تپه	۷۹۰۶	۰/۸۷
نگین شهر	۷۸۵۸	۰/۸۶
جلین	۷۷۵۳	۰/۸۵
نوکنده	۷۱۵۵	۰/۷۸
سرخنکلاته	۶۶۸۸	۰/۷۳
انبارالوم	۶۵۴۰	۰/۷۲
نوده خاندوز	۳۰۳۲	۰/۳۳
اینچه‌برون	۲۲۸۱	۰/۲۵

ماخذ: سالنامه آماری استان گلستان، محاسبات پژوهش

بیشترین جمعیت شهری متعلق به شهر گرگان می‌باشد که بیش از ۳۲۹ هزار نفر را در خود سکنی داده است. به این ترتیب این شهر به تنهایی ۳۶ درصد جمعیت شهری استان و ۱۸ درصد کل جمعیت استان را به خود اختصاص داده است. همچنین، بالاترین تراکم مربوط به شهر گرگان است که جمعیتی معادل ۹۴/۱۵ نفر در هکتار را در خود جای داده است. کمترین تراکم نیز متعلق به نوکنده است که تراکمی معادل ۱۱/۱۸ نفر در هکتار را داراست.

همچنین، بررسی ضریب شهرنشینی و نسبت شهرنشینی جمعیت استان و تحول آن در استان و شهرستان‌های استان و تحول آن در طول سه سرشماری ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بیانگر این است که ضریب شهرنشینی در استان همانند کشور در طی این سال‌ها افزایش یافته است. با این حال، در همه این سال‌ها، ضریب شهرنشینی استان کمتر از کشور است که در حکم یک فرصت برای استان عمل می‌کند، چراکه می‌توان به اتکای جمعیت روستایی بازهم بر شکوفاترشدن اقتصاد کشاورزی استان تکیه نمود (جدول ۳).

جدول ۳. ضریب شهرنشینی استان گلستان در مقایسه با کل کشور(درصد)

شهرنشینی	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
کشور	۵۴/۳	۶۱/۳	۶۸/۴۵	۷۱/۴
گلستان	۳۶/۸۷	۴۱/۳	۴۹/۱	۵۱

ماخذ: مرکز آمار ایران

چنانچه مشاهده می‌شود ضریب شهرنشینی استان گلستان کمتر از ضریب شهرنشینی کشور می‌باشد که علت اصلی آن ساختار روستایی استان و وجود عشایر و ایل ترکمن در سطح استان و شرایط طبیعی مناسب جهت فعالیت کشاورزی می‌باشد.

علاوه بر آن، مقایسه نسبت شهرنشینی شهرستان‌های استان نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ بالاترین این شاخص مربوط به شهرستان‌های گرگان (۷۴/۳۸ درصد) و بندرترکمن (۶۶/۹۴ درصد) بوده است و کم‌ترین آن متعلق به مراوه‌تپه (۱۴/۱۶) و کلاله (۲۵/۳۰) است که می‌توان بیانگر سیمای سکونتگاه‌های شهری دراستان و نمایان کننده تمرکز بیشتر شهرنشینی در غرب و جنوب غربی به شمال و شمال شرقی باشد. عوامل آب و خاک، اقلیم، دسترسی به شریان‌های اصلی، دسترسی به دریا و وجود زمینه‌های فعالیت‌های بیش‌تر دامداری در بخش شمالی و شرقی بر این فرآیند تاثیر می‌گذارند. شکل ۱ این موارد را نشان می‌دهد و جدول‌های ۴، ۵ و ۶ این موارد را به شکل مشروح بازگو می‌کند.

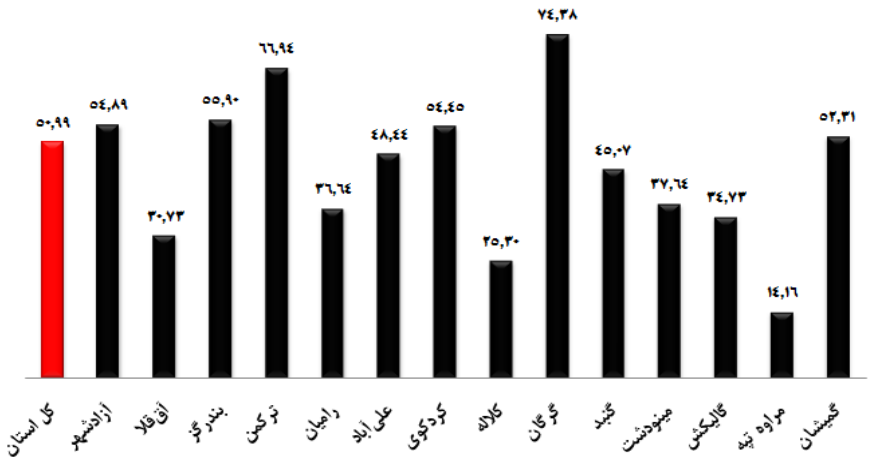

شکل ۱. سهم جمعیت شهری در هر یک از شهرستان‌های استان گلستان ۱۳۹۰ (درصد)

جدول ۴. تحول جمعیت شهرهای استان گلستان، طی سالهای۷۵-۱۳۵۵

شهر	آبان ۱۳۵۵		مهر ۱۳۶۵		آبان ۱۳۷۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آزادشهر	8761	3.24	21509	4.94	33082	5.62
آق قلا	6960	2.57	15006	3.45	22200	3.77
ترکمن	17339	6.41	28358	6.52	38782	6.58
بندرگز	7346	2.71	11335	2.61	15727	2.67
خان‌ببین	6352	2.35	7063	1.62	9662	1.64
دلند	4193	1.55	5974	1.37	6746	1.15
رامیان	5719	2.11	7538	1.73	11001	1.87
علی‌آباد	17918	6.62	31173	7.17	41397	7.03
کردکوی	14745	5.45	21014	4.83	26492	4.50
کلاله	6559	2.42	15511	3.57	23586	4.00
گالیکش	5150	1.90	11545	2.65	16822	2.86
گرگان	88033	32.54	139430	32.05	188710	32.04
گمیش‌تپه	7975	2.95	11704	2.69	14175	2.41
گنبدکاووس	60721	22.44	87100	20.02	111253	18.89
مینودشت	5818	2.15	13907	3.20	21011	3.57
نوکنده	6982	2.58	6836	1.57	8339	1.42
کل استان	270571	100.00	435003	100.00	588985	100.00

مأخذ: مرکز آمار ایران

جدول ۵. روند تحولات جمعیت شهری استان گلستان طی دهساله ۸۵-۱۳۷۵

شهرستان	سال ۱۳۷۵				سال ۱۳۸۵			
	کل جمعیت	جمعیت شهرنشین	نسبت شهرنشینی	نرخ رشد (درصد)	کل جمعیت	جمعیت شهرنشینی	نسبت شهرنشین	نرخ رشد (درصد)
بندر گز	۴۵۷۰۵	۲۴۰۶۶	۵۲/۶	۱/۲	۴۶۲۲۶	۲۵۵۶۶	۵۵/۲	۰/۱
ترکمن	۱۱۱۳۹۲	۵۲۹۵۷	۴۷/۵	۱/۸	۱۲۳۱۸۱	۷۴۸۸۱	۶۰/۷	۰/۰۱
علی‌آباد	۱۱۷۲۸۷	۵۱۳۹۷	۳۵/۳	۴/۵	۱۲۵۰۷۹	۵۹۸۸۲	۴۷/۸	۰/۶۴
کردکوی	۶۷۰۵۱	۲۶۴۹۲	۳۹/۵	-۴/۱۸	۶۷۸۲۳	۲۹۳۵۲	۴۲/۹	۰/۱
گرگان	۳۲۳۱۰۶	۱۸۸۷۱۰	۵۰	-۰/۶	۴۰۱۳۹۹	۲۸۰۹۴۹	۷۰	۲/۱
گنبدکاووس	۲۵۰۶۱۷	۱۱۱۲۵۳	۴۴/۴	-۷/۲	۲۸۹۶۴۷	۱۳۱۱۰۸	۴۵/۵	۱/۴۵
مینودشت	۱۲۴۰۱۶	۳۷۸۳۳	۳۰/۵	۲/۷	۱۲۸۷۳۹	۴۶۴۶۷	۳۶/۳	۰/۳۷
آق‌قلا	۹۸۶۶۴	۲۲۲۰۰	۲۲/۵	۴/۰۳	۱۰۹۹۰۳	۳۳۴۹۰	۲۹/۴	۱/۰۸
کلاله	۱۲۷۵۴۵	۲۳۵۸۶	۱۸/۵	۴/۴۱	۱۵۳۲۶۱	۳۴۷۷۲	۲۲/۷	۱/۸۵
آزادشهر	۸۴۹۵۶	۳۳۰۸۲	۳۸/۹	۴/۴۰	۸۹۴۷۷	۴۸۳۱۶	۵۴/۳	۰/۵۱
رامیان	۷۶۰۴۹	۲۷۴۰۹	۳۶/۱	۲/۹۵	۸۲۳۵۲	۳۰۳۴۳	۳۶/۵	۰/۷۹
کل استان	**۱۴۲۶۲۸۸**	**۶۱۷۳۷۱**	**۴۱/۳**	**۱/۰۸**	**۱۶۱۷۰۸۷**	**۷۹۵۱۲۶**	**۴۹/۱**	**۱/۲۶**

ماخذ: مرکز آمار ایران

جدول ۶. جمعیت شهری در شهرستان‌های استان گلستان به تفکیک جنس در سال ۱۳۹۰

شهرستان	ساکن در نقاط شهری	
	مرد	زن
کل استان	۴۵۲۷۵۳	۴۵۳۴۲۹
آزادشهر	۲۵۰۳۰	۲۵۳۴۴
آق‌قلا	۱۹۰۲۴	۱۹۱۴۲
بندرگز	۱۲۹۴۳	۱۲۹۴۶
ترکمن	۲۴۴۷۰	۲۴۲۶۶
رامیان	۱۵۵۵۷	۱۵۷۰۵
علی‌آباد	۳۲۰۷۵	۳۲۲۲۷
کردکوی	۱۹۲۹۶	۱۸۹۵۰
کلاله	۱۳۸۶۵	۱۴۰۸۶
گالیکش	۱۰۳۸۱	۱۰۴۵۰
گرگان	۱۷۲۲۱۷	۱۷۱۷۶۰
گمیشان	۱۶۶۵۳	۱۶۵۳۴
گنبدکاووس	۷۲۹۷۶	۷۳۸۵۱
مراوه تپه	۳۹۳۵	۳۹۷۱
مینودشت	۱۴۳۳۱	۱۴۱۴۷

ماخذ: سالنامه آماری استان گلستان

براساس آمار به دست آمده در فاصله ۳ سرشماری ۸۵-۱۳۶۵ یعنی در فاصله ۲۰ سال رشد متوسط سالانه جمعیت شهرنشین نزدیک به ۶/۵ درصد بوده است. یکی از بارزترین نمونه‌های این افزایش جمعیت، توسعه فیزیکی و فضایی اکثر شهرها بخصوص شهرهای بزرگ است. در واقع، بازتاب فضایی رشد شتابان شهرنشینی به صورت افزایش تعداد نقاط شهری در یک دوره ۴۰ ساله به ۱/۵ برابر آن و افزایش تعداد جمعیت در این فاصله زمانی به ۳/۰۴ برابر ظاهر شده است (۱۵ شهر در سال ۱۳۵۵ و ۲۴ شهر در سال ۱۳۸۵). نرخ رشد جمعیت شهری کشور در فاصله ۳ سرشماری گذشته معادل ۶/۰۴ درصد است در حالی که شهرهای استان گلستان با نرخ رشدی برابر ۶/۵۳ درصد مواجه بوده است. در طی این دو دهه نرخ رشد رده‌های مختلف سنی نیز به شرح جدول ۷ بوده است:

جدول ۷. مقدار و نرخ رشد جمعیت شهری استان گلستان برحسب گروه‌های سنی (۹۰-۱۳۶۵)

رده سنی / نرخ رشد		جمعیت شهری				نرخ رشد ۷۵-۱۳۶۵	نرخ رشد ۸۵-۱۳۷۵	نرخ رشد ۹۰-۱۳۸۵
		۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰			
۱۴- ۰ساله	۱۹۲۷۹۱	۱۹۲۷۹۱	۲۳۶۶۷۴	۲۰۰۸۴۳	۲۱۲۶۳۱	۲/۰۷	-۱/۶	۱/۱
۶۴-۱۵ساله	۲۱۸۵۲۵	۲۱۸۵۲۵	۳۳۲۷۳۴	۵۶۲۵۵۷	۶۵۱۴۰۴	۴/۲	۵/۳	۲/۹
۶۵+ ساله	۱۰۸۷۷	۱۰۸۷۷	۱۹۵۷۷	۳۱۷۲۶	۴۰۱۸۳	۶/۰۵	۵/۱	۴/۸
کل	۴۲۲۱۹۳	۴۲۲۱۹۳	۵۸۸۹۸۵	۷۹۵۱۲۶	۹۰۴۲۱۸	۳/۳۸	۳/۰۴	۲/۶

ماخذ: مرکز آمار ایران

ارقام فوق حاکی از پایین بودن نرخ رشد جمعیت در رده سنی ۱۴-۰ سال در دهه ۸۵-۱۳۷۵ می‌باشد، در حالی که در دیگر رده‌های سنی همواره میزان نرخ رشد استان مثبت بوده است.

روند تغییرات شهرنشینی را می‌توان در دو بعد حجم و سطح در ادوار مختلف مورد بررسی قرار داد: حجم شهرنشینی که دربرگیرنده تراکم‌های جمعیتی می‌باشد که در جداول فوق مورد مطالعه قرار گرفت، ولی سطح شهرنشینی را می‌توان از طریق تعداد شهرهای سطح استان و میزان توسعه فیزیکی شهرها بررسی کرد.

همچنین، برای مقایسه روند تغییرات شهرنشینی می‌توان از شاخص شتاب گسترش شهرنشینی استفاده نمود که این شاخص بر اساس تغییرات درصد شهرنشینی در یک مقطع زمانی می‌باشد که در شهرستان‌های استان به شرح زیر (جدول ۸) محاسبه گردیده است.

جدول ۸. روند تغییرات شاخص شتاب گسترش شهرنشینی به تفکیک شهرستان

شهرستان	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۵۵-۶۵
بندرگز	۰/۵	۰/۷	-
ترکمن	۲/۵	۰/۷	-
علی‌آباد	۱/۹	۰/۴	-
کردکوی	۰/۵	۱/۱	-
گرگان	۴	۰/۹۵	۰/۹
گنبدکاووس	۰/۶	۱/۵۵	۰/۵۶
مینودشت	۱/۵	۰/۴	-
آق‌قلا	-	-	-
کلاله	-	-	-
آزادشهر	-	-	-
رامیان	-	-	-
کل استان	**۱/۰۳**	-	-

ماخذ: مرکز آمار ایران، محاسبات پژوهش

با توجه به جدول فوق عمده‌ترین گرایش در توسعه نظام شهری استان رشد قابل ملاحظهٔ شهرنشینی شهرستان‌های گرگان و بندرترکمن در کنار رشد متوسط شهرنشینی شهرستان‌های علی‌آباد و مینودشت و رشد ضعیف شهرستان‌های بندرگز، کردکوی و گنبد می‌باشد.

با توجه به مطالعات انجام شده و در نظر گرفتن عدم تعادل‌های فضائی عمدتاً میان شمال شرقی و جنوب غربی استان و همچنین به منظور ایجاد تعادل میان سکونتگاه‌های و افزون بر آن با لحاظ کردن عامل جمعیت و پیش‌بینی رشد آتی سکونتگاههای روستایی که به عنوان مرکز مجموعه و مراکز حوزه‌های روستایی شناخته شده‌اند و به دلیل حفظ و گسترش ارتباطات و دسترسی‌ها و نقش آبادی‌ها در این شبکه‌های جاده‌ای و کردیورهای استانی و ملی، به نظر می‌رسد امکان ایجاد شهرهای جدید در نقاطی به شرح جدول ۹ وجود داشته باشد. این امکان در برنامه‌ریزی ساختاری مطالعات آمایش مورد توجه قرار گرفته است.

جدول ۹. آبادی‌های مستعد شهر شدن

نام آبادی	شهرستان	وضعیت
آبادی خواجه نفس	شهرستان ترکمن	مرکز مجموعه روستائی
آبادی داشلی برون	شهرستان گنبد کاوس	مرکز حوزهٔ روستائی
آبادی سیجوال	شهرستان ترکمن	مرکز حوزهٔ روستائی
آبادی کرند	شهرستان گنبدکاووس	مرکز حوزهٔ روستائی
آبادی گلی‌داغ	شهرستان مراوه‌تپه	مرکز حوزهٔ روستائی
آبادی دارکلاته و آبادی رضاآبادمجموعاً	شهرستان رامیان	مرکز حوزهٔ روستائی
آبادی تاتار علیا	شهرستان رامیان	مرکز حوزهٔ روستائی

ماخذ: سالنامه آماری استان گلستان، محاسبات پژوهش

۱-۲-۲-۲: رتبه‌بندی شهرها براساس سلسله مراتب خدمات‌رسانی

در رتبه‌بندی شهرها براساس سلسله مراتب خدمات‌رسانی آنان، بایستی به سطح خدمات ارائه شده هر شهر توجه نمود. علاوه بر این، افزایش پیوندهای فیزیکی، اقتصادی، فناوری، رفاهی و سایر موارد بین نقاط و سکونتگاه‌های شهری و سرویس‌دهی شهرها به نقاط روستایی از اهمیت بالائی برخوردار است.

سکونتگاه‌های شهری به جهت عملکرد و سطح خدمات ارائه شده از تنوع گسترده‌ای برخوردارند و به همین جهت طبقه‌بندی این فضاها برای شناخت و درک ویژگی‌های آنها ضروری است.

شهرهای استان گلستان را می‌توان در رده‌های، میانی بزرگ، میانی متوسط، میانی کوچک و کوچک، روستاشهر طبقه‌بندی نمود در این طبقه‌بندی، جمعیت هر شهر (طبق سرشماری ۱۳۹۰) و سطوح خدمات ارائه شده توسط هر شهر لحاظ گردیده است (جدول ۱۰).

ویژگی‌های رتبه‌بندی شهرهای استان به شرح زیر است:

- ✓ رتبه‌بندی جمعیتی و سطح خدمات شهری استان گلستان در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که شهر گرگان به عنوان یک شهر بزرگ میانی دارای عملکرد و سطح خدماتی در سطح منطقه و گاه فرامنطقه‌ای می‌باشد. پس از آن شهر گنبدکاووس با یک درجه تنزل به عنوان شهر میانی متوسط دارای سطح خدمات ناحیه‌ای درجه ۱ بوده و پس از آن شهرهای علی‌آباد، بندر ترکمن، آزادشهر، کردکوی، مینودشت، کلاله، گالیکش و آق‌قلا با سطح خدمات ناحیه‌ای درجه ۲ به عنوان شهرهای میانی کوچک و شهرهای بندر گز، گمیش تپه، سیمین شهر، فاضل‌آباد، خان‌ببین و رامیان به عنوان شهرهای کوچک با سطح خدمات محلی و در رده پایانی شهرهای نوکنده، سرخنکلاته، نوده خاندوز، اینچه‌برون، انبارآلوم، مراوه تپه، نگین‌شهر، جلین و دلند به عنوان روستا شهر با سطح خدمات روستایی قرار گرفته‌اند.
- ✓ شکاف در سطوح شهری استان در طبقه جمعیتی ۱۰۰-۵۰ هزار نفر کاملاً محسوس است.

این اطلاعات در شکل ۲ نشان داده شده است.

جدول ۱۰. شهرهای استان گلستان برحسب جمعیت، سهم و سطح خدمات ارائه شده در سال ۱۳۹۰

نوع شهر	تعداد شهر	شهر	جمعیت	نسبت	سطح خدمات
میانی بزرگ	۱	گرگان	۳۲۹۵۳۶	۳۶/۳۶	فرامنطقه‌ای - منطقه‌ای
میانی متوسط	۱	گنبدکاووس	۱۴۴۵۴۶	۱۵/۹۵	ناحیه‌ای درجه ۱
میانی کوچک	۸	علی‌آباد	۴۹۸۰۴	۵/۴۹	ناحیه‌ای درجه ۲
		بندرترکمن	۴۸۷۳۶	۵/۳۷	ناحیه‌ای درجه ۲
		آزادشهر	۳۹۴۸۴	۴/۳۵	ناحیه‌ای درجه ۲
		کردکوی	۳۸۲۴۶	۴/۲۲	ناحیه‌ای درجه ۲
		آق‌قلا	۳۱۶۲۶	۳/۴۹	ناحیه‌ای درجه ۲
		مینودشت	۲۸۴۷۸	۳/۱۴	ناحیه‌ای درجه ۲
		کلاله	۲۷۹۵۱	۳/۰۸	ناحیه‌ای درجه ۲
		گالیکش	۲۰۸۳۱	۲/۲۹	ناحیه‌ای درجه ۲
کوچک	۶	بندرگز	۱۸۷۳۴	۲/۰۶	محلی
		گمیش‌تپه	۱۷۶۴۸	۱/۹۴	محلی
		سیمین‌شهر	۱۵۵۳۹	۱/۷۱	محلی
		فاضل‌آباد	۱۴۵۴۸	۱/۶۰	محلی
		رامیان	۱۲۲۶۳	۱/۳۵	محلی
		خان‌ببین	۱۱۰۰۷	۱/۲۱	محلی
روستا - شهر	۹	دلند	۷۹۹۲	۰/۸۸	روستایی
		مراوه-تپه	۷۹۰۶	۰/۸۷	روستایی
		نگین شهر	۷۸۵۸	۰/۸۶	روستایی
		جلین	۷۷۵۳	۰/۸۵	روستایی
		نوکنده	۷۱۵۵	۰/۷۸	روستایی
		سرخنکلاته	۶۶۸۸	۰/۷۳	روستایی
		انبارالوم	۶۵۴۰	۰/۷۲	روستایی
		نوده خاندوز	۳۰۳۲	۰/۳۳	روستایی
		اینچه‌برون	۲۲۸۱	۰/۲۵	روستایی

ماخذ: سالنامه آماری استان گلستان، محاسبات پژوهش

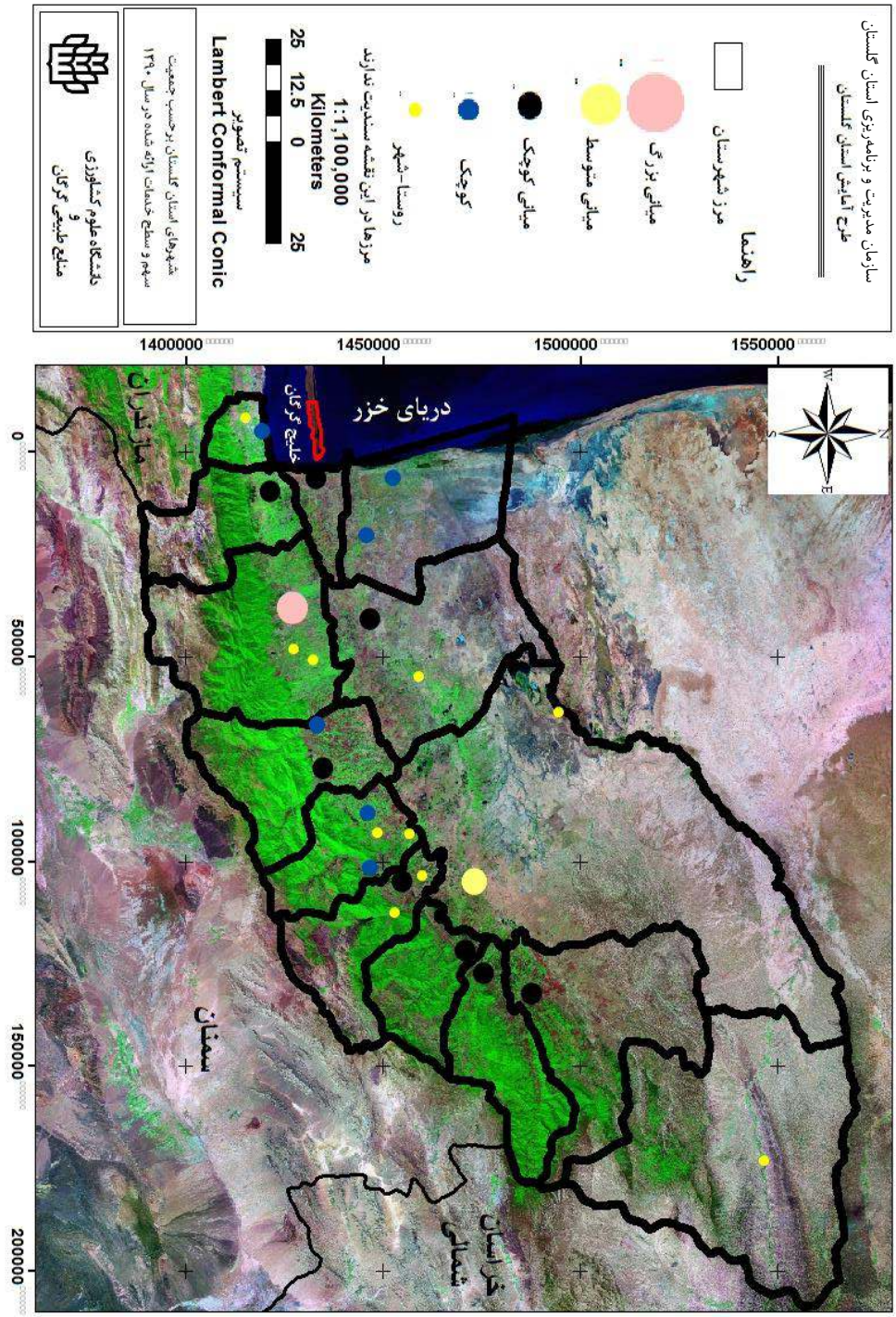

شکل ۲. نقشه رتبه‌بندی شهرها

عملکرد کلان هر شهرستان تابعی از اشتغال و روند فعالیتها و تنوع شغلی آنست. بر این اساس و با توجه به تقسیمات کشوری به منظور تعیین کارکرد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تعیین شهرهای چندکارکردی عملکرد و نقش نقاط سکونتگاهی در مقیاس شهرستانی با دیدگاه آمایشی هماهنگ تر

است. در ادامه با استفاده از آمار اشتغال در سال ۱۳۹۰ و با به‌کارگیری روش بوژوگارنیه نقش هر یک از شهرستانهای استان گلستان در نمودار مربوطه رسم گردیده است. در این روش مشاغل شهری در سه گروه اول، دوم و سوم مشاغل اجتماعی تعریف می‌شوند که دسته اول، بخش کشاورزی، جنگلداری، صیدماهی و استخراج معادن، گروه دوم، صنایع و ساختمان، و گروه سوم، کلیه مشاغلی را که نمی‌توانند در گروه اول و دوم بیابند، شامل می شود. نیروهای انسانی جذب شده در گروههای سه گانه، برحسب درصد، روی دیاگرامی که بر مبنای قرارداد بر شش بخش نامساوی و نامشابه تقسیم شده‌اند، منعکس می شوند. نقطه تلاقی خطوط درصدها، که مسلماً در محدوده یکی از وظایف شش‌گانه روستا شهری (کشاورزی)، چند نقشی، بازرگانی، خدماتی، صنعتی و صنعتی شدید خواهد بود، بیانگر نقش آن شهر می باشد. براساس نتایج حاصل از ترسیم مثلث بوژوگارنیه همانطور که مشاهده می‌شود به جز شهرستانهای گرگان که دارای نقش بازرگانی است کارکرد سایر شهرستان‌ها چند نقشی می‌باشد (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. نقش و کارکرد شهرستان‌های استان گلستان در سال ۱۳۹۰ طبق مدل بوژوگارنیه

شهرستان	خدمات	صنعت	کشاورزی	نقش
آزادشهر	40.7	29.5	29.8	چند نقشی
آق‌قلا	29.6	29.3	41.1	چند نقشی
بندرگز	39.5	25.2	35.2	چند نقشی
ترکمن	42.8	35.2	22.0	چند نقشی
رامیان	29.9	26.3	43.8	چند نقشی
علی‌آباد	41.0	26.3	32.7	چند نقشی
کردکوی	42.5	23.0	34.5	چند نقشی
کلاله	26.0	31.3	42.7	چند نقشی
گرگان	57.6	27.4	15.0	بازرگانی
گنبدکاووس	45.2	31.8	23.0	چند نقشی
مینودشت	32.9	30.4	36.7	چند نقشی
مراوه تپه	15.2	35.0	49.8	چند نقشی
گمیشان	30.3	31.8	37.9	چند نقشی
گالیکش	33.0	28.2	38.8	چند نقشی
کل استان	42.1	29.5	28.4	-

نتایج حاصل از ترسیم مثلث‌های بوژوگارنیه برای هر یک از شهرستان‌های استان گلستان به صورت ذیل می‌باشد.

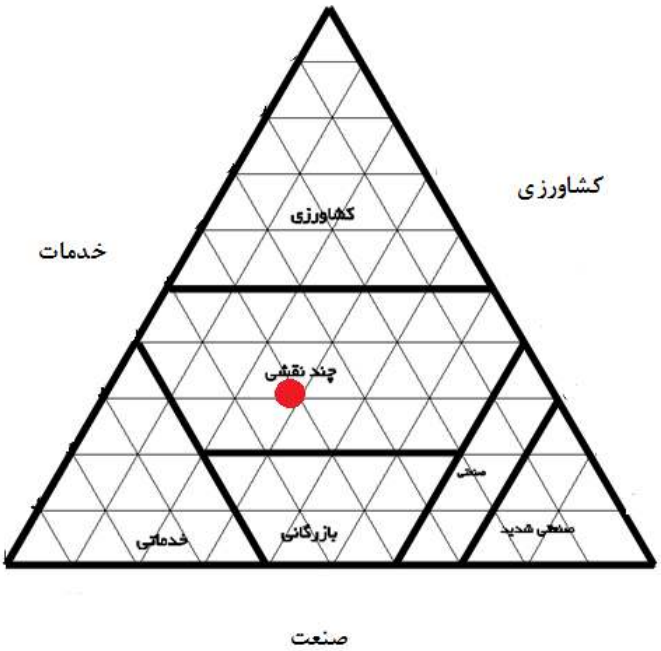

شکل۳. تعیین نقش شهرستان آزادشهر براساس مثلث بوژوگارنیه

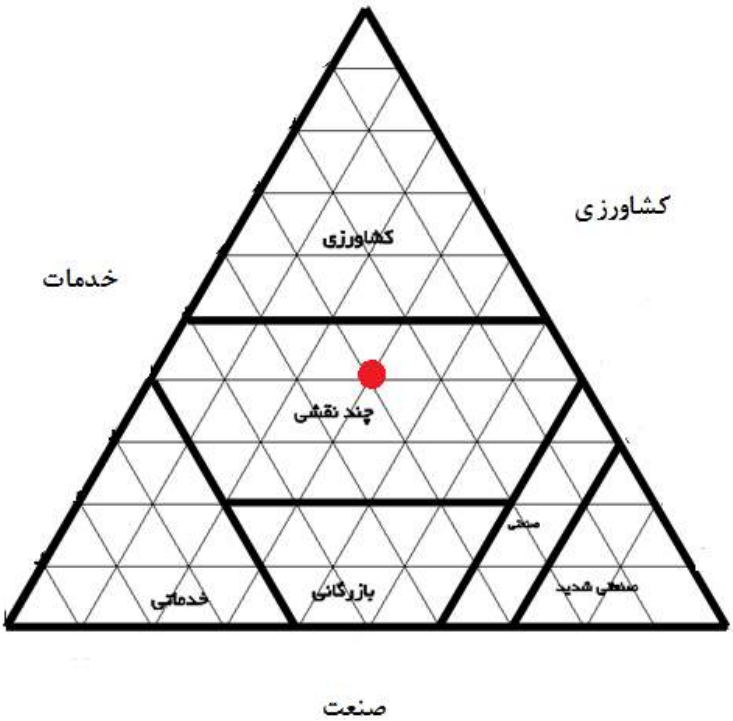

شکل ۴. تعیین نقش شهرستان اق قلا براساس مثلث بوژوگارنیه

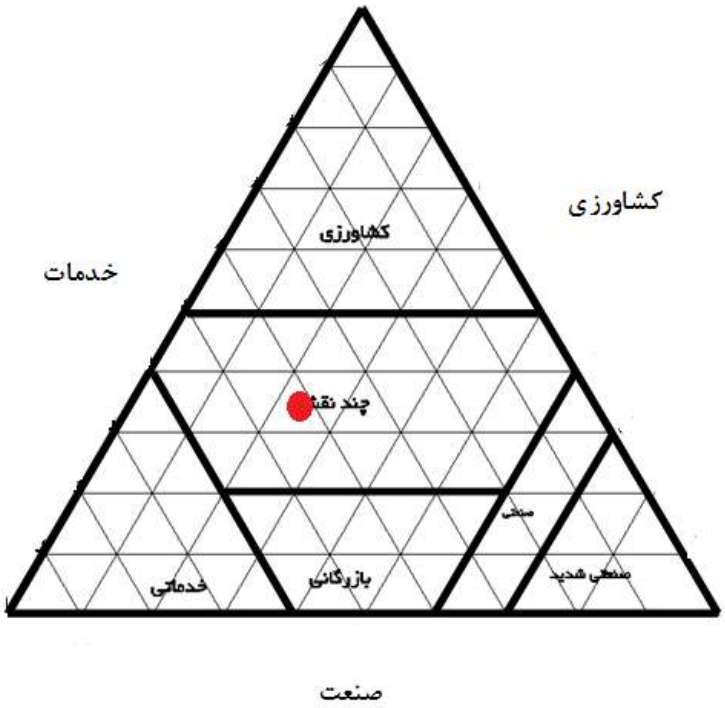

شکل ۵. تعیین نقش شهرستان بندرگز براساس مثلث بوژوگارنیه

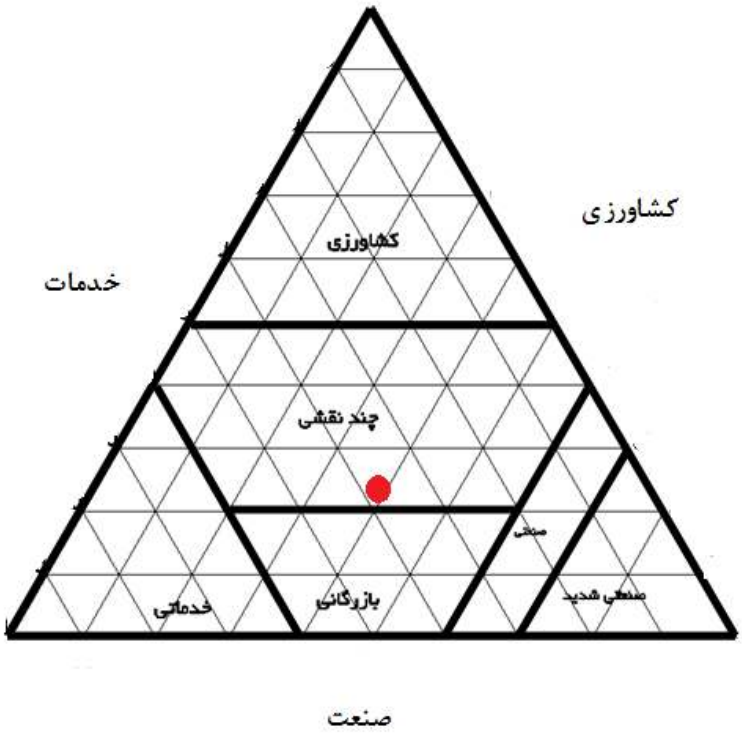

شکل ۶. تعیین نقش شهرستان ترکمن براساس مثلث بوژوگارنیه

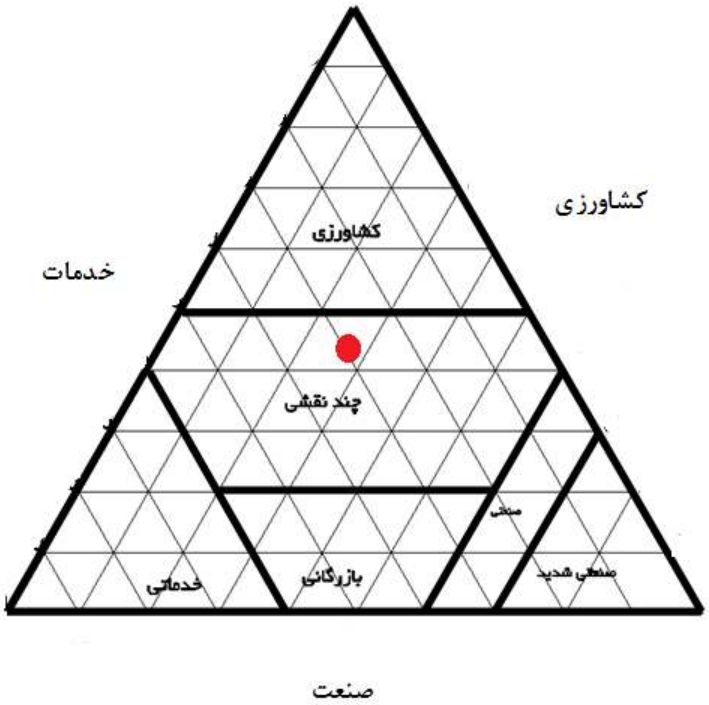

شکل ۷. تعیین نقش شهرستان رامیان براساس مثلث بوژوگارنیه

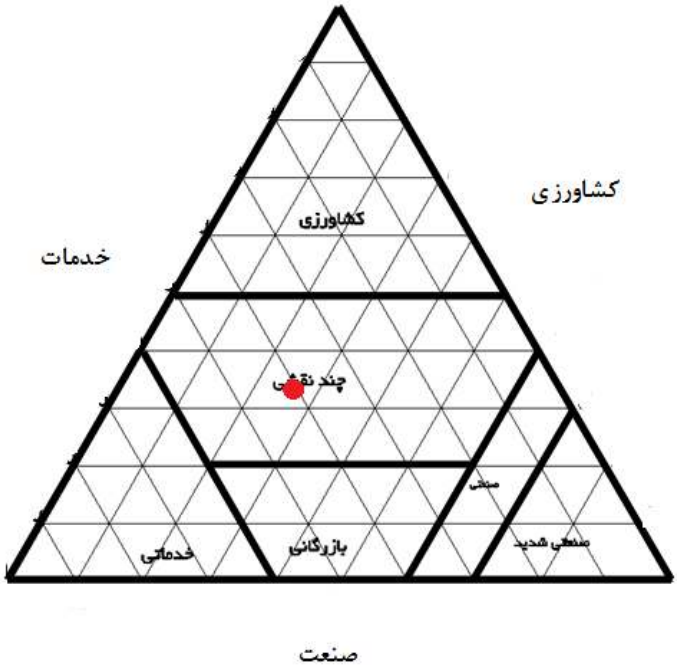

شکل ۸. تعیین نقش شهرستان علی آباد براساس مثلث بوژوگارنیه

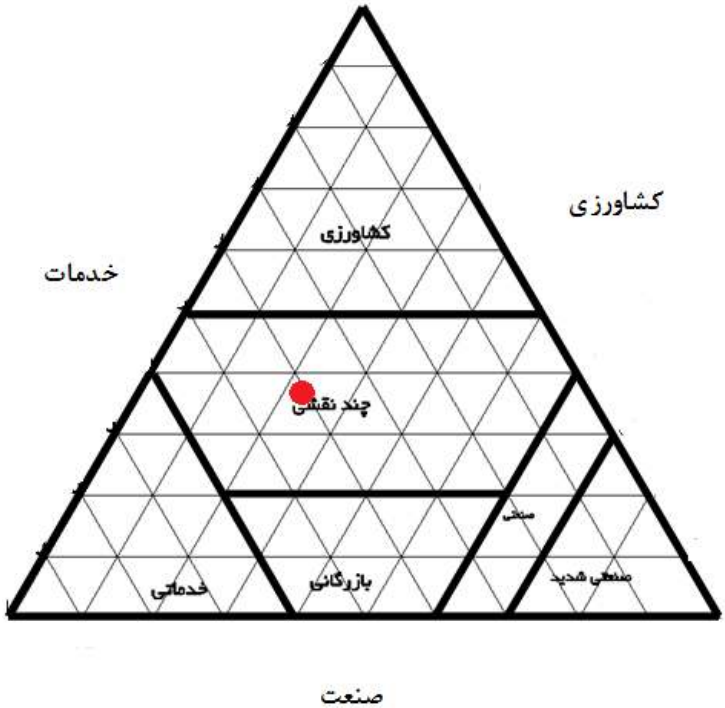

شکل ۹. تعیین نقش شهرستان کردکوی براساس مثلث بوژوگارنیه

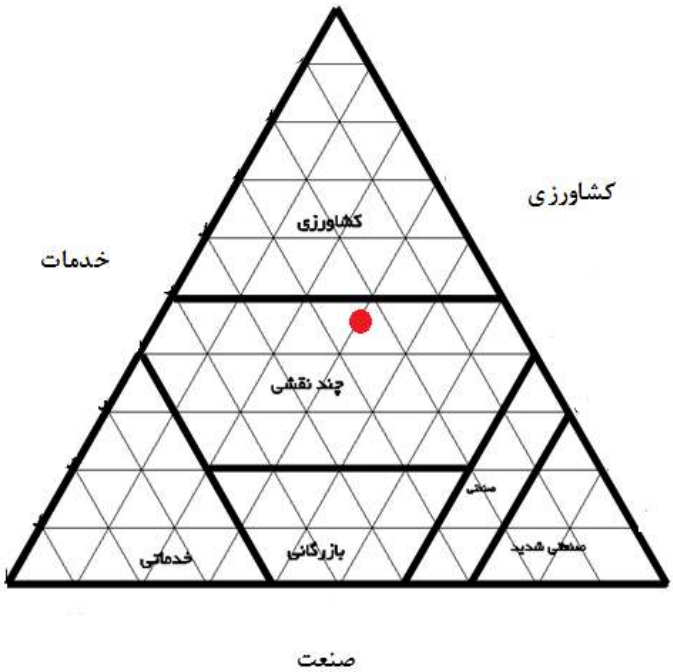

شکل ۱۰. تعیین نقش شهرستان کلاله براساس مثلث بوژوگارنیه

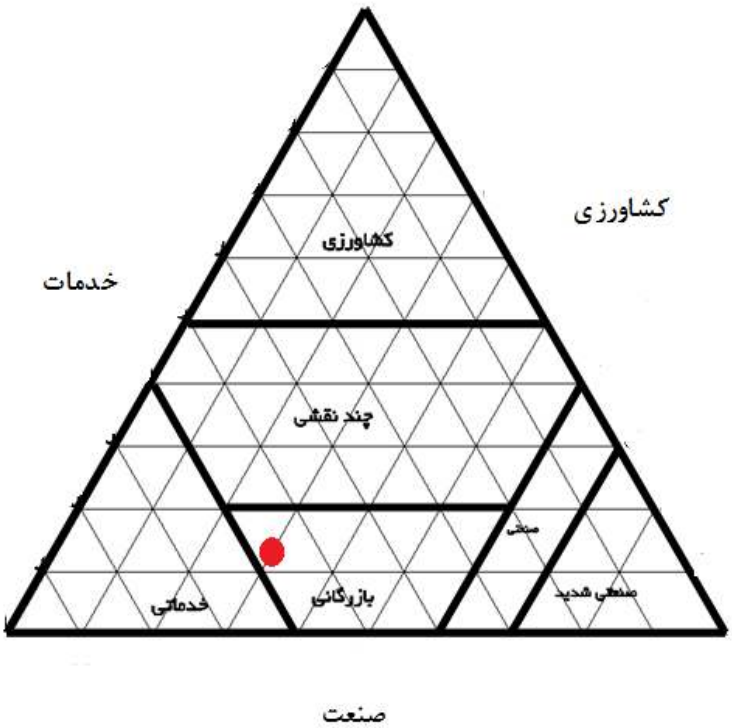

شکل ۱۱. تعیین نقش شهرستان گرگان براساس مثلث بوژوگارنیه

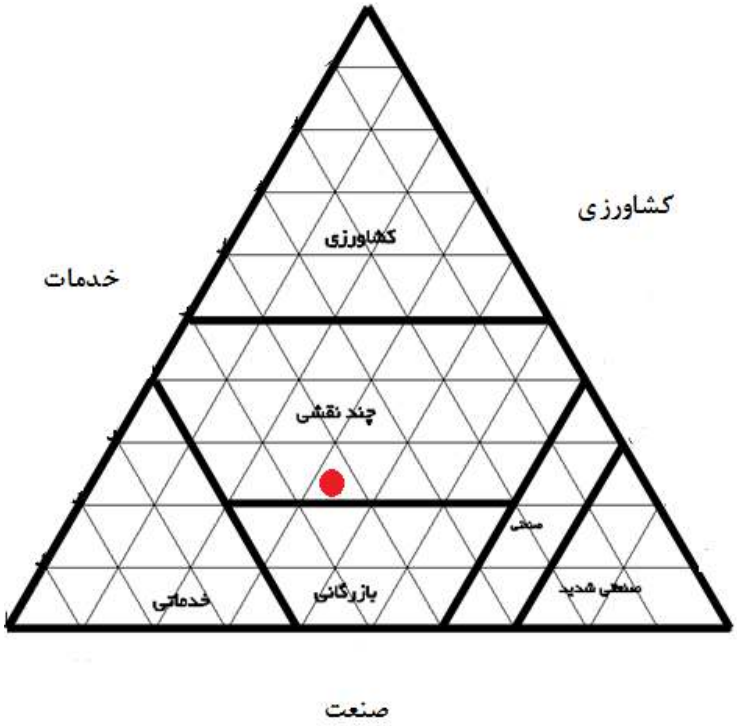

شکل۱۲. تعیین نقش شهرستان گنبدکاووسکاووس براساس مثلث بوژوگارنیه

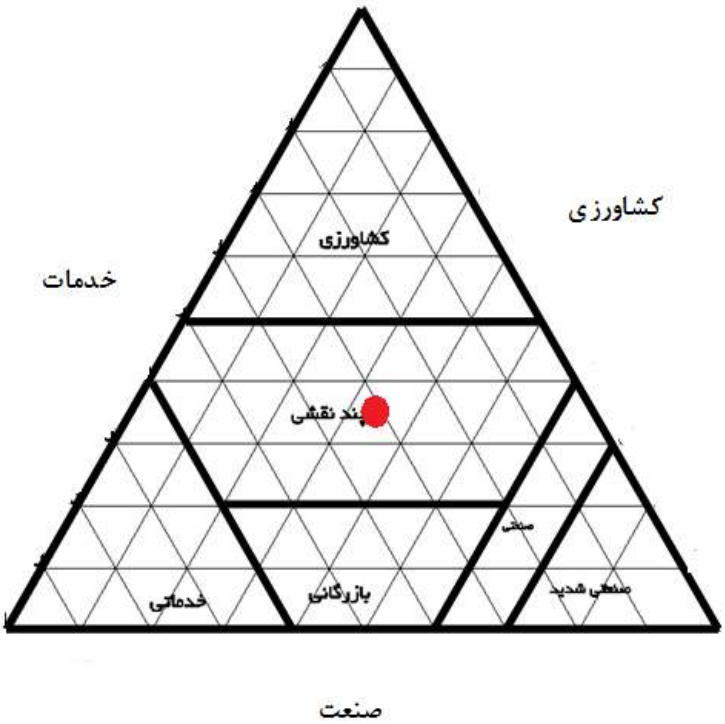

شکل ۱۳. تعیین نقش شهرستان مینودشت براساس مثلث بوژوگارنیه

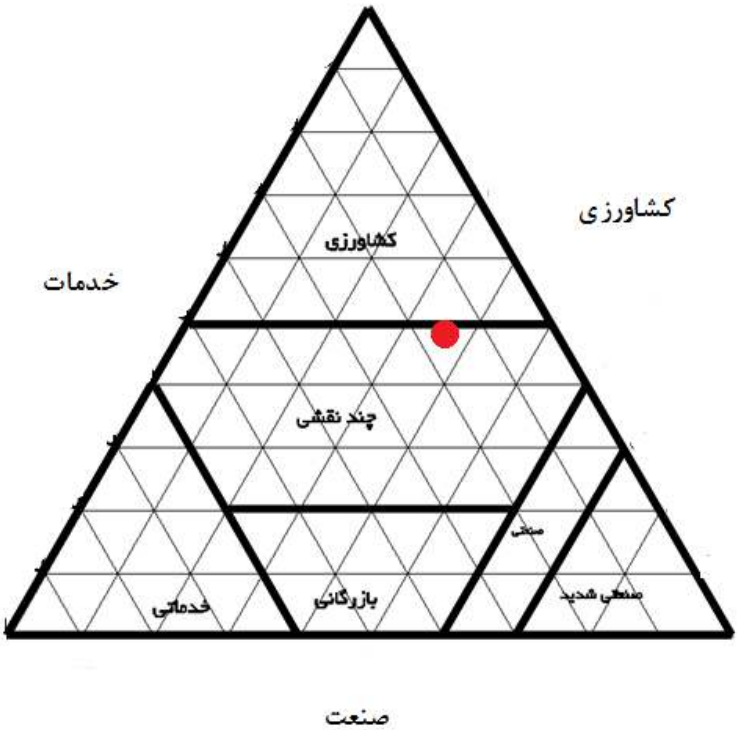

شکل ۱۴. تعیین نقش شهرستان مراوه تپه براساس مثلث بوژوگارنیه

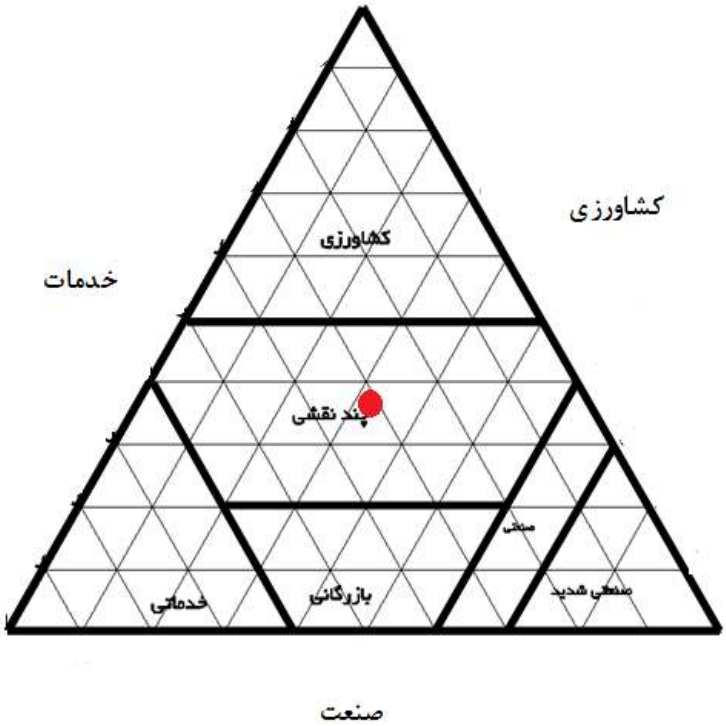

شکل ۱۵. تعیین نقش شهرستان گمیشان براساس مثلث بوژوگارنیه

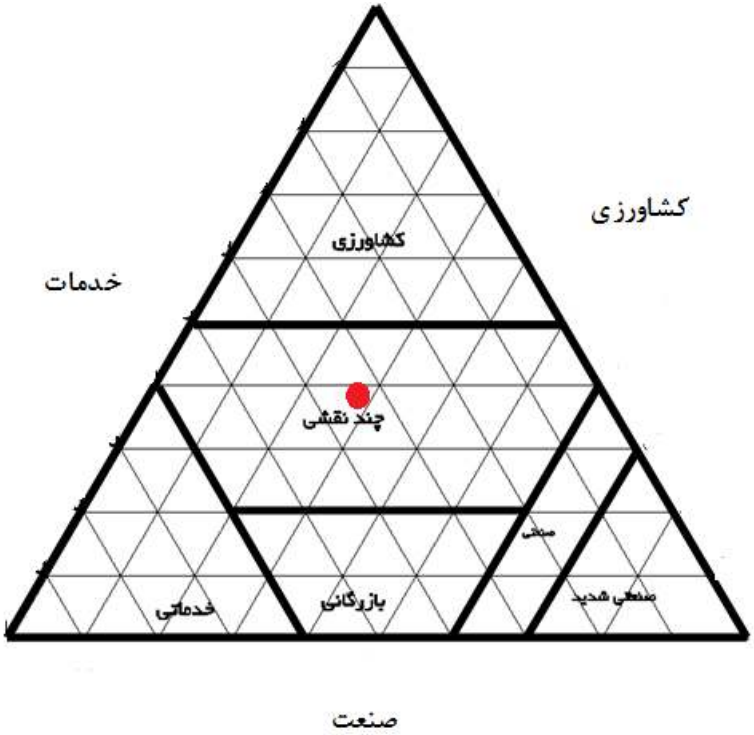

شکل ۱۶. تعیین نقش شهرستان گالیکش براساس مثلث بوژوگارنیه

بنابر نتایج این مطالعه، کارکرد شهرهای مهم در بخش‌های عمده اقتصادی به قرار زیر تعیین شد:

- ✓ **آزادشهر با کارکرد غالب چند نقشی**
- ✓ **آق‌قلا با کارکرد غالب چند نقشی**
- ✓ **ترکمن با کارکرد غالب چند نقشی**
- ✓ **بندرگز با کارکرد غالب چند نقشی**
- ✓ **رامیان با کارکرد غالب چندنقشی**
- ✓ **علی‌آباد با کارکرد غالب چند نقشی**
- ✓ **کردکوی با کارکرد غالب چندنقشی**
- ✓ **کلاله با کارکرد غالب چندنقشی**
- ✓ **گرگان با کارکرد غالب بازرگانی**
- ✓ **گنبدکاووس با کارکرد غالب چند نقشی**
- ✓ **مینودشت با کارکرد غالب چند نقشی**
- ✓ **مراوه تپه با کارکرد غالب چند نقشی**
- ✓ **گمیشان با کارکرد غالب چند نقشی**
- ✓ **گالیکش با کارکرد غالب چند نقشی**

بدین ترتیب از بین شهرستانهای استان یک شهرستان عملکرد بازرگانی و ۱۳ شهرستان دیگر دارای عملکرد چندنقشی هستند. نکتهٔ قابل توجه در مورد کارکرد شهرستانهای گلستان این است که هیچ یک از شهرستانهای استان دارای کارکرد صنعتی و خدماتی نمی‌باشند. ساختار اشتغال و کارکردهای شهری در استان گلستان نشان‌دهندهٔ عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصاد روستایی و عدم تناسب در فعالیت‌های اقتصاد شهری می‌باشد. اقتصاد روستایی استان به شدت متکی بر فعالیت‌های کشاورزی و اقتصاد شهری آن وابسته به فعالیت‌های خدماتی است. موقعیت طبیعی و اقلیمی خاص منطقه به مثابه یک محدودیت در قبال گسترش فعالیت‌های صنعتی - کارگاهی عمل کرده، در حالی که به عنوان یک امکان و استعداد اقتصادی نیز به اندازهٔ مطلوب مورد استفاده قرار نگرفته است.

۱-۲-۲-۳: تحلیل عوامل موثر بر شکل‌گیری نظام شهری

۱-۲-۲-۳-۱: عوامل جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

عوامل مؤثر در نحوه شکل‌گیری نظام شهری استان در ۲ گروه عمده قابل تقسیم می‌باشند.

- عوامل طبیعی و اکولوژیک

این عوامل ریزفاکتورهایی شامل عوامل ژئومورفولوژیک، اقلیم، نوع خاک، پوشش گیاهی، زمین‌شناسی، منابع اراضی و غیره را دربرمی‌گیرد.

بیشتر سکونتگاه‌های شهری تحت تأثیر این عوامل به شکلی خطی در حد فاصل اراضی پست

شمالی و اراضی جنگلی جنوبی و در بستری کوهپایه‌ای استقرار یافته‌اند. همچنین، وجود رودخانه گرگانرود که از شرق به غرب استان و در همین راستا کشیده شده در شکل‌گیری این شبکه نقش بسزایی دارد.

در توزیع فضایی شهرهای استان مشاهده می‌شود که کوهپایه‌های البرز و جلگه گرگان محل استقرار اکثر نقاط شهری می‌باشد، در حالی گستره‌های شمالی و شمال‌شرقی استان عمدتاً خالی از سکونتگاه‌های شهری پراهمیت است. لذا، در استان گلستان به نحوی عدم تعادل فضایی که منتج از ویژگی‌های طبیعی مؤثر بر نظام استقرار می‌باشد وجود دارد. با بررسی نقشه‌های طبیعی و ریزفاکتورهای آن نتایج زیر در چگونگی نظام استقرار استان به دست آمده است:

- ✓ طبق پهنه‌بندی اقلیمی اکثر شهرهای استان گلستان در اقلیم مرطوب معتدل و نیمه مرطوب معتدل قرار گرفته‌اند و در پهنه‌های خشک و نیمه خشک، عدم وجود سکونتگاه‌های شهری پرجمعیت مشهود است.
- ✓ با توجه به نقشه طبقات ارتفاعی استان مشاهده می‌شود که همه شهرهای استان در بخش جلگه‌ای قرار گرفته‌اند و بخش‌های کوهپایه‌ای و کوهستانی فاقد سکونتگاه‌های شهری می‌باشد.
- ✓ نقشه پراکندگی خاک‌ها نشانگر آن است که وجود اراضی لسی در بخش‌های شمالی و شمال‌شرقی استان عامل مهمی در جهت فقدان سکونتگاه‌های شهری در این مناطق می‌باشد.

- عوامل انسان‌ساخت

دومین گروه عوامل مؤثر در نحوه شکل‌گیری نظام استقرار شهرهای استان، عوامل مصنوع و انسان‌ساخت می‌باشند که عمدتاً شامل دسترسی‌های (شبکه راه)، شبکه انرژی و پراکندگی فعالیت‌ها می‌باشد.

تحولات نظام دسترسی کشور در دهه‌های اخیر و خصوصاً مسیرهای ارتباطی تهران با کلانشهرها و از جمله مشهد و عبور آن از استان گلستان باعث تأثیرپذیری الگوهای استقرار در این استان شده که نمونه بارز آن شکل‌گیری شهرهای زیادی در امتداد این محور می‌باشد. به طوری که از مجموع ۲۵ نقطه شهری سطح استان ۱۱ شهر در مسیر این محور مواصلاتی قرار گرفته‌اند.

همچنین، عبور مسیر شبکه انرژی که عمدتاً در راستای همین محور مواصلاتی قرار دارد نیز در تحول نظام شهری استان مؤثر است.

از نظر پراکندگی فعالیت‌ها عمده فعالیت‌های کشاورزی و زیرشاخه‌های وابسته به آن در گستره‌های میانی و غربی استان متمرکز شده‌اند.

۱-۲-۲-۳-۲: ساختار قومی، فرهنگی و سیاسی

ساختار فرهنگی استان گلستان بر پایه دو عامل اصلی شکل گرفته است: از یکسو زیستگاه طبیعی و اقلیمی خاص و از سوی دیگر تاریخ سخت و پرجدال آن که در جنگل‌های سرسبز و زمین‌های

زراعی مرکبات نواحی مرکزی و جنوبی و در زمین‌های خشک و کم‌آب نـواحی شـمالی اسـتان تجلـی یافته است.

ترکیب اجتماعی شامل سه جامعه شهری، روستایی و عشـایر (تـرکمن) اسـت کـه البتـه بایـد بـه سیستانی‌هایی که به این منطقه کوچ کرده‌اند نیز اشاره نمود.

فرهنگ این خطه متأثر از روابط متقابل و زندگی توأمان جوامع مذکور بوده که سبب ایجاد خـرده فرهنگ‌هایی نیز شده است. همچنین، می‌توان گفت در استان گلستان باورها و آئین‌ها همواره با آب، اقلـیم، کویر و سفر در ارتباط بوده‌اند.

همانطور که اشاره شد ترکیب اجتمـاعی مـردم اسـتان گلسـتان متشـکل از سـه جامعـه شـهری، روستایی و عشایری است که این امر خرده فرهنگ‌هایی را پدید آورده است که در عین حال که وجوه مشترکی با هم دارند، درگیر اختلافاتی نیز هستند. تمایزات موجود بین این سـه بخـش شـامل چنـد عامل زیر می‌باشد:

- ✓ شیوه تولید (رمه‌داری و کوچ، زراعت، باغداری، صید و شکار)
- ✓ آداب و رسوم و آئین‌ها
- ✓ الگوهای رفتاری
- ✓ نقش زنان در تولید
- ✓ سواد و بهداشت

در یک تقسیم‌بندی کلی مردم استان گلستان به دو گـروه عمـده فـارس‌هـا و تـرکمن‌هـا تقسـیم می‌شوند که فارس‌ها در نواحی جنـوبی و مرکـزی اسـتان سـکنی دارنـد. اکثریـت جمعیـت اسـتان را فارس‌ها تشکیل می‌دهند که به دو گروه بومی و مهاجر تقسیم مـی‌شـوند. جمعیـت بـومی بیشـتر بـه گویش‌های گرگانی، کتولی و مازندرانی تکلم می‌کنند. اکثر مهاجرین استان را سیستانی‌ها و بلوچی‌هـا تشکیل می‌دهند که به زبان بلوچی تکلم می‌کنند.

ترکمن‌های استان گلستان از دو تیره یموت و گوگلان تشکیل شده‌اند و زبان اصلی آنهـا ترکمنـی است و در شهرهای مینودشت، کلاله، گنبد، بندر ترکمن و گمیشان ساکنند.

فرهنگ رومیایی خرده فرهنگ دیگری در استان گلستان است. در اعتقاد این جامعـه زمـین و آب نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و منزلت اجتماعی براساس آنها تعیین می‌شود. در اینجا نظام شهری اسـتان گلستان در برخی موارد عوامل سیاسی نیز تأثیرگذار بوده است.

شهر علی‌آباد با مهاجرت عده‌ای از امرا و بزرگان لشگری سیستان در اواخر دوره صفویه رونق پیـدا کرد. گنبدکاووس مرکز حکومت قابوس‌بن‌وشمگیر یکی از مالکان آل زیاد بوده اسـت و در مـورد شـهر کردکوی گفته می‌شود که در اوایل حکومت صفویه، جمعیتی از کردستان به صورت ایلی به مازندران و استرآباد کوچانیده شده و در زمان شاه عباس در نواحی مختلف این ایالات سکونت اختیـار کردنـد بـه این ترتیب در حدود ۲۵۰ سال پیش عده‌ای از ایـن مهـاجرین در کردکـوی سـاکن و ایـن منطقـه را مسکونی نمودند.

۱-۲-۲-۳-۳: تأثیر مرکز استان بر مناطق پیرامونی

تأثیر شهر گرگان بر سکونتگاه‌های شهری دیگر استان شدید است، به طوری که تقریباً حوزه نفوذ شهر گرگان و نقطه جدایی مرکز استان تقریباً تا نزدیکی اکثر شهرها کشیده شده است که با توجه به ارائه خدمات برتر و آستانه جمعیتی بالاتر شهر گرگان این امر قابل پیش‌بینی است.

در جدول شماره ۱۱، نقطه جدایی شهرهای استان نسبت به گرگان آمده است. طبق این جدول به دلیل سطح جمعیتی و سطح ارائه خدمات شهر گرگان نقطه جدایی این شهر تا نزدیکی اکثر شهرها کشیده شده است.

همچنین، حوزه نفوذ شهر گرگان نسبت به مراکز استان‌های مجاور به نسبت فاصله و آستانه‌های جمعیتی شهرهای فوق متفاوت می‌باشد، بدین ترتیب که نقطه جدایی بین گرگان و ساری تقریباً در نیمه مسافت و در ۶۵ کیلومتری گرگان قرار دارد و نقطه جدایی بین گرگان و سمنان در ۱۸۶/۳۹ کیلومتری گرگان و ۱۴۵ کیلومتری سمنان قرار دارد که به دلیل آستانه جمعیتی بالای گرگان می‌باشد (جمعیت شهر سمنان طبق آمارگیری سال ۱۳۸۵ برابر ۱۶۴۲۶۰ نفر می‌باشد). از دیگر استان‌های مجاور گلستان استان خراسان شمالی با مرکزیت بجنورد می‌باشد. نقطه جدایی این دو شهر در ۱۵۳/۵ کیلومتری در بجنورد و ۱۹۰/۵ کیلومتری از گرگان قرار دارد.

جدول ۱۲. فاصله نقطه جدایی شهر گرگان با سایر شهرهای استان

ردیف	نام شهر	جمعیت ۱۳۸۵	فاصله تا شهر گرگان (کیلومتر)	نقطه جدایی از سمت گرگان (کیلومتر)
۱	بندر گز	۱۷۹۵۹	۴۴/۴۹	۳۵/۳۵
۲	نوکنده	۷۶۰۷	۴۸/۲۳	۴۱/۳
۳	گمیش تپه	۱۵۹۵۲	۴۱/۵۰	۳۳/۴۳
۴	سیمین شهر	۱۳۶۸۰	۲۷/۱۳	۲۲/۱۶
۵	بندر ترکمن	۴۵۲۴۹	۳۳/۲۹	۲۳/۶۲
۶	علی‌آباد	۴۶۸۲۲	۳۸/۵۵	۲۷/۲۵
۷	فاضل‌آباد	۱۳۰۶۰	۲۸/۶۶	۲۳/۴۹
۸	کردکوی	۲۹۳۵۲	۳۰/۰۷	۲۲/۶۳
۹	گرگان	۲۷۴۴۳۸	-	-
۱۰	سرخنکلاته	۶۵۱۱	۱۲/۹۲	۱۱/۱۹
۱۱	اینچه‌برون	۱۹۴۱	۷۲/۳۷	۶۶/۹۵
۱۲	گنبدکاووس	۱۲۹۱۶۷	۷۹/۲۶	۴۶/۹۱
۱۳	گالیکش	۲۰۰۵۸	۱۰۰/۲۰	۷۸/۷
۱۴	مینودشت	۲۶۴۰۹	۹۳/۶۱	۷۱/۳۸
۱۵	انبارآلوم	۵۸۷۴	۳۶/۳۰	۳۱/۶۳
۱۶	آق‌قلا	۲۷۶۱۶	۱۹/۱۳	۴۱/۵۳
۱۷	مراوه‌تپه	۶۷۳۷	۱۷۸/۲۷	۱۵۵/۸۷
۱۸	کلاله	۲۸۰۳۵	۱۱۰/۶۱	۸۰/۳۱
۱۹	نوده خاندوز	۲۰۹۵	۹۰	۸۲/۸
۲۰	آزادشهر	۳۸۵۸۲	۷۰/۴۷	۵۱/۱۷
۲۱	نگین‌شهر	۷۶۳۹	۷۲/۳۷	۶۱/۹۳
۲۲	خان‌ببین	۱۰۵۸۳	۵۲/۱۵	۴۳/۵۶
۲۳	رامیان	۱۲۰۰۸	۶۵/۳۵	۵۴/۰۷
۲۴	دلند	۷۷۵۲	۵۶/۷۰	۴۸/۴۹

ماخذ: مرکز آمار ایران، محاسبات پژوهش

۱-۲-۳: تحلیل نظام روستانشینی و عشایری استان

۱-۲-۳-۱: تحلیل روند روستانشینی استان و جایگاه آن در کشور

جامعه روستایی کشور طی نیم قرن گذشته با روندی بسیار کند و در حال تغییر و دگرگونی بود. دامنه این تغییرات در سال‌های اخیر گسترش یافته و شتاب بیشتری به خود گرفته است. جلوه‌های بارز آن را نه تنها در ابعاد مختلف ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع مذکور، بلکه در امور زیربنایی و عناصر کالبدی، فضایی محیط زیست آنها نیز می‌توان ملاحظه نمود. موارد ذیل برخی از مصادیق آن در جوامع روستایی است:

- کاهش سهم جمعیت روستایی علیرغم افزایش تعداد جمعیت روستایی به واسطه مهاجرت شدید.
- افزایش تعداد روستاهای بزرگ (بیش از ۵۰۰ نفر) و کاهش روستاهای کوچک
- افزایش پوشش خدمات آموزشی و در نتیجه افزایش نرخ باسوادی و سطح سواد
- افزایش پوشش خدمات بهداشتی - درمانی و در نتیجه کاهش نرخ رشد جمعیت به سبب اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده
- تحول در نظام بهره‌برداری تولید کشاورزی و ارتباط بیشتر با بازار
- تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و افزایش نسبی سهم اشتغال بخشهای خدمات و صنعت
- از دست دادن نیروهای کارآمد (جوانان باسواد و ماهر) به نفع شهرها به واسطه کمبود فرصت‌های شغلی
- گسترش روابط شهر و روستا به واسطه توسعه خدمات زیربنایی به ویژه راه، برق و تلفن
- ارتقای نسبی کیفیت زندگی و دسترسی به خدمات بیشتر
- تبدیل کانونهای بزرگ روستایی به شهر و ادغام روستاهای حاشیه شهری در شهرها
- جلب مشارکت روستائیان و شکل‌گیری نظام‌های جدید مدیریت روستایی

به تأسی از شرایط حاکم بر کلان کشور جوامع روستایی و عشایری استان گلستان نیز دستخوش تغییر و تطور فراوانی قرار گرفته است. گرچه ممکن است بنابر تفاوت محیط جغرافیایی استان با کل کشور تفاوت‌هایی را نیز بتوان در فرایند تحول جوامع مذکور در منطقه مورد مطالعه ملاحظه نمود، لیکن با توجه به اتخاذ سیاست‌های یکنواخت و اجرای برنامه‌های مشابه در سطح ملی به نظر می‌رسد تفاوت‌های چندانی نداشته باشد. بنابراین، نه تنها شناخت عوامل درونزا و برونزای این تحولات الزامی است، بلکه سمت دادن، سرعت بخشیدن و یا به تأخیر انداختن روند تحول از مقولات مهمی است که ضرورت توجه دست‌اندرکاران، برنامه‌ریزان و مدیران اجرایی را مطرح می‌سازد.

روستانشینی به عنوان یکی از الگوهای سه گانه زیستی جامعه بشری قدمتی دیرینه دارد که متاثر از تباینات محیط طبیعی و فراخور روندهای تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با فراز و نشیب فراوانی همراه بوده است. پویش تاریخ معاصر جوامع ساکن در منطقه مورد مطالعه گویای آن است که حضور آنها در این خطه از سرزمین به چندین قرن می‌رسد. لیکن به سبب غلبه الگوی زیست

کوچ‌نشینی تا اوایل سده حاضر (۱۳۰۴ه.ش) امکان یکجانشینی و سکونت گزینی ثابت مقدور نبوده است، زیرا اکثر جوامع منطقه را ترکمن‌هایی تشکیل می‌دهند که معیشت غالب آنها بر دامداری مبتنی بر کوچ‌نشینی استوار بوده است. اجرای سیاست تخته قاپوی عشایر در زمان پهلوی اول به یکباره موجب پیدایش روستاهایی شده است که ساکنان آن‌ها تا چندی قبل از آن در آلاچیق‌های غیرثابت سکونت داشته‌اند.

استان گلستان از جمله استان‌های نوپای کشور است که در سال ۱۳۷۶ شکل گرفت. این استان که در حال حاضر شامل ۱۴ شهرستان در محدوده سیاسی خود است، به دلیل وضعیت اقلیمی و طبیعی مناسب، همیشه جزو مهمترین مناطق روستانشین و عشایری کشور به شمار آمده است. الگوهای سکونت روستایی گلستان به تبعیت از وضع اقلیمی و سابقه زندگی عشایری، با دو استان دیگر شمال کشور (مازندران و گیلان) تا حدی متفاوت است. برخی از آبادی‌های استان به صورت «اوبه» شکل گرفته و بتدریج در روند تحولات اقتصادی - اجتماعی در حال تغییر به نقاط روستایی متعارف است. به دلیل پراکندگی نسبتاً مناسب منابع آب در استان گلستان، پراکندگی نقاط روستایی بیشتر با توجه به پراکندگی منابع خاک صورت گرفته است. به این ترتیب که ناحیه میانی استان یعنی جلگه‌های پایکوهی البرز مهمترین کانون‌های زیست و فعالیت استان محسوب می‌شوند و در غالب سکونتگاه‌های انسانی (شهر و روستا) تکوین یافته‌اند. روستاهای این بخش به صورت متراکم و عمدتاً خطی در حاشیه رودخانه‌ها شکل گرفته‌اند و معیشت ایشان بر پایه کشاورزی و بهره‌برداری از زمین است. در محدوده شمالی استان که قلمرو استپ‌های حاشیه مرز است، به دلیل حاصلخیز نبودن خاک، عمدتاً قلمرو عشایری و دامداری است. لذا، آبادی‌های این بخش اغلب به صورت کوچک و پراکنده هستند. همچنین، در بخش جنوبی استان که قلمرو کوهستانی و جنگلی است به دلیل ارتفاعات زیاد و پوشش جنگلی وسیع و محدودیت آب و خاک، دارای آبادی‌های پراکنده و با فاصله زیاد از هم است.

در سرشماری سال ۱۳۵۵ جمعیت استان گلستان ۷۸۰۹۴۴ نفر اعلام شد که ۵۱۶۶۹۰ نفر آن را (۶۶ درصد) روستائیان تشکیل می‌دادند. در این دوره سرشماری شاهد ثباتی نسبی در ارقام جمعیتی هستیم که این امر به دلیل آرام شدن روند تحولات جمعیتی کل کشور، پس از اصلاحات ارضی است. در سال ۱۳۵۵، آبادی‌های دارای سکنه استان ۸۰۷ روستا و آبادی‌های خالی از سکنه آن ۳ روستا بودند که از این تعداد ۳۱۵ روستای دارای سکنه متعلق به شهرستان گرگان و ۴۹۲ روستا متعلق به شهرستان گنبدکاووس، در دو سوی سواحل گرگانرود - در واقع بخشی از جلگه میانی استان - و سپس در ساحل شمالی اترک به صورت خطی و متراکم قرار داشتند.

جمعیت استان در سال ۱۳۶۵ معادل ۱۱۴۵۰۳۳ نفر بوده است که از این تعداد ۷۲۱۱۴۷ نفر، برابر با ۶۲ درصد در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. این جمعیت در قالب ۸۶۱ روستا اسکان یافته بودند. در این دوره از سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۵۳ روستا نیز خالی از سکنه اعلام شدند که بیشترین تعداد این آبادی‌ها متعلق به شهرستان گنبدکاووس بوده است. همچنین، این شهرستان همانند سرشماری پیشین دارای بیشترین تعداد روستای دارای سکنه به تعداد ۴۶۹ آبادی بوده است که در

سواحل گرگانرود و حاشیه شمالی اترک قرار داشتند. در این سال شهرستان علی‌آباد با ۳۶ آبادی دارای کمترین تعداد آبادی در سطح استان بود. این امر به دلیل موقعیت کوهستانی این شهرستان است که سبب شکل‌گیری و برپایی روستاها به شکل پراکنده در دامنه‌های جنگلی و نقاط دور از هم در دره‌های کوهستانی شده است.

جمعیت استان گلستان در سال ۱۳۷۵ معادل ۱۴۲۶۲۸۸ نفر بوده است که از این تعداد ۸۳۰۱۷۱ نفر، معادل ۵۸/۲ درصد، روستانشین بوده‌اند. در این دوره ۹۷۹ روستا دارای سکنه و ۸۰ روستا خالی از سکنه گزارش شده‌اند و بیشترین تعداد روستاهای دارای سکنه و خالی از سکنه متعلق به شهرستان مینودشت با ۳۶۴ روستای مسکونی و ۲۴ روستای خالی از سکنه بوده است. بیشترین تعداد روستاهای این شهرستان به صورت متراکم خطی در حاشیه رودخانه‌های فرعی گرگانرود و در مسیر جاده اصلی گرگان - مشهد شکل گرفته‌اند. بعد از شهرستان مینودشت، شهرستان گنبد با ۲۷۵ آبادی دارای سکنه در رتبه بعدی قرار دارد که الگوی پراکنش روستاهای این شهرستان همان الگوی دیده شده در دهه‌های پیشین است.

در سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت استان گلستان به ۱۷۷۷۰۱۴ نفر رسید که از این تعداد ۸۷۰۸۳۲ نفر معادل ۴۹ درصد روستانشین بودند. با توجه به آمارهای موجود در سال ۱۳۹۰ تعداد ۱۰۰۸ آبادی دارای سکنه در استان گلستان وجود داشته است که به صورت متوسط هر یک از آنها دارای ۸۶۳ نفر جمعیت بودند. بالاترین تعداد آبادی‌ها در شهرستان گنبدکاووس با ۱۷۱ آبادی و کمترین تعداد در بندرگز با ۲۴ آبادی واقع شده است. کم شدن ناگهانی تعداد روستاهای برخی از شهرستان‌ها به دلیل تقسیمات کشوری جدید استان به ۱۴ شهرستان است. موقعیت طبیعی و جغرافیایی نیز در خالی شدن آبادی‌ها از جمعیت بی‌تأثیر نیست، به طوری که تعداد آبادی‌های خالی از سکنه در فضاهای کوهستانی قابل ملاحظه بوده و در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته، در حالی که در فضاهای دشتی، سهم آبادی‌های خالی از سکنه ناچیز است. آبادی‌های کوهستانی با شمار جمعیت محدود در پهنهٔ استان پراکنده‌اند. این آبادی‌ها به دلیل محدودیت منابع آب و خاک، جمعیت محدودی را می‌توانند در خود جای دهند. به همین لحاظ کل جمعیت این نوع آبادی‌ها کمتر از جمعیت آبادی‌های کوهستانی، کمبود امکانات و تسهیلات اجتماعی و اقتصادی مانند شبکه راه‌ها و ارتباطات موجب تشدید مهاجرت جمعیت از آنها شده است.

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ بیش‌ترین شمار آبادی‌های دارای سکنه در استان متعلق به شهرستان گنبد کاووس است. ضمن آنکه شکل ۱۷ تعداد روستاهای موجود در هر شهرستان را نشان می‌دهد.

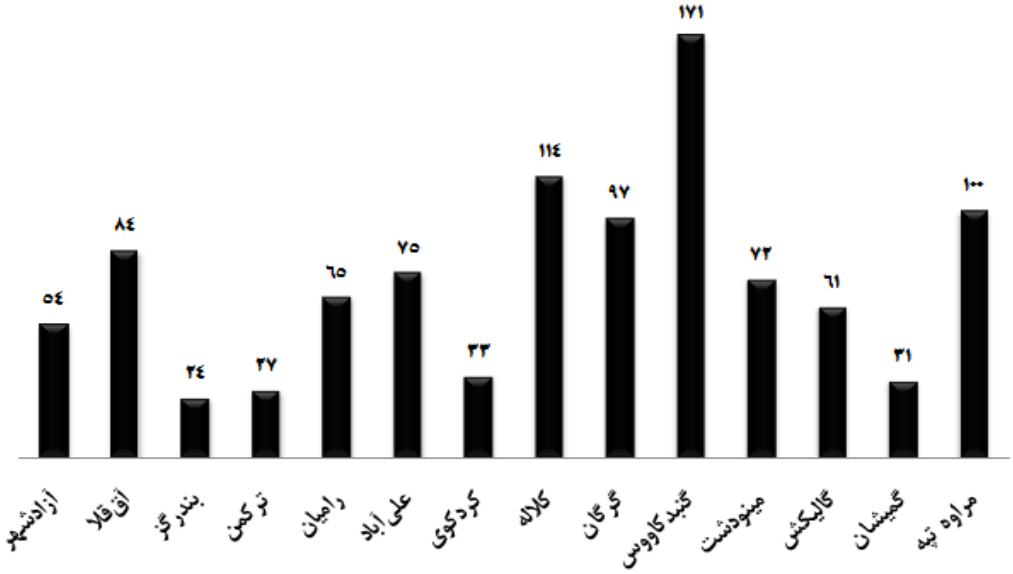

شکل ۱۷. تعداد آبادی‌های واقع در هر یک از شهرستان‌های استان گلستان در سال ۱۳۹۰

همچنین، کمترین تعداد آبادی‌های دارای سکنه استان مربوط به شهرستان بندرگز است که نسبت به سال ۱۳۷۵ تغییر چندانی نداشته است. شهرستان‌های کلاله، مراوه‌تپه و گرگان بعد از شهرستان گنبد کاووس نیز به ترتیب دارای بیش‌ترین شمار آبادی‌های مسکونی هستند (جدول ۱۳).

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که جمعیت روستائی استان از ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۵ متوسط نرخ رشد فزاینده‌ای داشته است. این نرخ رشد طی سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ کمی کاستی می‌گیرد و بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ با افت زیادی مواجه و سپس در دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵ نرخ رشد جمعیت روستایی منفی می‌شود. این امر نشانگر فرآیند روستانشینی در استان طی ۵۰ سال اخیر است و هر چند نسبت روستانشینی طی این دوران روند کاهشی داشته است، اما هنوز حدود نیمی از جمعیت استان را فرا گرفته است (شکل ۱۸).

اتکا به تولیدات کشاورزی، وجود ویژگی‌ها و گرایش‌های عشایری و عدم توسعه بهینه صنعت سبب عدم رشد پدیده شهرنشینی و ایجاد تعادل میان سلسله مراتب سکونتگاه‌های روستایی و شهری شده است. هرچند که این روند با جدا شدن استان گلستان از استان مازندران و گرایش و مهاجرت روستائیان به سوی شهرها برای استفاده از خدمات سطوح برتر و اشتغال و درآمد افزون‌تر، نسبت به دهه‌های گذشته به سوی شهرنشینی تغییر یافته است. طبقه‌بندی جمعیتی روستاهای استان در جدول ۱۴ آورده شده است.

جدول ۱۳. آبادی‌های دارای سکنه استان در مقاطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰ به تفکیک شهرستان

شهرستان	سال ۱۳۷۵		سال ۱۳۹۰	
	تعداد	نسبت(درصد)	تعداد	نسبت(درصد)
آزادشهر	۵۸	۵/۸۱	۵۴	۵/۳۶
آق قلا	۷۵	۷/۵۱	۸۴	۸/۳۳
بندر گز	۲۵	۲/۵	۲۴	۲/۳۸
ترکمن	۶۰	۶/۰۱	۲۷	۲/۶۸
رامیان	۴۹	۴/۹	۶۵	۶/۴۵
علی آباد	۶۹	۶/۹۱	۷۵	۷/۴۴
کرد کوی	۳۲	۳/۲	۳۳	۳/۲۷
کلاله	۲۳۲	۲۳/۲۲	۱۱۴	۱۱/۳۱
گرگان	۹۹	۹/۹۱	۹۷	۹/۶۲
گنبد کاووس	۱۶۸	۱۶/۸۲	۱۷۱	۱۶/۹۶
مینو دشت	۱۳۲	۱۳/۲۱	۷۲	۷/۱۴
گالیکش	*	*	۶۱	۶/۰۵
گمیشان	*	*	۳۱	۳/۰۸
مراوه تپه	*	*	۱۰۰	۹/۹۲
جمع	**۹۹۹**	**۱۰۰**	**۱۰۰۸**	**۱۰۰**

ماخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان گلستان

جدول ۱۴. طبقه‌بندی جمعیتی آبادی‌های دارای سکنه

طبقه‌بندی جمعیتی	سال ۱۳۷۵				سال ۱۳۹۰			
	تعداد آبادی	درصد	جمعیت	درصد	تعداد آبادی	درصد	جمعیت	درصد
۱-۲۴نفر	۵۵	۵۱/۵	۴۴۴	۰/۰۵	۴۱	۴/۰۷	۳۵۳	۰/۰۴
۲۵-۴۹ نفر	۲۷	۲/۷	۹۷۴	۰/۱۲	۱۶	۱/۵۹	۵۷۲	۰/۰۷
۵۰-۹۹ نفر	۵۱	۵/۱۱	۳۷۸۴	۰/۴۵	۵۱	۵/۰۶	۳۷۴۲	۰/۴۳
۱۰۰-۴۹۹ نفر	۳۷۰	۳۷/۰۴	۱۰۲۷۴۱	۱۲/۲۷	۴۰۶	۴۰/۲۸	۱۱۲۵۱۴	۱۲/۹۳
۵۰۰-۹۹۹ نفر	۲۲۷	۲۲/۷۲	۱۶۷۳۸۲	۱۹/۹۹	۲۰۰	۱۹/۸۴	۱۴۷۶۰۷	۱۶/۹۶
۱۰۰۰-۲۴۹۹ نفر	۲۱۱	۲۱/۱۲	۳۲۸۱۱۵	۳۹/۱۹	۲۲۴	۲۲/۲۲	۳۴۷۵۶۲	۳۹/۹۵
۲۵۰۰-۴۹۹۹ نفر	۴۶	۴/۶	۱۵۸۰۶۷	۱۸/۸۸	۶۲	۶/۱۵	۲۰۹۲۰۸	۲۴/۰۵
۵۰۰۰نفر و بیش-تر	۱۲	۱/۲	۷۵۷۹۵	۹/۰۵	۸	۰/۷۹	۴۸۵۱۰	۵/۵۸
جمع	**۹۹۹**	**۱۰۰.۰۰**	**۸۳۷۳۰۲**	**۱۰۰.۰۰**	**۱۰۰۸**	**۱۰۰.۰۰**	**۸۷۰۰۶۸**	**۱۰۰.۰۰**

ماخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان گلستان

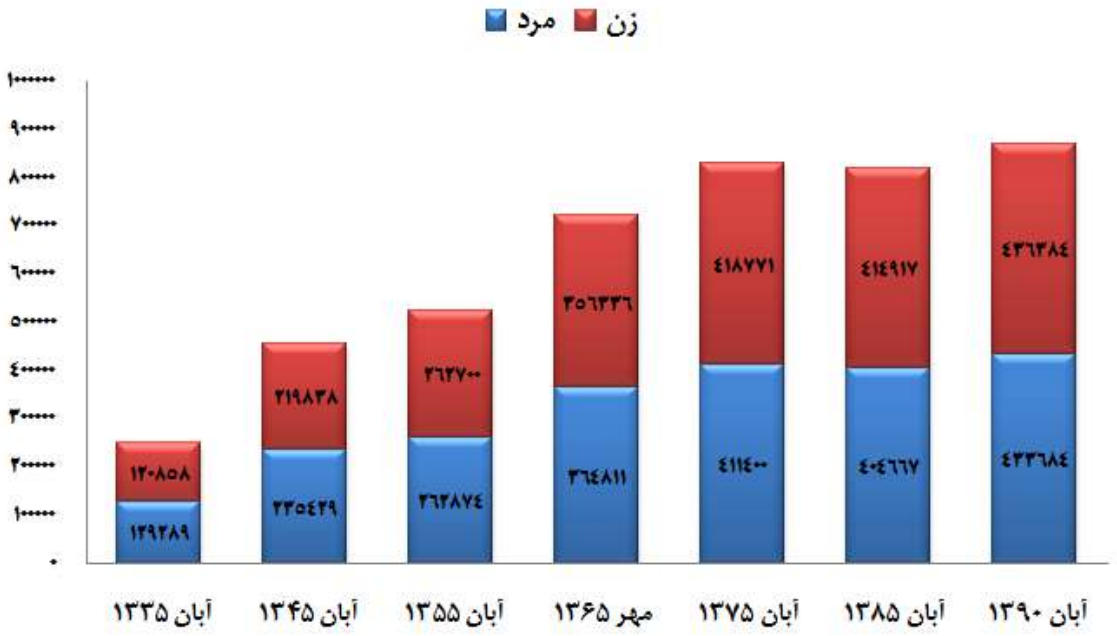

شکل ۱۸. روند تحولات روستانشینی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۳۵ (واحد جمعیت نفر است)

مقایسه نرخ رشدهای جمعیت شهری و روستایی استان با کل کشور در جدول ۱۵ و تحول جمعیت و الگوی زیست اجتماعی در استان گلستان در جدول ۱۶ آورده شده است.

جدول ۱۵. مقایسه نرخ رشدهای جمعیت شهری و روستایی استان با کل کشور

دوره زمانی	نرخ رشد (درصد)			
	کل کشور	استان	نقاط شهری	نقاط روستایی
۱۳۳۵-۴۵	۳/۱۳	۵/۰۱	۹/۳۲	۳/۴۶
۱۳۴۵-۵۵	۲/۷۱	۴/۱۱	۴/۴۶	۳/۹۳
۱۳۵۵-۶۵	۳/۹۱	۳/۹	۴/۸	۳/۳۹
۱۳۶۵-۷۵	۱/۹۶	۲/۲۲	۳/۳۹	۱/۴۲
۱۳۷۵-۸۵	۱/۶	۱/۱	۳/۰۴	-۰/۱۲

مأخذ: سالنامه آماری استان گلستان، ۱۳۸۵

جدول ۱۶. تحول جمعیت و الگوی زیست اجتماعی در استان گلستان

سال	جمعیت کشور	تعداد جمعیت (نفر)			الگوی زیست (درصد)	
		استان	نقاط شهری	نقاط روستایی	شهری	روستایی
۱۳۳۵	۱۸.۹۵۴.۷۰۴	۳۲۰.۱۸۱	۷۰.۰۳۴	۲۵۰.۱۴۷	۲۱/۹	۷۸/۱
۱۳۴۵	۲۵.۷۸۸.۷۲۲	۵۲۲.۲۷۵	۱۷۰.۷۹۱	۳۵۱.۴۸۴	۳۲/۷	۶۷/۳
۱۳۵۵	۳۳.۷۰۸.۷۴۴	۷۸۰.۹۴۴	۲۶۴.۲۵۴	۵۱۶.۶۹۰	۳۳/۸	۶۶/۲
۱۳۶۵	۴۹.۴۴۵.۰۱۰	۱.۱۴۵.۰۳۳	۴۲۲.۱۹۳	۷۲۱.۱۴۷	۳۷/۰	۶۳/۰
۱۳۷۵	۶۰.۰۵۵.۴۸۸	۱.۴۲۶.۲۸۸	۵۸۸.۹۸۵	۸۳۰.۱۷۱	۴۱/۳	۵۸/۲
۱۳۸۵	۷۰.۴۹۵.۷۸۲	۱.۶۱۷.۰۸۷	۷۹۵.۱۲۶	۸۱۹.۵۸۴	۴۹/۱۷	۵۰/۸۳

مأخذ: نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

۱-۲-۳-۲: تحلیل تحولات نظام اجتماعی و ساختار قومی، طایفه‌ای جامعه روستایی و عشایری

در سال ۱۳۹۰ استان گلستان تعداد ۱۷۷۷۰۱۴ نفر را در خود جای داده است که در این میان سهم جمعیت روستایی از کل جمعیت استان برابر با ۴۹ درصد می‌باشد، این نسبت در مقایسه به سهم متوسط جمعیت روستایی در کل کشور بسیار بالاتر است. از سوی دیگر در سال ۹۰ گلستان ۴/۰۵ درصد از کل جمعیت روستایی کشور را در اختیار داشت که در مقایسه با سال ۸۵ سهم استان ۰/۳۶ افزایش یافت. در سال ۸۵، سهم ۳/۶۹ درصدی از کل جمعیت روستایی کشور در استان گلستان سکونت داشتند.

بالاترین جمعیت روستایی مربوط به شهرستان گنبدکاووس با تعداد ۱۷۸۲۱۶ نفر و پس از آن گرگان با ۱۱۸۴۷۸ نفر جمعیت روستایی می‌باشد. از سوی دیگر کمترین جمعیت روستایی در بین شهرستان‌های استان مربوط به بندرگز با ۲۰۴۲۶ نفر جمعیت می‌باشد.

با توجه به آمارهای موجود، در سال ۱۳۹۰ تعداد ۱۰۰۸ آبادی دارای سکنه در استان گلستان وجود داشته است که به صورت متوسط هر یک از آنها دارای ۸۶۳ نفر جمعیت ساکن بودند. بالاترین تعداد آبادی‌ها در شهرستان گنبدکاووس با ۱۷۱ آبادی و کمترین تعداد در بندرگز با ۲۴ آبادی واقع شده است.

بررسی متوسط جمعیت آبادی‌های استان گلستان در هر یک از شهرستان‌ها نشان از آن دارد که پرجمعیت ترین روستاها در شهرستان گرگان با متوسط جمعیت ۱۲۲۱/۴۲ نفری و کم‌جمعیت‌ترین روستاها در شهرستان مراوه تپه با جمعیت متوسط ۴۷۹/۱۵ نفری سکونت داشته‌اند.

بررسی بعد خانوار در روستاهای استان گلستان نشان از آن دارد که در دوره ابتدایی پس انقلاب اسلامی، بعد خانوار در روستاهای استان بالاتر از متوسط بعد خانوار استان بوده است اما از سال ۶۵ به واسطه کاهش رشد جمعیت، بعد خانوار کاهش قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده است.

بررسی نرخ باسوادی در ساکنان روستاهای استان گلستان نشان از آن دارد که این نرخ در دوره ۹۰-۱۳۶۵ افزایش ملایمی را تجربه کرده است. اما همواره نرخ باسوادی در روستاهای استان از متوسط نرخ باسوادی استان کمتر بوده است. در سال ۱۳۹۰، ۸۳ درصد از جمعیت استان باسواد بوده‌اند که این مقدار برای روستائیان استان برابر با ۷۷/۶۴ درصد بود. از سوی دیگر بررسی سهم باسوادان از کل جمعیت در بین زنان و مردان استان گلستان نیز نشان از آن دارد با توجه به رشد باسوادی در بین زنان و مردان روستایی، اما همواره سهم مردان و زنان روستایی باسواد در استان گلستان از متوسط کل استان کمتر بوده است. در سال ۱۳۹۰ سهم ۸۷/۷۶ درصد از مردان و سهم ۷۸/۲۷ درصد از زنان استان دارای سواد بوده‌اند، حال آنکه این سهم برای روستاهای استان به ترتیب برابر با ۸۳/۵۲ و ۷۱/۸۳ درصد بوده است. بنابراین به صورت کلی می‌توان اذعان داشت که نرخ باسوادی در بین روستائیان استان کمتر از متوسط استان و همچنین نرخ باسوادی زنان هم در استان و هم در روستاهای استان، کمتر از مردان می‌باشد.

بررسی ساختار بهره برداری در اراضی کشاورزی استان نشانگر آن است که متوسط مساحت زمین‌های کشاورزی در استان برابر با ۵/۳۹ هکتار بوده است که شهرستان گنبدکاووس با متوسط مساحت ۱۱/۲۸ هکتار بالاترین و شهرستان بندرگز با متوسط ۱/۷۶ هکتار کوچکترین زمین‌های کشاورزی استان را به خود اختصاص داده اند. متوسط اراضی زراعی استان ۵/۴۵ هکتار بوده است که گنبدکاووس با متوسط ۱۱/۲۱ هکتار بزرگترین و بندرگز با ۱/۶۴ هکتار کوچکترین اراضی زراعی استان را در اختیار داشته‌اند. متوسط مساحت باغ‌ها و قلمستان‌های استان نیز برابر با ۱/۱۷ هکتار بوده است که گنبدکاووس با متوسط مساحت ۶/۴۵ هکتار بزرگترین و ترکمن با ۰/۰۹ هکتار کوچکترین باغ‌ها و قلمستان‌های استان را در اختیار داشته‌اند.

در سال ۱۳۹۰ از کل جمعیت بیکار استان، ۳۳۳۵۳ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. در مقایسه با سال ۱۳۸۵، نرخ بیکاری در روستاها با افزایش ۰/۵ درصدی به میزان ۱۲/۶ در سال ۱۳۹۰ رسیده است. نرخ بیکاری در روستاهای استان گلستان کمتر از متوسط نرخ بیکاری در استان می‌باشد.

البته با تمام این شرایط، نرخ بیکاری در روستاهای استان نیز در دوره پنج ساله ۱۳۹۰-۱۳۸۵ افزایش ۰/۵ واحدی داشته است. در این سال از کل جمعیت فعال ۲۷۵۰۰۹ نفری ساکن در روستاها، ۲۴۲۵۵۲ نفر مرد و ۳۲۴۵۷ نفر زن بوده اند. از سوی دیگر از کل بیکاران روستایی استان؛ ۲۸۹۶۶ نفر مرد و ۴۳۸۷ نفر زن بوده اند. به عبارت دیگر نرخ بیکاری در بین مردان روستایی برابر با ۱۱/۹ درصد و در بین زنان روستایی برابر با ۱۳/۵ درصد بوده است.

بررسی نیروی‌کار شاغل در روستاهای استان نشان از آن دارد که در سال ۱۳۹۰ تعداد ۲۴۱۶۵۶ نفر از شاغلان استان در روستاها سکونت داشته‌اند که بیانگر سهم ۴۹ درصدی از کل شاغلان استان می‌باشد. ۷۸/۸ درصد از شاغلان بخش کشاورزی، شکار، جنگلداری و شیلات استان در روستاهای استان سکونت داشته اند و فعالیت فوق از این نظر (یعنی سهم ساکنان روستا از کل شاغلان استان) بالاترین سهم را در بین فعالیت‌های مختلف اقتصادی به خود اقتصاد داده است پس از آن فعالیت‌های کشت و صنعت و فعالیت ساختمان بالاترین سهم ساکنان روستا در مقایسه با کل شاغلان در فعالیت مورد نظر را به خود اختصاص داده‌اند.

بررسی گروه‌های عمده شغلی ساکنان روستاها در سال ۱۳۹۰ نشان از آن دارد که سهم عمده ای از ساکنان روستاهای استان گلستان در دسته کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری قرار می‌گیرند این دسته سهم ۳۵ درصدی از کل شاغلان روستایی استان را به خود اختصاص داده‌اند پس از آن سهم ۳۰ درصدی برای کارگران ساده و شاغلان بخش صنعت و کارکنان مشاغل مربوط به آن با سهم ۱۳ درصدی از کل شاغلان ساکن در روستاها بالاترین سهم را به خود اختصاص داده اند.

بررسی سهم شاغلان روستایی در هر بخش از فعالیت‌های عمده شغلی نشان از آن دارد که سهم ۷۸/۴۷ درصدی از کل شاغلان استان در گروه فعالیتی کارکنان ماهرکشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری در روستاها سکونت داشته اند و از این نظر، فعالیت فوق دارای بالاترین سهم است، پس از آن فعالیت مربوط به کارگران ساده با سهم ۶۶/۵۹ درصدی قرار گرفته است. از سوی دیگر تنها ۱۲/۰۷ درصد از کل متخصصان استان در روستاها سکونت داشته و از این نظر کمترین سهم را در میان گروه‌های عمده فعالیت به خود اختصاص داده است.

شاخص نسبت وابستگی یا بار تکفل، جزو آن دسته از شاخص های کیفی جمعیت است که برتری عددی افراد شاغل به افراد غیرشاغل را نشان می‌دهد[1]. بار تکفل استان در سال ۱۳۸۵ برابر با ۳/۳۱ بود که در سال ۱۳۹۰ به ۳/۶۰۵ افزایش یافت. به عبارت دیگر در این سال، هر فرد شاغل در استان، مخارج ۳/۶۰۵ نفر را تامین می‌کرده است. مطالعه روند زمانی پنج ساله، نشان می‌دهد که بارتکفل در استان افزایش ۸/۹ درصدی را تجربه کرده است. بارتکفل در روستاها نیز با افزایش ۱۴/۲ درصدی، از ۳/۱۵ در سال ۱۳۸۵، به مقدار ۳/۶ در سال ۱۳۹۰ رسید. همان‌گونه که از آمارهای این بخش مشاهده می‌شود، وضعیت نسبی رفاه در روستاها به دلیل افزایش بالاتر بارتکفل در مقایسه با شهرها، نسبت به

[1] پایین بودن این شاخص بیانگر سطح مطلوب رفاه اقتصادی جامعه و کیفیت زندگی بهتر است. بر عکس هر چه مقدار شاخص وابستگی بالاتر باشد، فشار وارده بر جمعیت شاغل برای تأمین معاش افراد تحت تکفل فزونی گرفته و سطح رفاه کاهش می‌یابد.

سال ۱۳۸۵، بدتر شده است و تفاوت قابل ذکر میان بارتکفل شهر و روستا در سال ۱۳۹۰ وجود نداشته است، حال آنکه در سال ۱۳۸۵، بارتکفل شهرنشینان ۱۰/۷ درصد بالاتر از بارتکفل روستائیان بوده است.

بررسی طول راه‌های روستایی در استان گلستان نشان از آن دارد که در سال ۱۳۸۰ طول ۳۰۹۴ کیلومتر راه روستایی در استان احداث شده بود که در دوره طولانی ۱۱ ساله به مقدار ۳۴۴۳ کیلومتر در سال ۱۳۹۱ افزایش پیدا کرد. در دوره های اخیر تلاش شد تا راه‌های شوسه و شن و خاکی روستایی کاهش و بر مقدار راه‌های آسفالته افزوده شود. در همین راستا مقدار ۸۵۰ کیلومتر راه شوسه در سال ۱۳۸۰ به ۳۴۹ کیلومتر در سال ۱۳۹۱ و مقدار ۱۱۶۷ کیلومتر راه شن و خاک در سال ۱۳۸۰ به مقدار ۶۷۴ کیلومتر در سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است.

یکی دیگر از مهمترین خدماتی که باید برای افزایش رفاه و برخورداری خانوارهای ساکن در روستاها به آنان ارئه شود، آب آشامیدنی است. تعداد انشعابات روستایی از ۱۶۰۸۴۵ مورد در سال ۱۳۸۸ به تعداد ۲۰۱۷۹۸ مورد در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است.

در سال ۱۳۸۸، ۸۷ درصد از روستاهای بالای ۲۰ خانوار در شهرستان بندرگز دارای تاسیسات آب رسانی بوده‌اند که این مقدار در سال ۱۳۹۲ به ۹۴/۳ درصد افزایش پیدا کرد. از این نظر روستاهای شهرستان بندرگز بهترین عملکرد را در بین سایر شهرستانهای استان داشته‌اند. از سوی دیگر در سال ۱۳۹۲ تنها ۵۲/۵ درصد از روستاهای شهرستان مراوه‌تپه دارای تاسیسات آب‌رسانی می‌باشند این نسبت پایین‌ترین عملکرد در بین روستاهای دارای تاسیسات آب در بین شهرستان‌های استان می-باشد. بررسی عملکرد گرگان و گنبدکاووس به عنوان شهرهای توسعه یافته استان نیز می تواند مفید باشد. در سال ۱۳۸۸ تنها ۴۷/۹ درصد روستاهای شهرستان گرگان دارای تاسیسات آب‌رسانی بودند که این مقدار در دوره چهارساله تا سال ۱۳۹۲ بهبود اندکی را تجربه کرد و به ۶۷/۷ درصد رسید، این وضعیت برای شهرستان گنبدکاووس ضعیف‌تر از گرگان است. به گونه‌ای که در سال ۱۳۸۸ تنها ۵۹/۵ درصد از روستاهای گنبدکاووس دارای تاسیسات آب رسانی بودند و این نسبت در دوره چهار ساله تا ۱۳۹۲ تفاوت بسیار اندکی داشته و به ۶۰/۱ درصد افزایش یافته است. از این‌رو می‌توان اذعان داشت که عملکرد روستاهای استان در این زمینه نیازمند توجه بیشتری از سوی مسئولان می باشد.

تمام روستاهای بندرگز، ترکمن، کلاله، گالیکش، گرگان، گمیشان، گنبدکاووس و مینودشت از موهبت برق برخوردار بوده اند اما ۹۳/۹ درصد از روستاهای کردکوی دارای برق می‌باشند. تمامی روستاهای شهرستان بندرگز دارای لوله‌کشی گاز هستند و در مقابل هیچ یک از روستاهای شهرستان مراوه تپه دارای گاز لوله‌کشی نیستند. سیستم تصفیه آب در ۹۶/۳ درصد از روستاهای شهرستان ترکمن وجود دارد در حالی که تنها ۳/۲ درصد از روستاهای گمیشان دارای سیستم تصفیه آب می‌باشند. تمامی روستاهای بندرگز دارای مسجد می‌باشند و از این نظر بهترین عملکرد را در بین شهرستان‌های استان داراست و در مقابل کردکوی با برخورداری ۸۷/۸۸ درصدی روستاهای آن از مسجد کمترین کارکرد را داراست. همچنین تمامی روستاهای شهرستان بندرگز دارای شورای روستا و

دهیار می‌باشند حال آنکه تنها ۷۶/۹ درصد از روستاهای رامیان از این موهبت بهره‌مندند. هیچ یک از روستاهای شهرستان مراوه‌تپه دارای سالن ورزشی نیستند و در مقابل ۲۵ درصد از روستاهای بندرگز دارای سالن ورزشی می‌باشند. ۲۷/۲۷ درصد از روستاها شهرستان کردکوی دارای کتابخانه عمومی می‌باشند حال آنکه هیچ کتابخانه عمومی در روستاهای شهرستان گمیشان وجود ندارد و تنها یک درصد روستاهای مراوه‌تپه دارای کتابخانه عمومی می‌باشند. ۹۱/۶۷ درصد از روستاهای مینودشت دارای مدرسه در مقطع دبستان می‌باشند و از این نظر بهترین عملکرد را در استان به خود اختصاص داده‌اند و از سوی دیگر تنها ۶۳/۶۴ درصد از روستاهای شهرستان کردکوی دارای دبستان هستند. ۵۰/۵ درصد از روستاهای شهرستان گرگان در داخل روستا از مهدکودک بهره‌مند می‌باشند اما در شهرستان مراوه تپه تنها ۶ درصد روستاها دارای مهدکودک می‌باشند.

کوچ نشینی به عنوان یکی از وجوه سه گانه زندگی جامعه بشری از قدمتی دیرینه برخوردار بوده و کوچ نشینان طی قرون متمادی در سرنوشت حیات سیاسی اجتماعی ایران همواره نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. اگرچه جامعه عشایری امروزه از حیث تعداد جمعیت نسبت به جوامع شهری روستایی بسیار اندک می‌باشند، لیکن با توجه به گستردگی مناطق زیست آنها در اقصی نقاط کشور و نقش اقتصادی خود در تولید بخش قابل توجهی از نیازهای غذایی و مواد خام کارخانجات صنعتی حائز اهمیت هستند.

صرف نظر از شرایط تاریخی عشایر، زندگی این گروه همگام با جوامع شهری و روستایی در سده اخیر دستخوش تطور و دگرگونی گسترده ای قرار گرفته است. گستردگی دامنه این تحولات تحت تأثیر تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دهه‌های اخیر کشور شتاب بیشتری گرفته و تمام ابعاد مادی و معنوی جامعه موردنظر را متأثر ساخته است. برخی از نمودهای عینی این تحولات را می‌توان به شرح ذیل ذکر نمود:

۱. فروپاشی ساختار ایلی و عدم جایگزینی یک سیستم مناسب
۲. تغییر شیوه کوچ و پیدایش الگوهای زیستی جدید (ماشینی شدن و...)
۳. افزایش تعداد دام و بهم خوردن نظام اکولوژیکی مراتع و تخریب آنها
۴. تغییر اهداف تولید از شکل معیشتی و سنتی پیشین به شکل جدید با هدف تولید گوشت و فروش در بازار
۵. افزایش تقاضا برای خدمات آموزشی بهداشتی و رفاهی بیشتر
۶. پیدایش نظام‌های جدید مدیریتی و تشکل‌های رسمی (شوراهای عشایری تعاونی‌های عشایری)
۷. مهاجرت‌های روزافزون به مراکز شهری و کانون‌های روستایی
۸. اسکان خودجوش و بی‌برنامه در مالواره‌ها
۹. تمایل به اسکان با برنامه در کانونهای توسعه

در این میان، توجه به واقعیت‌هایی چند در سیاست‌گذاری و برنامه‌های کلان توسعه اقتصادی مانند عدم سودآوری سرمایه در شیوه کنونی دامداری، تغییرات شگرف در ساختار اجتماعی و اقتصادی و لزوم حفاظت و حمایت از محیط زیست و منابع آب و خاک موجب شده است، به جامعه عشایری نیز توجه خاصی از سوی برنامه‌ریزان و کارگزاران دولتی مبذول گردد. عرصه‌های وسیعی از نیمه شرقی اترک سفلی (دهستان‌های مراوه‌تپه، کرند، اترک) علاوه بر اینکه سالانه مدت ۷-۶ ماه محل پذیرایی حدود ۱۷۰۰ خانوار کوچنده کرد از استان‌های خراسان شمالی است، محل چرای دامهای حدود ۱۵۰۰ خانوار نیمه‌کوچنده (درون کوچ) ترکمن استان نیز می‌باشد که در طول سال از مراتع آن بهره برداری می‌نمایند.

از آنجائی‌که جامعه عشایری منطقه مورد مطالعه را دو گر وه ترکمن‌ها و کردها تشکیل می‌دهد، و چون روند استقرار آنها در منطقه به لحاظ تاریخی متفاوت می‌باشد، این عشایر در پژوهش حاضر بطور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است:

(۱): ترکمن‌ها: کنکاش در متون تاریخی نشان می‌دهد که طی ۱۵۰سال اخیر عشایر ترکمن متأثر از تحولات سیاسی اجتماعی حاکم بر آن، الگوی زیستی قبلی خود یعنی کوچنشینی محض را به تدریج تغییر داده و به کوچ‌های کوتاه برد، نیمه کوچندگی، اسکان و رمه‌گردانی روی آورده‌اند.

سرآغاز این تغییرات را به لحاظ تاریخی بایستی انعقاد قرارداد آخال در سال ۱۸۸۱میلادی ۱۲۹۹ه.ق بین ایران و روسیه قلمداد کرد که منجر به بستن مرز این دو کشور گردید. تا قبل ازاین قرارداد دامنه فضایی برد حرکات کوچندگان ترکمن فراتر از مرزهای کنونی محل سکونت آنها در ایران بوده و از سمت جنوب به اراضی حد فاصل رودخانه گرگان و قره سو و از شمال به کوه‌های بالخان در ترکمنستان می‌رسید. اما قرارداد مذکور موجب شد که جابجایی عشایر ترکمن در سمت شمال محدود به کرانه‌های جنوبی اترک شود. شایان ذکر است که چه قبل و چه بعد از واقعه فوق ترکمن‌ها علاوه بر دامداری به زراعت محدود نیز مبادرت می‌کرده‌اند. این امر دامنه جابجایی آنها را محدود ساخته و زمینه اسکان آنان را (نه در خانه گلی بلکه در زیر آلاچیق) حدفاصل برای دوره‌هایی از سال در یک مکان فراهم ساخته است. به نظر می‌رسد تقسیم ترکمنها از نظر حرفه به دو گروه چاروا (بیشتر دامدار - کمتر زارع) و چومور (بیشتر زارع و کمتر دامدار) اساساً منتج از رایج بودن چنین شیوه الگوی زیستی در میان آنها باشد. اما اجرای سیاست تخته قاپوی عشایر در سال ۱۳۰۴ نقطه عطف اسکان اجباری ترکمن‌ها محسوب می‌شود که منجر به پیدایش یکباره بالغ بر ۳۰۰ پارچه آبادی در ترکمن صحرا گردید. با این وجود، تغییر الگوی معیشتی این گروه یعنی حذف دامداری به یکباره مقدور نبود. از این ر و پس از بستن مرز ایران و روس، مسیرهای کوچندگان نه تنها کوتاه شد بلکه جهت حرکت آنها نیز به جای حرکت از جنوب به شمال به سمت غرب به شرق تغییر یافت و تعداد زیادی از دامداران ساکن در دشت گرگان که اینک به صورت نیمه کوچ نشین درآمده بودند، فقط در فصل بهار دام‌های خود را به سمت کوه‌های منطقه شمال گنبد حرکت می‌دادند. این وضعیت برای عشایر ساکن در نیمه غربی (سواحل دریای خزر) به دلیل بعد مسافت چندان میسر نبود. لذا، این گروه مراتع

جنوبی اترک رود را برای گذران فصول بهار و زمستان انتخاب می‌کردند و در ایام تابستان و پائیز از مزارع حاشیه آبادی‌های خود استفاده می‌نمایند. آیرونز در این باره می‌نویسد: در نیمه دوم دهه ۴۰-۱۳۳۰ دولت ایران به تنظیم امور ترکمن‌ها پرداخت و بخش اعظم قلمرو آنها جزو املاک سلطنتی شد که خود کنترل بیشتر را آسان می‌کرد و آنها به مستأجران شاه تبدیل شدند و از آن پس مجبور بودند برای اراضی کشاورزی اجاره‌بها و برای مراتع حق علفچر بپردازند و در زمان‌های معینی از سال تحت مقررات دقیق اجازه کوچ داشتند. وی می‌نویسد در زمان تحقیق من ۴۵ جماعات کاملاً کوچ نشین فقط در ناحیه عمدتاً شبانی شمال شرقی دشت گرگان وجود داشتند و آن گروه از چارواهایی که مدتی بیشتر از بقیه تحت کنترل مؤثر حکومت مرکزی قرار داشتند، زندگی نیمه ساکن داشتند.

الگوی زیستی کوچندگی ترکمنها که هم اکنون در نواحی شمال شرق استان رایج است از زمان اصلاحات ارضی به بعد تثبیت شده است، بطوریکه بالغ بر ۱۴۹۲خانوار دامدار در حوزه دهستان‌های مراوه تپه، کرند و اترک به کوچ‌های کوتاه برد می‌پردازند. از سوی دیگر، حذف تدریجی اقتصاد دامی در میان روستاهای اسکان یافته بخش جنوبی موجب شده است که الگوی رمه گردانی در میان آن دسته از خانوارهایی که اقتصاد آنها هنوز بر دامداری استوار است، رایج گردیده و به حیات خود ادامه دهند. این گروه نیز در کنار سایر گروه‌ها (کوچندگان و نیمه کوچندگان) خواهان آن هستند که مالکیت یورت‌های (مراتع) خود را حفظ کرده و به هنگام اجرای طرح‌های تنسیق مراتع از سوی دستگاه‌های دولتی، حریم ساماندهی عرفی‌شان رعایت گردد.

گرچه با کنکاش در منابع تاریخی در می‌یابیم که تا زمان قاجار اکراد کوچنده شمال خراسان دارای سازمان ایلی بوده‌اند، اما تشابه نام برخی طوایف (شادلو، کاوانلو، کاویانلو) که در زیر مجموعه دو ایل بزرگ (زعفرانلو و شادلو) ذکر شده و بکارگیری توأمان این نام‌ها گاهی با واژه "ایل" و نیز عدم اشاره به وجود واحدهای کوچکتر از طایفه (تیره و...) انسجام یافتگی سازمان ایلی آنان را که مبتنی بر نظام سلسله مراتبی باشند، دچار تردید می‌سازد. اظهارات پاپلی یزدی از محققان برجسته عشایر کرد نیز این مطلب را تأیید می‌نماید. وی در کتاب خود با نام بردن از ۱۴ طایفه کرد در شمال خراسان می‌نویسد: این طوایف که ادعای ایل بودن دارند در حال حاضر (۱۳۵۸) دارای هیچ نوع شکل سلسله مراتبی نمی باشند ولی در گذشته هر طایفه‌ای دارای رئیس بوده و روسای طوایف شخصی را به عنوان رئیس ایل انتخاب می‌کرده‌اند. ایل زعفرانلو به این صورت بوده است.آخرین رئیس ایل (شاپور نگهبان) ۲۰ سال پیش فوت کرد.

به هر حال، امروزه تشکیلات سازمانی اکراد فاقد رده ایل بوده و فقدان رده‌های کوچکتر از طایفه (نظیر تیره، تش، اولاد) موجب شده است که ساختار ایلی اکراد ناقص باشد. شایان ذکر است که در حال حاضر تنها واحد بعد از طایفه محله یا بینه می‌باشد که در واقع کوچکترین واحد سازمانی ایلی آنها به شمار می‌رود. هر چند بنیان محله بر تشکیل خانوارها یی استوار است که بر محور پیوندهای خویشاوندی گردهم آمده‌اند، لیکن همیشه این گونه نیست، بلکه گاهی خانوارهایی که فاقد وابستگی‌های فامیلی هستند، نیز در قالب واحدهای محله‌ای گردهم می‌آیند. هر یک از محله‌ها دارای

یک سر محل می‌باشند که معمولاً بنا به درایت مدیریتی، میزان تمکن مالی، پایگاه اجتماعی خانوادگی و سن انتخاب می‌شود.

(۲): عشایر کوچنده کرد: هر چند روند استقرار ترکمن‌ها در منطقه و فرآیند تحول الگوهای زیستی آنها تا حدودی روشن است، اما در خصوص روند استقرار عشایر کرد نمی‌توان اظهار نظر دقیقی کرد. پاپلی یزدی در این باره می نویسد: بنظر می‌رسد قسمت شرق ترکمن صحرا و دره‌هایی که د ر شمال بجنورد واقع است و اکثر ساکنان آنرا ترکمنها تشکیل می‌دهند، از دهها سال قبل مورد استفاده و رفت و آمد کردها بوده است. اما کردها تا سال ۱۳۰۹ به منطقه واقع بین رودخانه اترک و رودخانه گرگان بخصوص در قسمت شرق ترکمن صحرا دسترسی نداشته‌اند. این مطالب را اظهارات برخی سالمندان کرد نیز تأیید می‌نمایند. از جمله حاج کرم مولوی از طایفه کاوانلو برای اولین بار در سال ۱۳۰۸ به ترکمن صحرا قشلاق کرده است و جزو اولین گروه کردهایی بوده است که توانسته‌اند به این بخش از اترک قشلاق کنند.

در جایی دیگری آمده است؛ تا قبل از انقلاب اکتبر شوروی در سال ۱۹۱۷ به احتمال زیاد اکراد شمال خراسان با عبور از مرز روسیه به خاک این کشور رفته و از مر اتع آنجا برای چرای احشام خود استفاده می‌کردند. پس از انقلاب اکتبر آن کشور اقدام به بستن مرزهای خود نمود، به طوری که استفاده از مراتع زمستانی آن کشور برای اکراد شمال خراسان امکان‌پذیر شده است. لذا، از این تاریخ به بعد آنها به منطقه مراوه تپه روی آوردند. با این وجود ترکمن‌های منطقه مراوه تپه آمدن اکراد به مراتع خود را مصادف با سال‌های تبدیل زندگی کوچندگی به اسکان می‌دانند این در حالی است که کمتر چادرنشین کرد مستقل در آق تقه به یاد دارد که قبل از سال ۱۳۵۰ در این منطقه قشلاق کرده باشد.

بنابراین، علیرغم اظهارات ضد و نقیص می توان عنوان کرد که حضور عشایر کوچنده کرد از حدود ۷۰ سال پیش در منطقه امری مسلم می‌نماید و هر ساله با آغاز دوره سرد سال در شمال خراسان این گروه وارد منطقه مراوه تپه شده و مدت شش ماه از سال را در آن اتراق می‌نمایند.

در خصوص وضعیت مدیریت جامعه عشایر می‌توان گفت که در گذشته اداره جامعه عشایری مبتنی بر ساختار ایلی نظام‌مندی بود که به شکل سلسله مراتبی توسط سران هر یک از رده‌های ایلی از بالا به پایین اعمال می‌گردید. پس از اجرای طرحهای اسکان بتدریج به موازات تضعیف سازمان‌های سنتی در میان جامعه عشایری، نقش دستگاه‌های دولتی افزایش یافت. در حال حاضر سازماندهی امور عشایر به عهده سازمان امور عشایری کشور می‌باشد که در سطح ملی سیاست‌های خود را از طریق ادارات کل و واحدهای محلی به سطوح پائین اعمال می‌نماید. در استان گلستان نیز پس از انتزاع از مازندران اداره کل امور عشایری که در گنبد قرار داشت به فعالیت خود ادامه داد، ولی در سال ۱۳۷۹ به دنبال یکسری تغییرات وزارتی به سطح مدیریت تقلیل یافت. در حال حاضر مدیریت امور عشایر استان گلستان با ۲۳ نفر پرسنل امور مربوط به عشایر را پی‌گیری می‌نماید. همچنین، تنها شعبه مدیریت امور عشایر استان در شهر مراوه تپه قرار دارد که توسط ۳ نفر پرسنل اداره می‌شود.

بطورکلی، مدیریت امور عشایر استان گلستان خدمات زیادی را به جامعه تحت پوشش خود ارائه می‌دهد که در بخش خدمات دولتی و تعاونی سازماندهی شده است. خدمات دولتی شامل آن دسته از فعالیتها و طرح‌هایی است که مستقیماً توسط اداره امور عشایری اجرا می‌شود، از جمله آنها می‌توان به احداث راه مدارس عشایری، بهسازی چشمه، احداث بندخاکی، آبرسانی سیار، انبارهای عشایری، سوخت رسانی و نظایر آن اشاره کرد.

شوراهای اسلامی عشایری از تشکل‌های دیگری است که در سال‌های بعد از انقلاب در میان عشایر کوچنده ایجاد شده است. اما این نهاد نیز نتواسته آن گونه که باید و شاید موفق باشد. یکی از علل این عدم موفقیت تفاوت ساختاری آن با تشکیلات سنتی پیشین عشایری می‌باشد. در تشکیلات سنتی، سن و پایگاه اقتصادی، اجتماعی شخص نقش تعیین کننده‌ای داشته و سران ایلات معمولاً از میان افراد بزرگسال و دارای موقعیت اقتصادی ممتاز تعیین می‌شدند. در حالیکه در انتخاب اعضای شوراهای جدید نقش عامل سواد بیش از عوامل مذکور است. از این رو، اعضای شوراها را عمدتاً جوانان تشکیل می‌دهند.

بدین ترتیب مشخص می‌شود، الگوی زیستی نیمه کوچندگی که هم‌اکنون نیز در نواحی شمال شرق استان رایج است از زمان اصلاحات ارضی به بعد تثبیت شده است. از سوی دیگر، حذف تدریجی اقتصاد دامی در میان روستاهای اسکان یافته بخش جنوبی موجب شده است که الگوی رمه‌گردانی در میان آن دسته از خانوارهایی که اقتصاد آنها هنوز بر دامداری استوار است، رایج گردیده و به حیات خود ادامه می‌دهد.

در یک جمع‌بندی کلی جامعه مورد مطالعه را می‌توان به سه گروه: کوچنده (اکراد)، نیمه کوچنده (ساکنان حوزه اترک) و رمه‌گردانان (حوزه گرگانرود و دامداران سمنانی) تقسیم نمود.

۱-۲-۳-۳: تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای روستایی و عشایری توسعه یافته

۱-۲-۳-۳-۱: عوامل مؤثر در نظام استقرار

به طور کلی دو دسته از عوامل در نظام استقرار جمعیت و فعالیت هر منطقه تأثیرگذار است. دسته‌ای از این عوامل را معیارهای طبیعی و اکولوژیک تشکیل می‌دهد که خود شامل توپوگرافی، منابع آب، وضعیت خاک و موارد مشابه است. دسته دیگر نیز عبارت از شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی است که خود شامل شبکه راه‌های ارتباطی، پیشینه تاریخی، پتانسیل‌های صنعتی (نواحی صنعتی) و کانسارهای معدنی و غیره است.

استان گلستان به واسطه موقعیت جغرافیایی خاص خود در منتهی‌الیه جنوب‌شرقی دریای خزر، از ساختار طبیعی نسبتاً متنوع به ویژه در بخش‌های شمالی، میانی و جنوب آن برخوردار است. همین مسئله سبب شده تا دسته ای از عوامل محیطی و فضایی مساعد به عنوان شرایط لازم جهت استقرار شهرها و سکونتگاه‌های روستایی تأثیرگذار شده و فقدان عوامل فوق نیز به عنوان شرایط نامناسب و نامطلوب جهت ادامه و تقویت نظام اسکان عمل نماید. در ذیل به بررسی این عوامل و اثرات هر کدام از آنها در سطح استان پرداخته شده است.

عوامل طبیعی و اکولوژیک

نظام استقرار سکونتگاه‌ها در فضاهای روستایی استان گلستان، طی سال‌های متمادی و به پیروی از شرایط و مقتضیات طبیعی و اکولوژیکی شکل گرفته و موجودیت خود را تاکنون حفظ نموده است.

شرایط اقلیمی، منابع آب (آب‌های سطح‌الارضی و زیرزمینی)، دشت‌های گسترده، با خاک حاصلخیز و مساعد برای کشاورزی از جمله مهمترین عواملی هستند که در پراکنش فضایی آبادی‌ها و سکونتگاه‌های روستایی منطقه مؤثر بوده‌اند. براساس نحوه توزیع عوامل فوق، قلمرو جنوبی استان را تلفیقی از فضاهای کوهستانی و جنگلی دربرگرفته است. این قلمرو به سبب ناهمواری‌ها و ارتفاعات زیاد، محدوده مناسبی برای اسکان جمعیت و فعالیت نبوده و به صورت منطقه ییلاقی دامداران جهت چرای دام و استفاده از هوای مطبوع مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال، تعدادی از آبادی‌های کوچک و پراکنده که در امتداد دره‌ها و کوهپایه‌ها شکل گرفته‌اند، در قلمرو کوهستانی و جنگلی استان مشاهده می‌گردد.

عمده‌ترین کانون های زیستی در قلمرو کوهستانی و جنگلی استان شامل روستای سرکلاته خرابشهر در دهستان چهارکوه، آبادی‌های شاه کوه سفلی، زیارت خاصه‌رود و نوصل در دهستان استرآباد جنوبی، محمدآباد در دهستان استرآباد، مرزبن، فاضل‌آباد و وطن در دهستان خرمارود، فارسیان قانچی در دهستان چشمه‌ساران، باقرآباد در دهستان قلعه میران، قلعه قافته بالا در دهستان قلعه قافه، آبادی‌های اسفرانجان، صفی‌آباد، دوزین در دهستان کوهساران، آبادی فارسیان فرهنگ در دهستان نیل‌کوه می‌باشد. فعالیت‌های اصلی ساکنین این قلمرو عمدتاً دامداری، همراه با زراعت و

باغداری محدود و صنایع دستی و بهره‌برداری از فرآورده‌های جنگلی می‌باشد. فعالیت‌های معدنی نیز در کنار این فعالیت از دیگر زمینه‌های فعالیت و معیشت در فضاهای مرتفع محسوب می‌گردد که در شکل‌گیری برخی از آبادی‌ها نیز مؤثر واقع شده است. به علت کمبود عرصه اشتغال در قلمرو کوهستانی و جنگلی مهاجرت فصلی و دایمی نیروی کار به خارج از قلمرو فوق و کوچ فصلی انسان و دام به بخش‌های پایین‌تر در ماه‌های سرد سال یکی از ویژگی‌های اصلی جمعیت آن است. عموماً روستاهای این قلمرو به لحاظ تسهیلات و تجهیزات زیربنایی جز مناطق تقریباً محروم و یا کاملاً محروم استان بوده و تولیدات آن بیشتر از طریق واسطه‌های مختلف به بازارهای شهری عرضه می‌گردد.

قلمرو میانی استان گلستان (جلگه‌های پایکوهی البرز) از اقلیم نیمه مرطوب و معتدل مدیترانه‌ای برخوردار است. همین امر سبب استقرار آبادی‌ها و سکونتگاه‌های روستایی در سطح وسیعی شده است، به طوری که مراکز اصلی جمعیت و فعالیت (خدماتی، اداری، صنعتی، تولید و بازارهای فعال اقتصادی) در این قسمت متمرکز شده است.

این قلمرو دارای حاصلخیزترین زمین‌های کشاورزی و منابع نسبتاً فراوان آب (زیرزمینی و سطح‌الارضی) می‌باشد. در واقع، کم و کیف این منابع نقش بسیار مهمی در تراکم و تجمع آبادی‌ها در قلمرو میانی استان داشته است.

رودخانه اترک در شهرستان گنبدکاووس و همچنین رودخانه‌های گرگان و قره‌سو در شهرستان گرگان موجب شکل‌گیری آبادی‌های بسیار زیاد در این قلمرو شده است. همچنین، تمرکز آبادی‌ها و سکونتگاه‌های روستایی در مسیر شریان‌های اصلی این رودخانه نیز به کرات بیشتر از دیگر نواحی استان می‌باشد.

قلمرو شمالی استان گلستان دارای اقلیم خشک و نیمه بیابانی می‌باشد. بارندگی کم و توزیع نامناسب مکانی و زمانی بارش و همچنین درجه حرارت بالا سبب شده است تا آبادی‌های این نواحی پراکنده و کم‌تراکم باشند. دیگر عامل بازدارنده سکونت در این بخش از منطقه، وجود استپ‌ها و شنزارهای حاشیه‌ای دریای خزر است که مانع از تمرکز آبادی‌های پرتراکم و همچنین بستر مناسبی برای استقرار جمعیت و فعالیت است. با این حال تعدادی از آبادی‌های کوچک و پراکنده که در امتداد راه‌های فرعی و سرشاخه‌های رودخانه‌های اصلی شکل گرفته‌اند، در این قلمرو مشاهده می‌گردد.

عمده‌ترین کانون‌های روستایی این قلمرو شامل قلعه جیق‌بزرگ در دهستان جعفربای شرقی، تنگلی، اینچه‌برون، داشلی برون و ترشلکی در دهستان اترک، کرند در دهستان کرند و بالاخره نیز آبادی مراوه‌تپه در دهستان مراوه‌تپه است.

عوامل اجتماعی و اقتصادی

تحولات اقتصادی و اجتماعی، یکی دیگر از عوامل مؤثر در شکل‌دهی نظام استقرار سکونتگاه‌ها محسوب می‌گردد. این تحولات از طریق توسعه فعالیت‌های اقتصادی و تمرکز آنها در بخش‌هایی خاص، روند افزایش یا کاهش جمعیت از فضاهای شهری و روستایی را به دنبال می‌آورد. با این رهیافت و طبق بررسی‌های متعدد مشخص می‌گردد که نظام استقرار جمعیت و فعالیت استان گلستان به تبعیت از شرایط طبیعی حاکم بر آن عمدتاً در بخش میانی متمرکز است. در واقع، بخش میانی استان گلستان به پشتوانه برخورداری از بستر مناسب فعالیت کشاورزی و دامداری (به عنوان فعالیت غالب و پایه اقتصادی منطقه) زمینه‌ساز شکل‌گیری کانون‌های جمعیت بوده و فعالیت‌های غیرکشاورزی نیز به منظور پشتیبانی از فعالیت‌های پایه اقتصادی منطقه در بخش میانی متمرکز است.

مهتمرین نمونه‌های بارز اقتصادی و اجتماعی که به تناسب الگوی ارگانیک نظام استقرار فعلی منطقه تداوم و توسعه یافته شامل ساخت و سازه‌های فیزیکی (نظیر احداث کارخانجات، سد، فرودگاه و تجهیز شبکه راه‌های ارتباطی)، تغییر نقش مراکز پایین اداری به مراکز بالاتر، تبدیل نقاط روستایی به نقاط شهری و اخیراً نیز استقلال کشورهای آسیای میانه و برقراری ارتباط مبادله‌ای این منطقه با جمهوری ترکمنستان است.

در قلمروی شمالی استان گلستان متناسب با شرایط اکولوژیکی حاکم بر آن، فعالیت دامداری به عنوان غالبترین فعالیت رواج دارد. وجود پوشش‌های مرتعی، شرایط مناسبی را برای شکل‌گیری اقتصاد مبتنی بر دام فراهم ساخته است. همچنین وجود کانسارهای معدنی نیز در بخش‌هایی از این حوزه (به ویژه در دهستان اترک از شهرستان گنبد کاووس) زمینه اشتغال را در رابطه با بهره‌برداری از معادن فوق به وجود آورده است. در هر حال، نوع و قالب نظام استقرار این قلمرو از استان گلستان به صورت پراکنده و کم‌تراکم است.

در قلمرو جنوبی استان گلستان به دلیل ارتفاعات زیاد و پوشش جنگلی وسیع، الگوی زیست جنگل‌نشینی رواج دارد. زمینه اصلی فعالیت در این قلمرو، دامداری عشایری (پرورش گاو، گوسفند و شتر) و فعالیت‌های پراکنده و موردی در زمینه زراعت محدود آبی و بهره‌برداری از باغات و اشتغال در تعداد معدودی معدن در دهستان چشمه‌ساران (آبادی قشلاق) در شهرستان گنبدکاووس و دهستان قراولان (آبادی دارآباد) در شهرستان مینودشت است. نظام اسکان جمعیت و فعالیت در این قلمرو نیز به صورت پراکنده و در دل جنگل می‌باشد (شکل ۱۹).

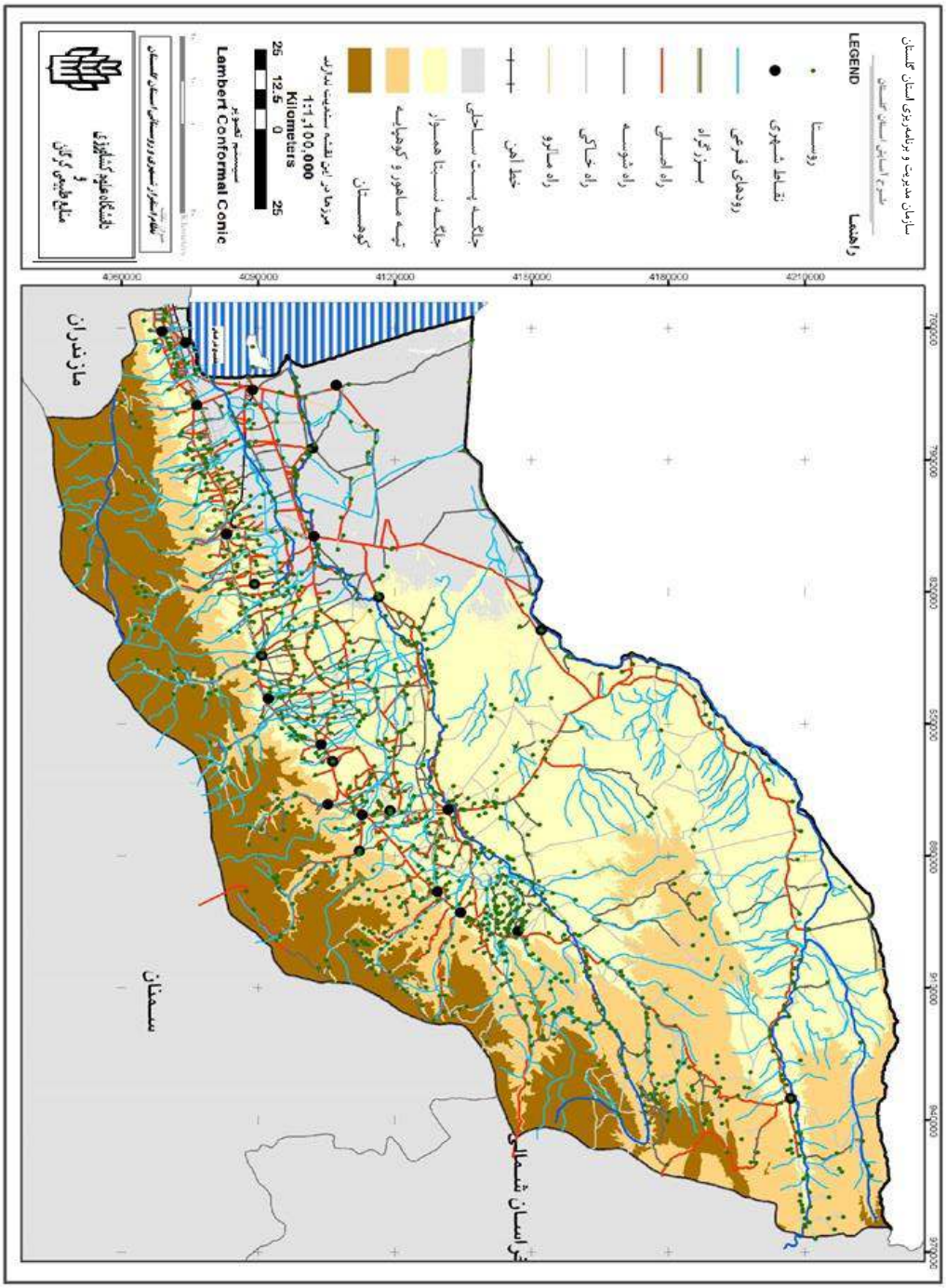

شکل ۱۹. نظام استقرار شهری و روستایی استان گلستان

۱-۲-۳-۴: تحلیل مناطق کارکردی روستایی

فضاهای روستایی استان گلستان از ویژگی‌ها و وضعیت یکسانی برخوردار نیستند و به ویژه از نظر نظام استقرار و قابلیت‌های توسعه شرایط متفاوتی دارند. به همین جهت ساماندهی این فضاها، مبتنی بر راهبردهای متمایزی است. از دیدگاه راهبردهای ساماندهی فضاهای روستایی، تراکم و پراکندگی، مشخصه‌های بااهمیت و تعیین‌کننده تلقی می‌شوند.

تراکم جمعیت روستایی به استناد نتایج سرشماری ۱۳۹۰ در دهستان‌های استان گلستان از قریب ۲۶۰ نفر در کیلومترمربع تا حدود ۶ نفر در کیلومترمربع در نوسان است. دهستان‌های فجر و سلطانعلی (در شهرستان گنبدکاوس) و کتول (در شهرستان علی آباد) نمونه‌های بارزی از فضاهای روستایی پرجمعیت است که مجموع جمعیت آبادی در این سه دهستان، بیش از هزار و دویست نفر است.

دهستان‌های بنفشه تپه (در شهرستان بندرگز) و خرمارود جنوبی (در شهرستان آزاد شهر) نیز نمونه‌ای از فضاهای روستایی کم‌جمعیت است که قلمرویی حاشیه‌ای در استان است.

در برخی از دهستان‌ها گرچه تراکم جمعیت بسیار کم است، ولی متوسط جمعیت روستایی، نسبتاً بالاست. در حالی که در برخی از دهستان‌ها، هم تراکم جمعیت و هم متوسط جمعیت روستایی قلیل است.

در دهستان‌هایی که جمعیت و آبادی‌ها بالنسبه متراکم است، به دلیل فاصله نزدیک آبادی‌ها، ساماندهی سلسله مراتبی آبادی‌ها برای خدمات‌رسانی به مراتب کارآمدتر از دهستان‌هایی است که از جمعیت و آبادی‌های کوچک و پراکنده برخوردارند و فضاهای روستایی کم‌تراکم است.

فضاهای روستایی حاشیه شهرها نیز، وضعیتی کمابیش متفاوت با سایر فضاهای روستایی داشته و بدون واسطه مرکزیت‌های روستایی، می‌توانند از خدمات سطح بالاتر کانون شهری برخوردار شوند. بدین ترتیب سلسله مراتب خدمات‌رسانی در این فضاها، دو سطحی است.

سرانجام یکی از ضرورت‌های اساسی در طبقه‌بندی فضاهای روستایی، تعیین فضاهایی است که برای توسعه یکپارچه می‌باید، مکانیابی شوند. این فضاها یا به دلیل قابلیت‌های ویژه و یا به پشتوانه امکانات بالقوه‌ای خود، برای توسعه یکپارچه اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی، مستعد بوده و نباید در این فضاها، فرآیند برنامه‌ریزی محدود به توسعه فیزیکی و ساماندهی خدمات باشد. از سوی دیگر برخی از فضاها نیز به دلیل محدودیت‌ها و قلت امکانات، فاقد توانایی لازم برای نگه داشت جمعیت بوده و روند کنونی به دلایل سیاسی، اجتماعی و ... به مصلحت نیست. تمهیدات مناسب و توسعه القایی، موجبات تحولی مطلوب را میسر ساخت.

براین اساس به اقتضای راهبردهای توسعه، چهار تیپ فضای روستایی در استان، قابل تمایز است.

۱-۲-۳-۴-۱: فضاهای روستایی حاشیه شهرها (حوزه نفوذ شهری)

استان گلستان مجموعاً از ۲۷ شهر تشکیل شده و فضاهای روستایی پرتراکم نیز عمدتاً پیرامون این کانون‌های شهری شکل گرفته است. به ویژه شهرهای اصلی استان که جملگی مرکزیت شهرستان‌های استان بوده و مشتمل بر شهرهای گرگان، گنبدکاووس، علی‌آباد، مینودشت، بندر ترکمن و کردکوی است.

شهرهای استان گلستان عمدتاً بر گستره جلگه‌های پایکوهی و دشت‌ها (حدفاصل استپ‌های شنزار شمالی و کوهپایه‌های جنوبی) استقرار یافته و از محورهای مناسب و تجهیز شده‌ای نیز برخوردارند. در این قلمرو از منطقه شرایط مناسبی جهت ایجاد و شکل‌گیری مراکز متوسط و کوچک شهری - روستایی در پیرامون شهرهای اصلی به وجود آمده و تمرکز در اطراف این شهرها بارزتر، پرتراکم‌تر و شامل آبادی‌ها و روستا - شهرهای مهم و نسبتاً پرجمعیت است. در حاشیه سایر شهرهای بزرگ و مهم و یا مراکز شهرستان‌های استان، تمرکز آبادی‌ها و روستا - شهرها تا حدودی به صورت پراکنده و کم‌تراکم است. اما رویهم رفته، فضاهای استقرار جمعیت در سطح استان، جلوه‌ای روستا - شهری داشته و مشتمل بر مجموعه‌ای از کانون‌های شهری - روستایی است.

شهرهای گرگان و گنبدکاووس به ترتیب اهمیت جز شهرهای بزرگ و پرجمعیت استان محسوب گردیده، و حوزه نفوذ عملکردی این شهرها با وسعت محدوده شهرستان‌های فوق برابر و حتی بیشتر است. همچنین انبوهی از روستاها و روستا - شهرهای مهم نیز در حول این شهرها شکل گرفته‌اند.

به جزء مراکز شهرستان‌ها و برخی از شهرهای متوسط و نسبتاً پرجمعیت نظیر علی‌آباد، بندرترکمن، کردکوی آزادشهر و آق‌قلا، سایر شهرهای استان گلستان از جمعیت بالنسبه کمتر و حتی زیر سی هزار نفر برخوردار است که به دلیل نزدیکی با شهرهای اصلی منطقه و عدم تجهیز مطلوب این فضاها، عمدتاً فاقد حوزه نفوذ قابل ملاحظه‌ای بوده، ولی پیش‌بینی شده که این گونه کانون‌ها در آینده‌ای نه چندان دور، مرکزیت مناسبی را برای تشکیل فضاهای متراکم روستایی در اطراف خود به وجود آورند. مطابق نقشه پیوست، اکثر آبادی‌های پیرامون کانون‌های شهری استان گلستان صورت برخورداری از دسترسی مناسب می‌توانند بدون واسطه مراکز روستایی برتر در پوشش خدمات شهری قرار گیرند و خدمات سطح بالاتری را از شهرهای بزرگ استان دریافت کنند (شکل ۶).

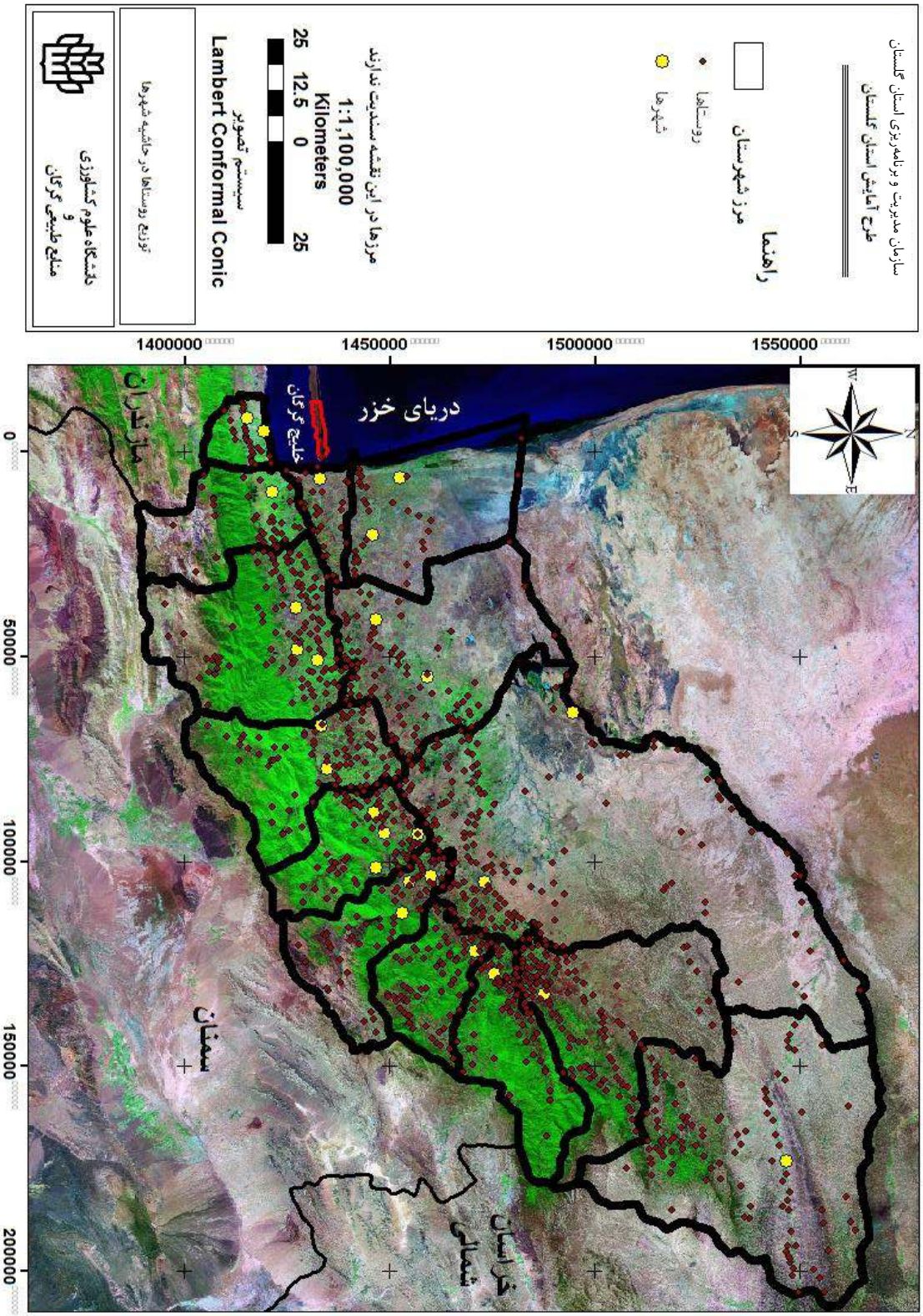

شکل ۲۰. استقرار فضاهای روستایی در حاشیه شهرها

۱-۲-۳-۴-۲: فضاهای روستایی متراکم (دشت‌ها و دره‌های آباد)

آب و خاک مناسب موجود در استان باعث شده آبادی‌ها و فضاهای روستایی متراکمی شکل بگیرند. تأسیسات زیربنایی مناسب در کنار کانون‌های شهری پرجمعیت و مکان‌های متراکم نشان‌دهنده شرایط طبیعی و اقلیمی مساعد (منابع آب فراوان و دشت‌های حاصلخیز) در قسمت میانی استان است.

یکی از ویژگی‌های بارز فضاهای روستایی متراکم در هر منطقه‌ای، تراکم بالای جمعیت ساکن و استقرار آبادی‌ها است. برای تشخیص این نوع فضاها از روش ارزیابی شاخص‌های تراکم آبادی و تراکم جمعیتی در دهستان‌ها استفاده می‌شود. طبق نتایج حاصله بین ویژگی و پتانسیل‌های محیطی، در قلمرو میانی و شاخص‌های تراکم آبادی و جمعیت همبستگی بسیار بالایی به چشم می‌خورد.

فضاهای متراکم روستایی استان گلستان در قسمت میانی (ناحیه جلگه) و در حاشیه شهرهای اصلی و پرجمعیت واقع شده است که به تفکیک شهرستان عبارتند از:

شهرستان کلاله: دهستان‌های آق سو، کنگور.

شهرستان مینودشت: دهستان‌های سرگل، گرو و چهل چای.

شهرستان آزادشهر: دهستان‌های خرمارود شمالی، نظام آباد.

شهرستان رامیان: دهستان‌های فندرسک شمالی، دلند، فندرسک جنوبی.

شهرستان علی آباد: دهستان‌های شیرنگ علیا، کتول.

شهرستان گرگان: قرق، روشن آباد، انجیرآب، استرآباد شمالی.

شهرستان آق‌قلا: دهستان‌های شیخ موسی، گرگان بوی، آق التین.

شهرستان بندرگز: دهستان‌های انزان شرقی، انزان غربی، لیوان.

شهرستان بندر ترکمن: دهستان‌های قره سو غربی و قره سو شرقی.

شهرستان کردکوی: دهستان‌های سدن رستاق غربی، سدن رستاق شرقی.

شهرستان گنبد: دهستان‌های سلطانعلی، باغلی ماراما، فجر.

شهرستان گالیکش: دهستان ینقاق.

شهرستان گمیشان: دهستان‌های جعفربای غربی، قزل آلان.

جدول ۱۷ و شکل ۲۱ بیانگر فضاهای روستایی متراکم در استان است.

جدول ۱۷. فضاهای روستایی متراکم (تراکم‌های خیلی‌زیاد و زیاد)

شهرستان	بخش	دهستان	جمعیت	مساحت (کیلومترمربع)	تراکم (نفر در کیلومتر مربع)
مینودشت	کوهسارات	سرگل	4664	64.50	72.30
بندرگز	مرکزی	انزان غربی	5837	78.56	74.29
مینودشت	مرکزی	چهل چای	26392	331.10	79.70
مینودشت	کوهسارات	گرو	11081	135.06	82.04
گنبدکاوس	مرکزی	باغی ماراما	34077	398.61	85.48
کردکوی	مرکزی	سدن رستاق غربی	10862	124.47	87.26
گنبدکاووس	مرکزی	سلطانعلی	38638	440.25	87.76
آق قلا	مرکزی	شیخ موسی	14515	160.89	90.21
ترکمن	سیجوال	قره سو شرقی	5167	55.79	92.59
رامیان	مرکزی	دلند	25660	252.89	101.46
آق قلا	مرکزی	گرگان بوی	27343	263.54	103.75
کلاله	مرکزی	آق سو	17342	165.00	105.10
بندرگز	مرکزی	انزان شرقی	7258	66.04	109.89
گمیشان	مرکزی	جعفربای غربی	11382	103.52	109.94
گرگان	مرکزی	روشن آباد	25840	232.44	111.16
گرگان	بهاران	قرق	24139	213.67	112.97
رامیان	فندرسک	فندرسک شمالی	7525	64.46	116.72
رامیان	فندرسک	فندرسک جنوبی	17858	150.45	118.69
علی آباد	کمالان	شیرنگ	12927	97.08	133.14
گمیشان	گلدشت	قزل آلان	9348	67.46	138.55
بندرگز	نوکنده	لیوان	5304	37.49	141.44
گرگان	بهاران	استرآباد شمالی	17680	114.07	154.98
آزادشهر	مرکزی	خرمارود شمالی	13016	79.22	164.28
گرگان	مرکزی	انجیراب	27955	168.84	165.56
گالیکش	مرکزی	ینقاق	20215	119.58	169.05
کلاله	مرکزی	کنگور	22371	132.27	169.12
آزادشهر	مرکزی	نظام آباد	15883	93.23	170.34
کردکوی	مرکزی	سدن رستاق شرقی	15609	91.33	170.89
علی آباد	مرکزی	کتول	35873	205.67	174.42
آق قلا	مرکزی	اق التین	21460	102.55	209.25
ترکمن	سیجوال	قره سو غربی	7266	28.19	257.72
گنبدکاوس	مرکزی	فجر	50678	192.55	263.19

مأخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۹۰.

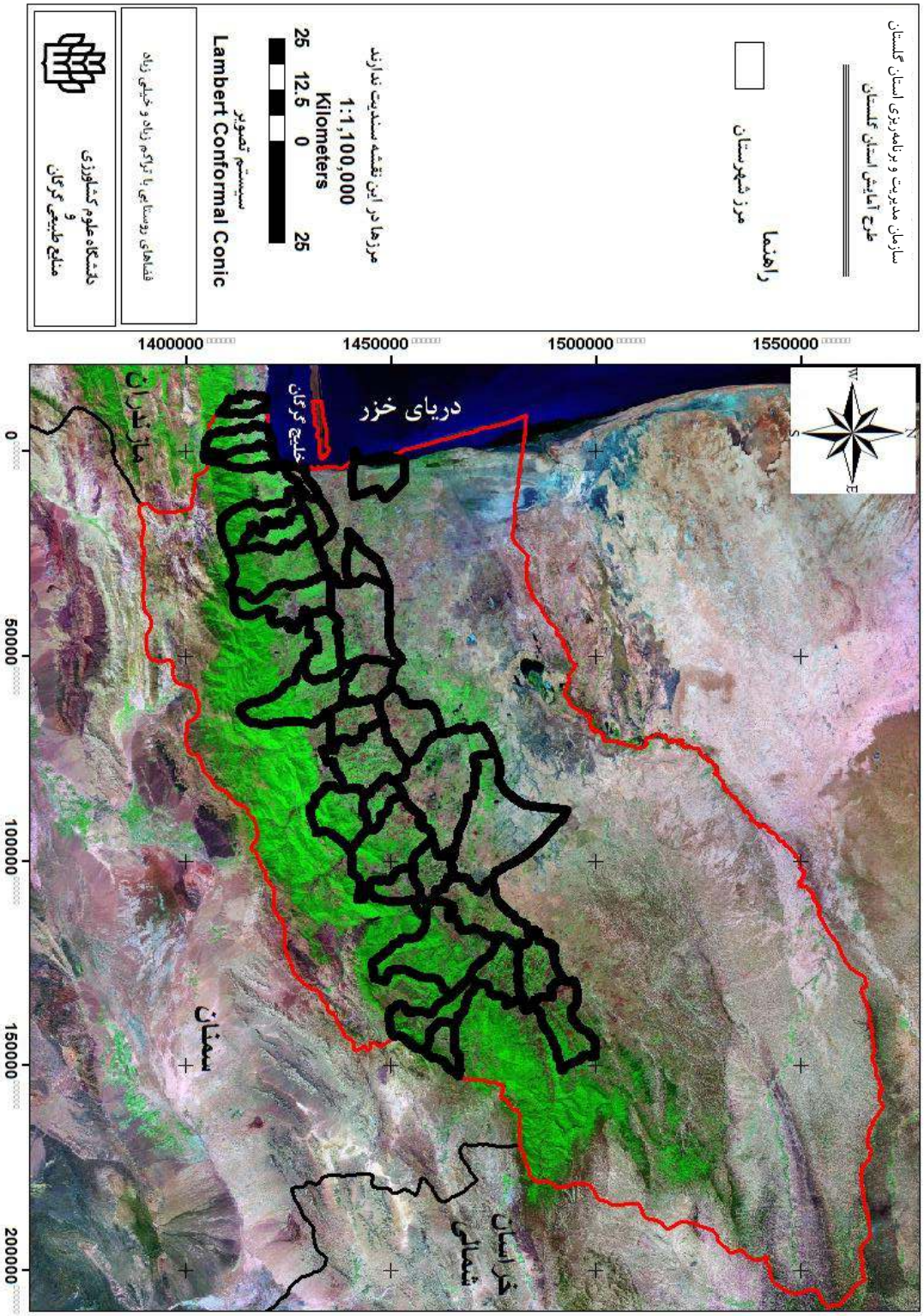

شکل ۲۱. فضاهای روستایی با تراکم زیاد و خیلی زیاد

۱-۲-۳-۴-۳: فضاهای روستایی پراکنده و کم‌تراکم

در گستره‌های شمالی استان به دلیل وجود اراضی شور، محدودیت آب و خاک و اقلیم نیمه خشک و خشک و (وجود استپ‌ها و شنزارها) چون بهره‌برداری از منابع بسیار اندک است، جمعیت چندانی استقرار نیافته و تعداد آبادی‌ها بسیار کم و پراکنده است.

در گستره‌های کوهستانی و کوهپایه‌ای جنوب استان به لحاظ شرایط اقلیمی سرد، اراضی سنگلاخی و ناهموار، دامنه‌های پرشیب و اراضی جنگلی و مرتعی، ضعف شبکه‌های ارتباطی و زیربنایی و عدم استقرار فعالیت‌های تولیدی را حاصل شده و به همان نسبت هم فاصله نسبتاً زیاد آبادی‌ها از یکدیگر، روستاها را به صورت پراکنده و کم‌تراکم شکل داده است.

فضاهای پراکنده و کم‌تراکم روستایی استان گلستان به تفکیک شهرستان عبارتند از:

شهرستان کلاله: دهستان‌های تمران، زاوه کوه و عرب داغ.

شهرستان مینودشت: دهستان قلعه قافه.

شهرستان آزادشهر: دهستان‌های چشمه ساران، خرمارود جنوبی.

شهرستان رامیان: دهستان قلعه میران.

شهرستان علی آباد: دهستان‌های استرآباد، زرین گل.

شهرستان گرگان: دهستان استرآباد جنوبی.

شهرستان آق‌قلا: دهستان‌های مزرعه شمالی، مزرعه جنوبی.

شهرستان بندرگز: دهستان بنفشه تپه.

شهرستان بندر ترکمن: دهستان‌های جعفربای غربی و فراغی.

شهرستان کردکوی: دهستان چهارکوه.

شهرستان گنبد: دهستان‌های اترک، کرند و آق آباد.

شهرستان گالیکش: دهستان‌های نیلکوه، قراولان و گلستان.

شهرستان گمیشان: دهستان‌های جعفربای غربی، نفتلیجه.

شهرستان مراوه‌تپه: دهستان‌های مراوه‌تپه، گلی‌داغ، پالیزان و گلی داغ.

جدول ۱۸ و شکل ۲۲ نشان‌دهنده فضاهای روستایی پراکنده و کم‌تراکم در استان است.

جدول ۱۸. فضاهای روستایی پراکنده و کم‌تراکم

شهرستان	بخش	دهستان	جمعیت (نفر)	مساحت (کیلومترمربع)	تراکم (نفر در کیلومترمربع)
آزادشهر	چشمه ساران	خرمارود جنوبی	2584	505.36	5.11
گمیشان	مرکزی	نفتلیجه	3517	667.85	2.26
گنبدکاووس	داشلی برون	اترک	13405	2495.96	5.37
مراوه تپه	مرکزی	مراوه تپه	12212	1523.46	8.01
کردکوی	مرکزی	چهارکوه	5527	605.45	9.12
گنبدکاووس	داشلی برون	کرند	8511	923.36	9.21
رامیان	مرکزی	قلعه میران	3019	305.62	9.87
گالیکش	لوه	گلستان	3930	374.75	10.48
مراوه تپه	مرکزی	پالیزان	8284	707.31	11.71
گمیشان	گلدشت	جعفربای شرقی	6013	427.35	14.07
آق قلا	وشمگیر	مزرعه جنوبی	7008	439.57	15.94
گالیکش	مرکزی	نیلکوه	3317	202.61	16.37
آق قلا	وشمگیر	مزرعه شمالی	15693	811.08	19.34
علی آباد	کمالان	استرآباد	9820	483.50	20.30
مراوه تپه	گلی داغ	شلمی	11776	523.36	22.50
کلاله	مرکزی	تمران	16400	695.12	23.59
گرگان	مرکزی	استرآباد جنوبی	22864	888.76	25.78
علی آباد	مرکزی	زرین گل	9785	366.33	26.71
کلاله	پیشکمر	زاوکوه	11765	435.64	27.00
مراوه تپه	گلی داغ	گلی داغ	15643	472.85	33.08
مینودشت	مرکزی	قلعه قافه	5028	138.53	36.29
بندرگز	نوکنده	بنفشه تپه	2027	55.00	36.84
کلاله	پیشکمر	عرب داغ	14644	330.86	44.25
ترکمن	مرکزی	جعفربای جنوبی	6396	141.17	45.30
آزادشهر	چشمه ساران	چشمه ساران	9908	197.84	50.08
گالیکش	لوه	قراوالان	11682	217.67	53.66
گنبدکاووس	مرکزی	آق آباد	32907	610.66	53.88
ترکمن	مرکزی	فراغی	5238	77.63	67.47

مأخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۹۰.

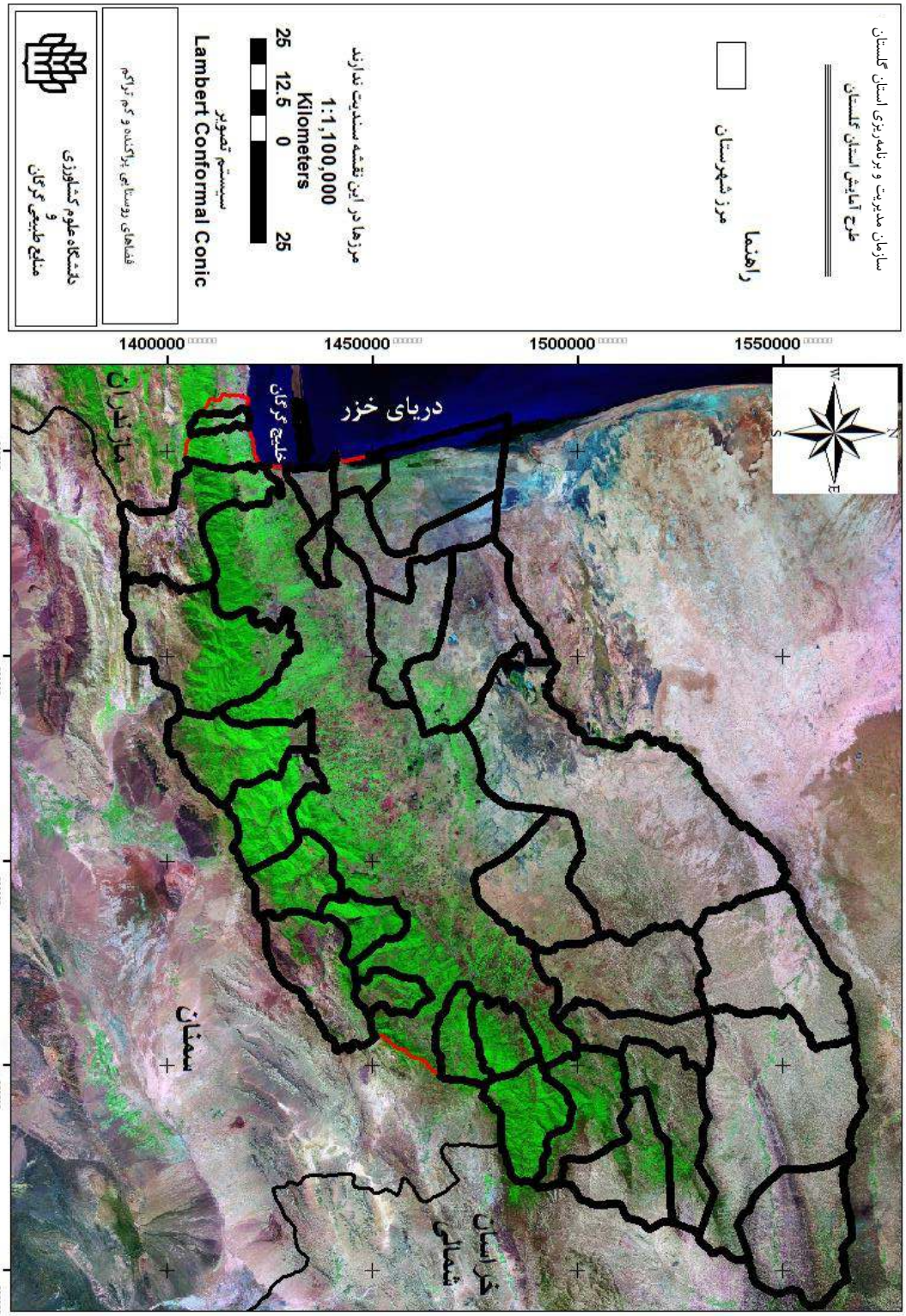

شکل ۲۲. فضاهای روستایی پراکنده و کم‌تراکم

۱-۲-۳-۴-۴: فضاهای روستایی مستعد برای توسعه یکپارچه

شک نیست که حیات اجتماعی از کلیتی یکپارچه برخوردار است، و تحول هر بعد از آن، مستلزم تغییر و دگرگونی در سایر ابعاد است. توسعه یکپارچه، راهبردی است که نه تنها به تمامی جنبه‌های توسعه روستایی توجه داشته، بلکه در پی دگرگونی ساختاری محیط روستایی است.

در شرایط کنونی، اکثر فضاهای روستایی، جایگاه فعالیت‌های سنتی بوده، ولی این فعالیت‌ها نقش چندانی در اشتغالزایی ندارند و سبب نگهداشت جمعیت در محیط روستایی نمی‌شوند. به همین خاطر برای تأمین اشتغال و نگهداشت جمعیت روستایی باید با توجه به توانها و قابلیت‌های بالقوه فضاهای روستایی، توسعه بخشهای صنعتی و خدماتی نیز، مطمح نظر قرار گیرد. شایان ذکر است که تحقق این امر در گرو تمرکز نسبی جمعیت و فعالیت و تجهیز مناسب کارکردها در فضاهای روستایی است.

فضاهای روستایی مستعد برای توسعه یکپارچه در استان گلستان، مشتمل بر قلمرو شمالی و نواحی مرکزی شهرستان گرگان به لحاظ قابلیت‌های مناسب طبیعی و اراضی حاصلخیز جهت کشت محصولات زراعی و همچنین نواحی جنوبی همین شهرستان به لحاظ قابلیت‌های طبیعی و توریستی است. نواحی مرکزی و شمال‌شرق شهرستان کردکوی نیز به دلیل منابع انسانی و طبیعی، قسمت جنوبی شهرستان بندر ترکمن به لحاظ قابلیت‌های مناسب بندری و توریستی، قلمرو جنوب‌غربی شهرستان گنبدکاووس به لحاظ معادن غنی زغال‌سنگ و بوکسیت به علاوه نواحی غربی، مرکزی و شمال‌شرق همین شهرستان از نظر دارا بودن منابع طبیعی و انسانی، یکپارچه محسوب می‌شوند. با این رهیافت، در صورت تجهیز و بهره‌برداری مناسب از منابع و استقرار فعالیت‌های نوین اقتصادی، این فضاها از رشد و توسعه مطلوبی برخوردار خواهند شد.

۱-۲-۳-۵: تحلیل زیست‌بوم‌ها و مناطق اسکان و قلمروهای کوچ عشایر

براساس اسناد موجود در اداره کل امور عشایری استان گلستان، قلمرو تحت پوشش آن ابتدا به ۳ زیست‌بوم به نامهای آجی‌سو (آق‌تقه)، یکه‌چنار و آی‌تمر تقسیم شده است. زیست‌بوم آجی‌سو در حوزه شمال اترک و زیست‌بوم‌های یکه‌چنار (در محدوده شهرستان کلاله) و آی‌تمر (در محدوده شهرستان گنبدکاووس) در حوزه جنوب رودخانه اترک واقع شده است. اما نظر به اینکه زیست‌بوم‌های مذکور فقط عرصه‌های قشلاقی عشایر کوچنده را دربرگرفته و مراتع میان‌بند و ییلاقی آنها را در استان خراسان شامل نمی‌شد و چون این امر با تعریف زیست‌بوم به مفهوم آنچه که از سوی سازمان عشایری کشور ارائه شده بود، سنخیت لازم را نداشت لذا با هماهنگی ادارات کل عشایری دو استان (گلستان و خراسان) محدوده زیست‌بوم تقسیم گردیده است. به نحوی که زیست‌بوم آجی‌سو به نام «کرد اترک شمالی» تغییر نام یافته و محدوده دو زیست‌بوم یکه‌چنار و آی‌تمر با هم ادغام و تحت عنوان «زیست‌بوم کرد اترک جنوبی» نامگذاری شده است.

شایان ذکر است براساس این تقسیمات قلمرو زیست‌بوم کرد اترک شمالی در محدوده استان گلستان به چهار سامانه عشایری (به نام‌های قری‌ملا، قاپلانگ‌دره، وحدت و پاشایولی) و ۱۷ سامانه

عرفی و قلمرو زیست‌بوم کرد اترک جنوبی به ۳ سامانه عشایری (به نام‌های بهارمیدان، اسماعیلک، گینگ‌جای و چوپانجق) و ۳۰ سامانه عرفی تفکیک شده است.

نکته در خور توجه در خصوص تغییرات به وجود آمده آن است که هرچند کاهش تعداد زیست‌بوم‌ها به سبب انطباق محدوده‌های آنها با مرزهای طبیعی (خط‌الرأس حوزه آبگیر اترک در شمال و جنوب) به یکپارچگی واحدهای مذکور کمک می‌کند، لیکن با توجه به اینکه محدوده آنها فقط قلمرو قشلاقی عشایر کوچنده را دربرمی‌گیرد، اساساً نمی‌تواند، جامعیت تعریف زیست‌بوم را دربرداشته و معضل جدایی عناصر درونی آن را (سازماندهی عرصه‌های قشلاقی، ییلاقی و میانبند را در قالب یک سیستم یکپارچه) رفع نماید. به نظر می‌رسد قصد مسئولین امر از این تغییرات بیش از آنکه رفع معضل فوق‌الذکر باشد، تغییر نام زیست‌بوم‌ها از بعد سیاسی - اداری بوده است تا بتوانند از طریق تأکید بر عنوان «کرد اترک شمالی و جنوبی» اولاً حیطه وظایف خدماتی خود را منحصراً به عشایر کوچند کرد معطوف نمایند، ثانیاً با حذب نام‌های بومی (آجی‌سوف یکه‌چنار و آی‌تمر) بر مالکیت کردها بر مراتع منطقه (که با مالکیت نیمه کوچندگان تعارض دارد) رسمیت بیشتری ببخشند.

شایان ذکر است زیست‌بوم‌های مذکور فقط قلمرو زیستی عشایر را در حوزه رودخانه اترک پوشش می‌دهد، در حالی که در دامنه جنوبی کوه‌های گوگجه و تپه ماهورهای منتهی به جلگه گرگان که بخشی از حوزه آبگیر گرگانرود را شامل می‌شود، نیز مراتع وسیعی وجود دارد که هر ساله محل پذیرای دام‌های نیمه کوچندگان روستاهای حاشیه آن و رمه‌گردانان بخش جنوبی و استان سمنان می‌باشد. بنابراین در بررسی حاضر این محدوده نیز به عنوان یک زیست‌بوم مستقل در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب کل منطقه مورد مطالعه به ۳ زیست‌بوم شامل (۱): زیست‌بوم کرد اترک شمالی، (۲): زیست‌بوم کرد اترک جنوبی و (۳): زیست‌بوم بخش هفت (دره ماسان) تقسیم می‌گردد (جدول‌های ۱۹ و ۲۰).

جدول ۱۹. مشخصات زیست‌بوم‌های عشایری استان گلستان در سال ۱۳۸۲

نام زیست‌بوم	مساحت (هکتار)	الگوی زیستی غالب	جامعه عشایری	تعداد خانوار بهره‌بردار	تعداد دام (رأس)
کرد اترک شمالی	۱۴۶۰۰۰	کوچندگی محض، نیمه کوچندگی	کرد - ترکمن	۷۳۰	۳۰۱۵۶۸
کرد اترک جنوبی	۲۳۵۵۰۰	کوچندگی محض، نیمه کوچندگی، رمه‌گردانی	کرد - ترکمن	۱۳۴۵	۴۴۷۱۹۹
بخش ۷ (ماسان)	۱۰۰۶۱۷	نیمه کوچندگی، رمه‌گردانی	ترکمن - سمنانی	۶۵۸	۲۲۱۰۷۷

ماخذ: سرشماری عشایر کوچنده، ۱۳۸۲

جدول ۲۰. مقایسه سهم جمعیت و خانوارهای عشایری استان گلستان با کل کشور

شرح	تعداد خانوار		جمعیت					
	ییلاقی	قشلاقی	ییلاقی			قشلاقی		
			مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
کل کشور	۲۱۲,۶۶۰	۲۱۲,۶۶۰	۱,۱۸۶,۸۳۰	۶۰۹,۳۴۷	۵۷۷,۴۸۳	۱,۱۸۶,۸۳۰	۶۰۹,۳۴۷	۵۷۷,۴۸۳
گلستان	۱,۵۵۲	۳,۵۳۰	۹,۶۹۶	۴,۸۷۵	۴,۸۲۱	۲۰,۶۸۷	۱۰,۵۰۳	۱۰,۱۸۴
سهم‌استان	۰/۷۳	۱/۶۶	۰/۸۱۷	۰/۸	۰/۸۳۵	۱/۷۴۳	۱/۷۲۴	۱/۷۶۴

منبع: سرشماری عشایر کوچنده ۱۳۸۷

مطالعات انجام شده مشخص کرده است نزدیک به ۱۵۰۰ خانوار دامدار ترکمن در محدوده دهستان‌های مراوه‌تپه، کرند و اترک اقدام به کوچ با فاصله کوتاه می‌کنند و درون کوچ هستند. همچنین، الگوی رمه‌گردانی در میان آن دسته از خانوارهایی که اقتصاد آنها هنوز به فعالیت‌های دامداری متکی است، رواج دارد و بدین گونه روزگار می‌گذرانند. این گروه نیز در کنار سایر گروه‌های کوچنده و نیمه‌کوچنده خواهان حفظ مالکیت یورت‌های (مراتع) خود بوده و در فرآیند اجرای طرح‌های تنسیق مراتع توسط دستگاه‌های دولتی ذی‌ربط خواستار رعایت حریم سامان عرفی خود هستند. به‌طور کلی کوچ عشایر ترکمن در فواصل کوتاه و در درون مرزهای استان انجام می‌شود.

عشایر کرد، جامعه کوچنده برون استانی منطقه اترک را تشکیل می‌دهند. عشایر مذکور هر ساله با آغاز فصل سرد در خراسان شمالی، وارد منطقه مراوه‌تپه شده و مدت شش ماه از سال را در آن اتراق می‌نمایند. این کوچندگان از ارتفاعات شاه‌جهان، هزارمسجد و آلاداغ در استان‌های خراسان شمالی و رضوی به سمت مراتع قشلاقی ترکمن صحرا روانه شده و تا اوایل فروردین ماه در آنجا اتراق می‌کنند. این عشایر برون کوچ می‌باشند.

افزون بر این، عشایر و دامداران بخش جنوبی استان گلستان و شمال استان سمنان در درون استان و بین دو استان رمه‌گردانی دارند.

در راستای هماهنگی با سیاست‌های کلان برنامه‌های توسعه کشور و نیز لزوم توجه به جامعه عشایری و ضرورت تعمیم عدالت اجتماعی میان آنها، در استان گلستان نیز تدوین برنامه‌های ساماندهی کوچ و برنامه‌ریزی اسکان اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. این مهم قبل از هر چیز مستلزم شناخت گرایشات و ویژگی‌های جوامع مورد نظر می‌باشد که از دو جامعه کوچنده ونیمه کوچنده ورمه‌گردان تشکیل شده است.

- جامعه کوچنده

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در مجموع تمایل به اسکان در منطقه قشلاقی (استان گلستان) به مراتب بسیار کمتر از مناطق ییلاقی و میان‌بند می‌باشد. عوامل متعددی در تمایل بیشتر آنان به منطقه ییلاقی وجود دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- قدمت بیشتر استقرار در منطقه ییلاقی (از زمان صفویه) و همگنی فرهنگی- مذهبی بیشتر با ساکنان شمال خراسان در مقابل سابقه استقرار کمتر و تعارضات اجتماعی- فرهنگی ناشی از تفاوت قومی- مذهبی در منطقه قشلاق
- دارا بودن محدوده ایلی و مراتع مشخص در منطقه ییلاقی برای هر یک از طوایف مستقل
- داشتن زمین‌های زراعی و باغات و آب فراوان در ییلاق و محدودیت‌های آن در قشلاق
- داشتن خانه مسکونی برخی عشایر در نقاط شهری و روستایی منطقه ییلاقی
- سکونت خویشاوندان و فامیل در نقاط روستایی و شهری منطقه ییلاقی و میان‌بند
- تعلق خاطر بیش‌تر به کوه در منطقه ییلاقی و نیز به واسطه قرار گرفتن محل دفن اموات در آنجا
- گرمای بسیار شدید تابستان در قشلاق و عدم سازگاری دام عشایر کوچنده با چنین شرایط محیطی که باعث افزایش تلفات دام آنان می‌شود.

البته، صرف نظر از عوامل فوق که باعث گرایش عشایر کوچنده به اسکان در قلمروهای ییلاقی می‌شود، برخی عوامل بازدارنده نیز وجود دارد که از علاقه‌مندی آن‌ها به ییلاق می‌کاهد. از جمله:

- نداشتن مرتع در منطقه ییلاقی برای برخی از عشایر کرد که آنها را ملزم به استفاده از مراتع استیجاری می‌نماید و چون قراردادها یک ساله بسته می‌شود، همواره موجب نگرانی آنها می‌گردد. اما وجود مراتع ممیزی در قشلاق انگیزه آنها را برای ماندن در آنجا افزایش می‌دهد.
- کوتاه بودن زمان استقرار در ییلاق به واسطه سرمای زودرس کوهستان سبب می‌شود که آنها بخشی از سال از پس چر مزارع یکجانشین استفاده نمایند که گاهی به گسترش دامنه اختلاف آنان با جامعه ساکن منجر می‌شود.

- جامعهٔ نیمه‌کوچنده و رمه‌گردان

نظر به این که مسأله اسکان سال‌ها پیش برای جوامع نیمه کوچنده و رمه‌گردان حل شده است، لذا بر خلاف جامعه کوچنده گرایشات آنها را بایستی در موضوعات دیگری جستجو کرد. بررسی روند تحولات جوامع نیمه‌کوچنده و رمه‌گردان حاکی از گرایش آنها به تغییر سیستم دامداری است. این تغییرات به دو صورت قابل مشاهده است:

- گروهی از جوامع مذکور با فروش دام‌های کوچک و خرید گاوهای اصیل و دورگ به ایجاد گاو داری‌های صنعتی و نیمه صنعتی مبادرت می‌ورزند.
- گروهی نیز با ایجاد تأسیسات پرواربندی ضمن پروار دام آن را با نظام چوبداری سنتی تلفیق کرده‌اند. به لحاظ قشربندی اجتماعی گروه نخست را دامدارانی تشکیل می‌دهند که علاوه بر گله‌های بزرگ (بیش از ۵۰۰ رأس)، دارای زمین زراعی زیادی نیز می‌باشند. اما گروه دوم به دامداران خرده‌پایی مربوط می‌شود که از خانواده چوپان‌های سابق برخاسته‌اند. مهم‌ترین عوامل موثر در پیدایش گرایش مذکور عبارتند از:

* بعد مسافت محل سکونت رمه‌گردانان استان سمنان و دامداران ساکن در روستاهای جلگه گرگان از مراتع شمال گنبد که به سبب تحت کشت بودن اراضی مسیر حرکت (در اواخر اسفند) به ناچار دام‌های خود را با کامیون جابه‌جا می‌کنند و در نتیجه به افزایش هزینه می‌انجامد.
* گرمای زود رس منطقه (اواخر فروردین) و خشکسالی‌های ممتد در برخی سال‌ها علاوه بر تلفات دامی، لزوم تأمین آب شرب دام و خرید پس چر مزارع را مطرح و هزینه مضاعفی را بر دامداران متحمل می‌سازد.
* کشمکش‌های بین دامداران و زارعین به واسطه چراندن و لگدمال کردن مزارع به ویژه توسط دامدارانی که فاقد زمین زراعی در روستا هستند.
* تأثیرپذیری دامداران روستایی از فرهنگ شهرنشینان به واسطه تعاملات بیشتر که خود حاصل نزدیکی فاصله محل سکونت آن‌ها است.
* سیاست‌های حمایتی دولت از تغییر سیستم دامداری سنتی به صنعتی از طریق اعطای وام و تسهیلات دیگر.

بررسی‌های انجام شده حاکی از این است که بیشتر عشایر کوچنده وارد شده به استان علاقمند بوده‌اند در مناطق ییلاقی و میان‌بند واقع در استان خراسان شمالی اسکان یابند. اما با توجه به این که بر اساس مطالعات انجام شده حدود ۲۰٪ آنان تمایل داشته‌اند در منطقه قشلاقی (استان گلستان) اسکان گزینند، در این جا بحث امکان‌پذیری و مکان‌یابی فضاهای اسکان معطوف به همین تعداد از کوچندگان خواهد بود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که چهار دشت نسبتاً مناسب برای اجرای طرح‌های اسکان در استان گلستان وجود دارد که عبارتند از:

(۱): دشت تقر

این دشت در محدوده زیست بوم اترک شمالی، جائیکه ارتفاعات مرزی سنگوداغ و کوه‌های قره‌بایرداغ از هم باز می‌شوند، یعنی در غرب روستای نارلی‌آجی‌سو قرار دارد. این دشت علاوه بر برخورداری از ۳۵ دهنه چشمه آب، دارای جاده شوسه، عبور خط انتقال برق متوسط و شعبه فروش نفت به عنوان پتانسیل‌های زیربنایی توسعه است و نیز وجود مدرسه عشایری، حمام ضد کنه و سطوح عایق تأمین آب شرب احشام از دیگر امکانات این دشت به شمار می‌رود.

(۲): دشت یکه‌چنار

این دشت که از جنوب به ارتفاعات شلمی، از شمال به کوه‌های حاجی‌داغ، از شرق به اراضی روستای یکه‌چنار و از غرب به استقرارگاه (اشک میدان) محدود می‌شود، در شرق زیست‌بوم اترک جنوبی واقع شده است. با توجه به شرایط اقلیمی منطقه تأمین آب مطمئن یکی از پیش شرط‌های اولیه برای اجرای هر گونه طرح اسکان در این دشت به شمار می‌رود:

همچنین این دشت به دلیل عبور دو محور اصلی (مراوه‌تپه- کلاله و مراوه‌تپه- آشخانه) از نظر دسترسی به جاده در وضع مطلوبی قرار دارد. به علاوه به لحاظ فاصله نسبتاً اندک با شهر مراوه‌تپه امکان بهره‌مندی از خدمات موجود در این شهر مهیا است. در حال حاضر وجود تأسیسات مثل پست قرنطینه دامی، سطوح عایق، چشمه‌های بهسازی شده و دبستان عشایری از دیگر پتانسیل‌هایی است که انتخاب آن را به عنوان یکی از محل‌های ایجاد طرح اسکان توجیه می‌نماید.

(۳): دشت اسماعیلک- کینگ‌جای

این دشت از جنوب به کوه‌های چرلا و بابا شلمک، از شمال به محدوده روستاهای خوجه‌گلدی و سوزش، از شرق به روستاهای قدرایشان و سلمی‌دره و از غرب به سامان‌های عرفی بشنوال محدود می‌گردد.

(۴): دشت چوپانجیق

این دشت در غرب دشت‌های اسماعیلک- کینگ‌جای و در جنوب روستاهای هوتن و کرند قرار دارد و از جنوب به کوه‌های خالدنبی محدود می‌گردد. با توجه به خشکی هوا و محدودیت بارندگی احداث آب‌بندان بر روی رودخانه‌ها کوچک و فصلی و یا اجرای طرح‌های انتقال آب از اترک می‌تواند زمینه توسعه کشت آبی و علوفه‌کاری را به طور اصولی فراهم سازد و با انجام علیات عمرانی و حفاظتی خاک و تقلیل محدودیت‌های آب و خاک به پایداری توسعه آن کمک نماید. علاوه بر آن عبور جاده شوسه آی‌تمر و خط انتقال برق فشار متوسط روستای مذکور از این دشت، پتانسیل مناسبی برای اجرای طرح اسکان به شمار می‌رود.

اگر چه اسکان عشایر با توجه به توجیهات اقتصادی، اجتماعی و فنی انجام شده در مقیاس کلان کشور و به تبع آن در استان نیز ضروری می‌نماید و با این که تعداد خانوارهای به اسکان درآمده در استان گلستان کم است لیکن اجرای اسکان همین تعداد کم نیز با مشکلاتی مواجه خواهد بود.

شاید مهم‌ترین مسأله فرآوری این طرح اختلاف بین جامعه ترکمن (نیمه کوچنده و یکجانشین) و اکراد باشد که ریشه تاریخی دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که این اختلافات و تنش‌ها با فراز و نشیب‌هایی گاه شدت گرفته و گاه فروکش کرده و به برقراری روابط حسنه میان آن‌ها انجامیده است. به علاوه، در بین دو جامعه تنش‌های مختلفی وجود دارد که بخش عمده آن‌ها در ارتباط با نحوه بهره‌برداری از عرصه‌های مرتعی و زراعی و بخشی نیز در ارتباط با مسائل اجتماعی است. اختلاف بر سر مراتع و زمین‌های زراعی در نقاطی که سامان‌های عرفی عشایر کوچنده با سامان‌ها ی دامداران نیمه کوچنده تداخل می‌نماید، بیشتر به چشم می‌خورد. در بسیاری از مواقع روستاییان مراتعی را که مدعی‌اند متعلق به آنهاست، شخم می‌نمایند. به زعم روستاییان این گونه مراتع دارای سند بوده لیکن به سبب خشکسالی‌ها، چند سالی به زیر کشت برده نشده‌اند. در نتیجه، عشایر از آن به عنوان مرتع استفاده کرده‌اند. برعکس، تخریب مزارع جامعه ساکن و نیمه‌کوچنده به وسیله دام‌های عشایر کوچنده نیز موجب بروز اختلافاتی می‌گردد. اختلاف بر سر استفاده از آب چشمه‌ها نیز از موارد دیگری است که به ویژه در نقاط دورتر از رودخانه و مناطق خشک‌تر غربی به چشم می‌خورد. هر چند در سال‌های

اخیر تعداد زیادی از پرونده‌های این گونه اختلافات به نفع روستاییان خاتمه یافته، لیکن هنوز موارد زیادی از آن حل نشده است. جدای از اختلافاتی که با انگیزه‌های اقتصادی بروز می‌نمایند، وجود تباینات فرهنگی- اجتماعی نیز اجرای طرح اسکان را می‌تواند با مشکلاتی مواجه سازد، چرا که جامعه یکجانشین منطقه از نظر مذهب، و آداب و رسوم خاص خود با کردهای کوچنده تمایز دارند. بنابراین، اسکان یک جمعیت با ویژگی‌های اجتماعی- مذهبی متباین با جامعه یکجانشین می‌بایستی با حزم و مطالعهٔ کامل و همه‌جانبه‌ای صورت گیرد تا از بروز تنش‌های اجتماعی و قومی جلوگیری شود. لذا بایستی به دنبال یافتن راه‌هایی بود که ناسازگاری‌های جوامع مذکور را به حداقل برساند.

یکی دیگر از موانع اساسی اجرای طرح اسکان، تأمین آب (اعم از آشامیدنی و زراعی) می‌باشد. در وهله اول کانون‌های توسعه و شهرک‌های عشایری نیاز به مقادیر زیادی آب شرب دارند. چه آن گونه که در طرح‌های جامع زیست بوم‌ها اشاره شد، اگر قرار باشد حدود ۲۰٪ کوچنده که داوطلب اسکان هستند، در چند سایت اسکان داده شوند، به فرض برآورد حداقل نیازها (سرانه ۷۵ لیتر در شبانه روز) آب مورد مصرف آنها در یک شبانه روز بالغ بر ۲۷۰ هزار لیتر می‌گردد. قطعاً با مطالعات انجام گرفته فعلی تأمین این مقدار آب بسار دشوار می‌نماید. از سوی دیگر تغییر شیوه معیشت جامعه هدف از دامداری محض به دامداری- زراعی و باغداری مستلزم تأمین آب کشاورزی قابل توجهی است که جز از طریق احداث سد وکانال‌های انحرافی (به فرض دائمی بودن آب اترک) و صرف هزینه‌های هنگفت امکان‌پذیر نیست.

مسأله دیگر عدم سازگاری دام عشایر کرد با شرایط زیستی منطقه به ویژه در فصل گرما است، زیرا در دوره گرما که عشایر به ییلاق کوچ کنند، شرایط اقلیمی منطقه آنچنان طاقت‌فرساست که اولاً به واسطه کمبود شدید آب و خشک شدن مراتع امکان زیست برای دام‌ها دشوار می‌گردد و ثانیاً با شروع فصل گرما، امکان ابتلای دام‌های عشایر که از نژاد کردی- مغانی هستند، بیماری زردی به شدت افزایش می‌یابد، به‌طوری‌که در برخی از سال‌ها گاهی بنا به عللی کوچ به تعویق می‌افتاد، این گونه دام‌ها تلفات زیادی را متحمل می‌شدند.

یقیناً اجرای طرح اسکان با کاهش تعداد دام و نیز خروج تعداد زیادی از اعضای خانوارهای آن‌ها از فعالیت‌های دامداری مواجه خواهد بود. از این رو، لازم است برای بخشی از نیروی کار این جامعه، درسایر بخش‌های فرصت اشتغال ایجاد کرد. با عنایت به ساختار اجتماعی و زمینه‌های فعالیت این جامعه تنها بخشی که این گروه به راحتی بتوانند در آن اشتغال بورزند، بخش کشاورزی است. لیکن همانطوری که پیشتر گفته شد، خود با موانع جدی از نظر تأمین آب مواجه است. کار در بخش صنعت نیز مستلزم استعداد، علاقه و آموزش فنی است که در میان عشایر زمینه چندان مناسبی ندارد. مگر در بخش صنایع دستی، آن هم برای زنان. به علاوه ساختار اقتصادی منطقه به گونه‌ای نیست که بتوان همهٔ نیروی مازاد را در بخش خدمات جذب نمود.